



مسئله‌ها، ظرفیت‌ها، و برنامه اجرایی مدارس دولتی
دفتر اول؛ مقطع متوسطه اول
محسن بختیاری

اسلام را در خانه

شناسنامه کتاب

عنوان: مدرسه آینده ساز

الگوی اجرایی مدارس در مدار انقلاب اسلامی

مسئله‌ها، ظرفیت‌ها و برنامه‌های اجرایی مدارس دولتی

ویرایش دوم، تابستان ۱۴۰۴

دفتر اول: مقطع متوسطه اول

نویسنده: محسن بختیاری؛ مدیر مرکز تعالی مدرسه

مدیر تولید: سیدعلی اسماعیل زاده

ویراستار و صفحه آرا: محمدرضا ابوالقاسمی

طراح جلد: سیدمحمدامین ذاکر رضوی

با همکاری: حجت الاسلام مبینی و دکتر خوش اقبال

با تشکر از: سرکار خانم خاکی، سرکار خانم الیاسی، جناب

آقای مهدوی، جناب آقای جودی، سرکار خانم احمدپور، جناب

آقای غلام زاده، سرکار خانم بهلولی، جناب آقای خسروی،

سرکار خانم عباسی، جناب آقای سلیمیان، سرکار خانم

میرحسینی، سرکار خانم جعفری، حجت الاسلام معصوم بیگی،

حجت الاسلام لبافان، جناب آقای مفتاح و جناب آقای خرمی



سازمان مدارس صدرا
مدارس انقلاب اسلامی

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به سازمان مدارس صدرا است و هرگونه استفاده بدون ذکر منبع و نسخه برداری بدون مجوز کتبی، ممنوع و از طریق مراجع قانونی قابل پیگیری است.

۹	پیش‌گفتار.....
۱۲	کلیات کتاب.....
۱۵	فرایند تدوین کتاب و مسیر پیش‌روی.....
۱۶	مزیت‌های نسبی کتاب.....
۱۷	جهات تحول آفرین در کتاب.....
۱۸	بیانیه ارزش‌ها.....
۲۰	برنامه‌های مرتبط با دانش آموزان.....
۲۱	ساحت علمی، فناوریانه.....
۲۱	اهداف این ساحت در دوره متوسطه اول.....
۲۱	حدود و قلمرو ساحت تعلیم و تربیت علمی و فناوریانه.....
۲۲	ویژگی‌های مطلوب در این ساحت.....
۲۲	ویژگی اول: لذت‌بخش شدن علم‌آموزی.....
۲۶	ویژگی دوم: تلاش و مجاهدت علمی.....
۲۷	ویژگی سوم: بکارگیری علم.....
۳۳	ساحت اعتقادی، عبادی، اخلاقی.....
۳۳	اهداف این ساحت در دوره متوسطه اول.....
۳۳	حدود و قلمرو ساحت تعلیم و تربیت اعتقادی، عبادی و اخلاقی.....
۳۴	ظرفیت‌های برنامه.....
۳۵	چالش‌های برنامه.....
۳۵	باید و نبایدهای مدیریتی، در جهت تحول این ساحت.....
۳۶	نقشه راه تحول.....
۳۶	اول: پیشنهاد چند برنامه عملیاتی.....
۴۱	محور دوم: نقش معلم در تربیت اعتقادی، عبادی، اخلاقی.....
۴۱	محور سوم: محتوا.....
۴۲	ساحت زیستی و بدنی.....
۴۲	اهداف این ساحت در دوره متوسطه اول.....
۴۲	سیاست‌های هفت‌گانه معاونت سلامت و تربیت بدنی وزارت آموزش و پرورش.....
۴۲	حدود و قلمرو ساحت تعلیم و تربیت زیستی و بدنی.....
۴۳	دسته اول: تغذیه.....
۴۳	دسته دوم: ورزش.....
۴۶	دسته سوم: بهداشت و سلامت روحی و روانی.....
۴۷	دسته چهارم: محیط زیست.....

ساحت اقتصادی و حرفه‌ای	۴۹
اهداف این ساحت در دوره متوسطه اول	۴۹
رویکرد تربیتی در این ساحت	۵۰
نکات مدیریتی در تربیت اقتصادی دانش‌آموزان	۵۰
بخش اول: سواد اقتصادی	۵۱
بخش دوم: مهارت اقتصادی	۵۳
ملاحظه جنسیت دانش‌آموزان در تربیت اقتصادی	۵۵
ساحت سیاسی اجتماعی	۵۶
اهداف این ساحت در دوره متوسطه اول	۵۶
قلمرو ساحت سیاسی و اجتماعی	۵۶
رویکرد تربیتی	۵۶
راهکارهای اجرایی این ساحت	۵۷
بخش اول: پرورش هویت نوجوان ایرانی	۵۷
بخش دوم: تقویت روابط اجتماعی و فعالیت تشکیلاتی	۵۹
بخش سوم: آموزش مهارت‌های اجتماعی	۶۱
ظرفیت‌های مدرسه در ساحت سیاسی-اجتماعی	۶۷
مناسبت‌ها و مراسم‌ها	۶۷
قرارگاه نماز و نمازخانه	۶۸
حیاط، ورزش و محوطه‌های بازی	۶۹
کتابخانه	۶۹
اردو	۶۹
ساحت زیبایی شناختی و هنری	۷۱
اهداف این ساحت در دوره متوسطه اول	۷۱
حدود و قلمرو ساحت تعلیم و تربیت زیبا شناختی و هنری	۷۱
نگاه تربیتی به برنامه‌های این ساحت	۷۱
۱. توانایی مشاهده زیبایی و لطافت	۷۲
۲. مهارت خلق اثر هنری	۷۴
۳. بصیرت هنری	۷۴
۴. خلق فضاها و محیط‌های زیبا در مدرسه	۷۵
نظام ارزش‌یابی و هدایت تحصیلی	۷۸
بررسی اسناد بالادستی درباره نظام ارزش‌یابی	۸۰
اهداف و کارکردها	۸۲

۸۲	 سازمانی
۸۲	 تربیتی
۸۳	 ویژگی‌های ارزش‌یابی موفق
۸۴	 ملاک‌ها و روش‌های ارزیابی
۸۴	 صفات تربیتی
۸۵	 صفات شخصیتی
۸۶	 صفات مزاجی
۸۶	 صفات گروهی
۸۶	 ارزیابی کلاسی و مدرسه ای
۸۷	 تعریف شاخص‌ها و سنج‌ها
۹۰	 فرایند ارزش‌یابی
۹۰	 گام اول: تنظیم و طراحی پرونده تربیتی کاربردی بر اساس ویژگی‌های بومی منطقه
۹۰	 گام دوم: رصد و پایش
۹۱	 گام سوم: خودارزیابی دانش‌آموزان و اولیاء
۹۲	 گام چهارم: تحلیل و برآیندگیری
۹۲	 گام پنجم: پیگیری شیوه اجرای تصمیمات در بدنه
۹۳	 هدایت تحصیلی و شغلی
۹۳	 نگاه تربیتی
۹۳	 نکاتی پیرامون هدایت تحصیلی
۹۶	 برنامه‌های مرتبط با والدین
۹۷	 مدرسه و والدین
۹۷	 اول: نظام مسائل والدین
۹۷	 روش‌های دستیابی به مسائل والدین
۹۷	 دغدغه‌های والدین چه باید باشد؟
۹۸	 دوم: نظام رشد و ارتقای خانواده
۹۸	 سبد متنوع برنامه‌های خانواده
۱۰۰	 برنامه‌های مرتبط با محیط اجتماعی پیرامون مدرسه
۱۰۰	 نگاه تربیتی به این عرصه
۱۰۰	 نقشه راه عملیاتی
۱۰۲	 سرمایه انسانی مدرسه
۱۰۴	 کارکنان و معلمان مدرسه
۱۰۴	 مدیر تراز مدرسه
۱۰۵	 آنچه «مدیریت تحول‌خواه» را دلنشین‌تر و پربازده‌تر می‌کند

عوامل اجرایی و معلمان مدرسه.....	۱۰۸
مسئله‌ها و چالش‌ها.....	۱۰۸
ظرفیت‌های درونی مدرسه.....	۱۰۸
بسته پیشنهادی.....	۱۰۹
تشکل‌های دانش‌آموزی.....	۱۱۱
انجمن اولیاء.....	۱۱۳
تجهیزات، امکانات ساختمانی و منابع.....	۱۱۶
استانداردها و اولویت‌ها.....	۱۱۷
نگاهی به آیین‌نامه اجرایی مدارس.....	۱۱۷
استفاده از ظرفیت‌های بیرون مدرسه.....	۱۱۸



سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، مهم‌ترین سند بالادستی نظام تعلیم و تربیت است که قله حرکت مدارس ایران اسلامی را مشخص کرده است.

مقام معظم رهبری در دیدار ۱۱ شهریور ۱۳۹۹ با وزیر و رؤسای آموزش و پرورش، با اشاره به اهمیت تحقق اهداف سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، فرمودند: «دو کار مهم [برای سند تحول آموزش و پرورش] هست؛ یکی ترمیم [یعنی به‌روزرسانی و ملاحظه کردن] اصل سند که این [کار] به وسیله‌ی خود شورای عالی انقلاب فرهنگی باید انجام بگیرد، و دوم هم برنامه‌ی جامع اجرایی که تشکیلات آموزش و پرورش این برنامه را باید تنظیم بکند».

۱۱

در سال ۱۴۰۳ وزارت آموزش و پرورش از سند «نقشه راه اجرای سند تحول» در قالب ۲۷ خوشه و ۱۴۷ پروژه رونمایی کرد. یکی از این پروژه‌ها «طراحی و استقرار الگوی مدرسه مطلوب سند تحول» است. هم‌چنین در این سند، به واکاوی علل عدم تحقق اهداف سند در گستره مدارس ایران پرداخته شده است. از میان ۷ عامل درون سازمانی بیان شده در «نقشه راه»، دو عامل به نظر ما برجسته‌تر بود؛ یکی «کم‌توجهی به گفتمان‌سازی سند تحول» و دیگری «کم‌توجهی به مدرسه در برنامه‌های ستادی». بر اساس همین واکاوی، باید با رویکردی جدید به فکر اجرایی‌سازی اهداف سند تحول بود. رویکردی که در آن به مدیران مدارس و پایگاه مدرسه نقش جدی در طراحی و اجرایی‌سازی سند تحول داده شده است.

معاونت طرح و برنامه «سازمان مدارس صدرا» یکی از وظایف خود را خدمت در مسیر تحقق و اجرایی‌سازی سند تحول بنیادین آموزش و پرورش می‌داند. یکی از این زیرساخت‌های محتوایی برای نیل به این هدف، تولید کتاب «الگوی مدرسه مطلوب سند تحول» بود. کتابی که در روند تولید آن، فرهنگ‌سازی ایجاد تحول در نظام آموزش و پرورش، و نقش‌دهی به مدیران مدارس و پایگاه مدرسه بسیار مهم جلوه داده شد و برنامه اجرایی رسیدن به «مدرسه آینده‌ساز» را طراحی کند.

جامعیت، تناسب با ظرفیت‌های شبکه مدارس دولتی، چابک و عملیاتی بودن از جمله ویژگی‌های این کتاب است. خواستگاه اولیه این کتاب، مجموعه مدارس صدرا است. به همین جهت پس از تدوین پیش‌نویس کتاب، جلساتی با شورایی از مدیران مدارس برگزار شد و متن پیش‌نویس مورد نقد و بررسی این عزیزان قرار گرفت. با این روش، هم اجرایی‌سازی سند بیشتر فرهنگ‌سازی شد، و هم خود مدیران و مدرسه در مسیر طراحی و اجرای سند، نقش‌آفرینی بیشتری داشت.

در تلاش هستیم در سال اول، حداقل ده درصد از مدارس صدرا نمونه اجرای این الگو شوند و در سال‌های بعد به تعداد مدارس الگو اضافه گردد. هم‌چنین به پشتوانه محتوایی این سند، قرار است نشست‌ها و گفت‌وگوهای خانواده فرهنگیان برای ایجاد تحول در مدارس شبکه مدار شکل بگیرد.

لازم است در اینجا از همه همکاران گرامی معاونت مدارس و فرهنگیان، بویژه قائم مقام سازمان مدارس صدرا جناب حجت الاسلام مبینی و مشاور عالی طرح؛ جناب دکتر خوش اقبال، و هم‌چنین شورای مدیران دلسوزی که زحمت ارزیابی و نقد اولیه این کتاب را بر عهده داشتند، تشکر کنم. امیدواریم با اجرایی شدن این الگو در گستره مدارس دولتی، شاهد تحول واقعی در مدارس ایران اسلامی باشیم.

بخش
کلیات کتاب

فرایند تدوین کتاب و مسیر پیش روی اجرای سازی آن

۱۵

مدرسه آینده ساز

مرحله اول در تدوین این کتاب، مطالعه و مباحثه گروهی اسناد بالادستی مانند سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، برنامه درسی ملی و بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی بود.

در مرحله دوم، دورنمای تدوین کتاب «مدرسه آینده ساز» در جلساتی فشرده و با حضور کارشناسان عرصه تعلیم و تربیت، تدوین شد. دورنمایی که چهارچوب کلی پژوهش و بخش بندی های آن را مشخص می کند. پس از طراحی دورنمای کتاب، از متخصصینی که در هر بخش توانمندی داشتند درخواست شد تا مطالعات علمی و تجربیات میدانی خود را در هم آمیزند و ما را در تدوین کتاب، یاری نمایند.

نگاشت ویرایش اول کتاب، مسیر را جهت نقد و بررسی و تکمیل نواقص آن هموار کرد. مسیری که از دالان نشست ها و گفت وگوهای پی در پی با مدیران خلاق و دارای ابتکار در شبکه مدارس دولتی عبور می کرد. ویژگی این مرحله این بود که سنجهای واقعی برای عملیاتی بودن و انطباق با نیازهای میدان مدارس را فراهم می کرد.

کارشناسان زبده عرصه تعلیم و تربیت هم در مرحله نهایی ما را از نظرات و پیشنهادات ارزنده شان بهره مند نمودند.

پس از رونمایی و انتشار دفتر اول کتاب، محتوای آن بستری جهت هم افزایی و تبادل تجربیات شبکه مدیران و دغدغه مندان عرصه تعلیم و تربیت، فراهم خواهد کرد.

نکته قابل توجه اینکه در دفتر اول کتاب، مخاطب اصلی «مدیر مدرسه» است؛ چه اینکه مدیر، فرمانده میدان و سنگر تعلیم و تربیت است. البته پرواضح است که مدیران محترم بدون کمک عوامل اجرایی مدرسه، توانایی اجرای خوب برنامه ها را خواهند داشت.

مطالعه اسناد بالادستی

مطالعه پیشینه کار و بومی سازی برای مدارس دولتی

استفاده از پیشنهادات و نکات اصلاحی شبکه مدیران خلاق مدارس دولتی

ارائه پیش نویس به کارشناسان و استفاده از نقد و نظر ایشان



مزیت‌های نسبی کتاب

۱. جامعیت

۱۶ در کتاب پیش‌رو در تلاش بودیم به تمام جوانب و ساحات تربیتی مدرسه؛ شامل مسائل آموزشی، تربیتی، و مدیریتی توجه شود. ظرافت‌های مدیریتی مدرسه، عملیات‌های اجرایی متنوع و توجه به نقش‌های مختلف مدرسه از جمله بخش‌هایی است که در ساحات مختلف بدان اشاره شده است.

۲. قابلیت اجرا در شبکه مدارس دولتی

در بررسی پیشنهادی طرح‌های مدرسه تراز بر اساس سند تحول، مشخص شد بیشتر طرح‌ها در چهارچوب مدارس غیر دولتی تدوین و طراحی شده است و کمتر قابلیت اجرا در مدارس دولتی را دارد. در هدف‌گذاری کتاب، گستره مدارس دولتی در تمام اقلیم‌ها در نظر گرفته شده است.

۳. توجه به مسئولیت اجتماعی مدرسه

مدرسه در عین حال که دانش‌آموز را به عنوان مخاطب اصلی تربیت خود قرار داده است، اما بنابر اسناد بالادستی نسبت به محله و شهر خود نیز مسئولیت دارد. بنابر سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، مدرسه باید به یکی از کانون‌های پیشرفت فرهنگی و اجتماعی محله تبدیل شود. به همین جهت در بخش‌های مختلف کتاب؛ بویژه ساحت سیاسی اجتماعی، به نقش اجتماعی مدرسه توجه شده است.

۴. پرداختن به قالب‌های متنوع در برنامه‌های مدرسه

تلاش شده در بخش‌های مختلف کتاب، علاوه بر اصول و قواعد و نکات کلی، به قالب‌های متنوع میدانی و اجرایی متناسب با آن موضوع نیز پرداخته شود. این مهم، موجب می‌شود سند، شکل و محتوای عملیاتی و میدانی داشته باشد و قابلیت اجرای آن و اتصال آن به میدان مدارس دولتی بیشتر شود.

جهات تحول آفرین در کتاب

رویکردهای تحول آفرین در مدرسه، همان تغییر نگرش‌ها و رفتارهایی است که می‌تواند قدم به قدم ما را به مدرسه تراز انقلاب اسلامی نزدیک کند.

۱۷

این قدم‌ها البته در برخی موارد هم‌زمان، و در شرایطی با اولویت‌بندی باید اجرایی شوند.

مهم‌ترین چرخش‌های تحولی که در این کتاب مدنظر قرار گرفته است، عبارتند از:

۱. مشارکت‌جویی مدرسه در امر تربیت و محول کردن کارها به دانش‌آموزان و اولیا، زیر نظر مدیر مدرسه.

۲. تبدیل شدن نهاد مدرسه از محیطی صرفاً آموزشی، به نهادی فرهنگی-اجتماعی و مولد سرمایه انسانی.

۳. حضور در فضاها و زمان‌های خارج از کلاس، با هدف عمق‌بخشی، نهادینه کردن، و تنوع‌بخشی در فرایندهای تعلیم و تربیت.

۴. فعال شدن مدرسه به عنوان یک پایگاه پرنشاط محلی در مسیر کنش‌گری اجتماعی نوجوانان و ارتباط

واقعی مدرسه با مسجد و دیگر مراکز فعال محله.



بیانیه ارزش ها

بر اساس فصل اول سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، مدرسه تراز می بایست ویژگی ها و مزیت های متنوعی داشته باشد.

۱۸

در این کتاب، برخی از این ارزش ها که اولویت بیشتری دارند و با راهکارهای ارائه شده در کتاب «مدرسه آینده ساز» نیز تناسب بیشتری دارند، به صورت برجسته تر بیان می گردد:

۱. مبتنی بودن گفتار و عمل بر آموزه های دین مبین اسلام، به ویژه آموزه های مهدویت با تأکید بر روش و سیره حکمرانی امام خمینی رحمت الله علیه و مقام معظم رهبری مدظله العالی.
۲. زمینه سازی کسب شایستگی های پایه، با تأکید بر خصوصیات مشترک اسلامی، ایرانی و انقلابی، در راستای تکوین و تعالی پیوسته هویت دانش آموزان در ابعاد فردی، خانوادگی و اجتماعی.
۳. نقش معلم (مربی) به عنوان هدایت کننده و اسوه ای امین و بصیر در فرآیند تعلیم و تربیت و مؤثرترین عنصر در تحقق مأموریت های نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی.
۴. ارتقاء جایگاه و نقش تربیتی خانواده و مشارکت اثربخش آن با نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی و نیز نقش تربیتی اماکن مذهبی، نهادهای مردمی، اجتماعی و رسانه.
۵. مسئولیت پذیری همه جانبه، مشارکت اجتماعی و داشتن روحیه جمعی و مهارت مورد نیاز جامعه.
۶. در نظر گرفتن مدرسه به عنوان کانون تعلیم و تربیت رسمی عمومی و محل کسب تجربه های تربیتی.
۷. جامعیت، یکپارچگی و توجه متوازن به ساحت های تعلیم و تربیت.

بخش ۲

برنامه‌های مرتبط با دانش‌آموزان

ساحت علمی، فناوریانه

نکته: گرچه بسیاری از راهکارهای ارائه شده برای متوسطه اول قابلیت اجرا و پیاده‌سازی در مقطع متوسطه دوم را هم دارد، اما به جهت گستردگی مطالب، در دفتر اول این کتاب، تمرکز روی دوره **متوسطه اول** است. به همین جهت، در بخش اهداف فقط به اهداف دوره متوسطه اول اشاره شده است.

۲۱

اهداف این ساحت در دوره متوسطه اول

۱. با استفاده از راهبردهای تفکر، الگوها و روابط حاکم بر پدیده‌ها را شناسایی کند و یافته‌های خود را برای حل مسایل و توسعه علمی بکار گیرد.
۲. در فرایند کار مشارکتی با بررسی ایده‌ها و یافته‌های علمی فناوریانه یا گزاره‌های علمی و پژوهشی، دیدگاه‌های خود را ارائه و برای پاسخ به پرسشی جدید، طرح مطالعاتی و پژوهشی تهیه و اجرا کند.
۳. با بررسی فرایندها، قوانین، اصول علمی و فناوریانه بکار گرفته شده در تولید یک محصول، روش‌هایی را برای بهینه‌سازی آن بکار گیرد.

حدود و قلمرو ساحت تعلیم و تربیت علمی و فناوریانه

این ساحت ناظر به رشد توانمندی افراد جامعه در راستای فهم و درک دانش‌های پایه و عمومی، کسب مهارت دانش‌افزایی، به‌کارگیری شیوه تفکر علمی و منطقی، توان تفکر انتقادی، آمادگی جهت بروز خلاقیت و نوآوری، کسب دانش، بینش و تفکر فناوریانه برای بهبود کیفیت زندگی است. جایگاه ساحت علمی، در میان دیگر ساحت‌های تربیتی، جایگاه ویژه‌ای است؛ چه اینکه هر مقدار سطح علمی و دانشی دانش‌آموز در گستره‌ی مرتبط با مثلاً ساحت اقتصادی بیشتر شود، بهتر می‌تواند مهارت‌های لازم برای تحقق رشد و تربیت اقتصادی را محقق کند.

در ساحت علمی برای رسیدن به اهداف مندرج در «**برنامه درسی ملی**» باید سه ویژگی در دانش‌آموز محقق شود:

- ♦ به دانش‌افزایی علاقه داشته باشد و از آن «لذت» ببرد.
 - ♦ در مسیر علم‌آموزی روحیه «تلاش» و استمرار کاری و مجاهدت داشته باشد.
 - ♦ در مسیر «بکارگیری آموخته‌ها» و عملی کردن دانش‌هایش قدم بردارد.
- برنامه‌ها و پیشنهادات مدرسه برای تحقق هر کدام از این ویژگی‌ها، نشان‌دهنده جهت‌گیری صحیح در مسیر ایجاد تحول در ساحت علمی دانش‌آموزان است.



ویژگی های مطلوب در این ساحت

ویژگی اول: لذت بخش شدن علم آموزی

دو نگاه هم راستا به رشد و توانایی علمی

۲۲

مدرسه آینده ساز

علم، می تواند در تولید ثروت و دیگر کارکردهای اجتماعی و سیاسی به کمک انسان بیاید، اما با یک نگاه واقع بینانه و البته عمیق، خودش نورانیت و اثر درونی دارد؛ البته اگر در مسیر بندگی و با چهارچوب عبودیت به دست آید.

اشاره به این نکته بدین جهت است که در برخی رویکردها و روش های تربیتی، فقط نگاه ابزاری به علم و دانش می شود. ثمره این نگاه این است که نوجوان، وقتی احساس می کند دانستن یک مطلبی، ثمره و نتیجه کوتاه مدت و محسوس برای او ندارد، انگیزه ای برای آموختن پیدا نمی کند. در حالی که لذت دانستن و بیشتر شدن اطلاعات و به تعبیر دقیق تر، نورانی شدن در کهکشان دانش، بخشی از مراحل رشد و زندگی و حیات ما است. روی دیگر سکه، اما این است که آثار و فواید و نقش های یادگیری و دانش در زندگی و آینده دانش آموزان باید ترسیم شود. در این بین نقش معلم به واسطه انس و الفت بیشتر با دانش آموزان بی بدیل است. ابزارهای کمک آموزشی، اردوهای علمی، مستندهای جذاب درباره کارکرد علوم، و ... همه نقش مکمل را برای بازیگر محوری این میدان - یعنی معلم - بازی می کنند.

عوامل دخیل در لذت نبردن دانش آموزان از علم آموزی در مدرسه

درست است که نوع نگاه و رفتار والدین و دوستان یک دانش آموز، در او تأثیر زیادی دارد، اما مهم ترین پایگاه مؤثر در روند علم آموزی دانش آموزان «مدرسه» است.

اولین مانع برای رشد و پیشرفت علمی دانش آموزان، لذت نبردن از دروس مدرسه است که عوامل مختلفی می تواند در آن دخیل باشد؛ از جمله:

- ♦ نارسایی های مربوط به محتوا؛ مانند زبان پیچیده متون، غیرجذاب بودن متن و قالب.
- ♦ امور مربوط به معلم؛ مانند شیوه برخورد یا تدریس معلم، کمبود وقت و فاصله سنی زیاد معلم و دانش آموز.
- ♦ کاستی های مربوط به دانش آموز؛ مانند تفاوت و تنوع استعداد و سلیقه دانش آموزان در یادگیری با وجود روش ها و شیوه های آموزشی یکسان و عمومی، تنبلی و بی رغبتی نسبت به هر فعالیت.
- ♦ ضعف های مربوط به فضا و امکانات؛ مانند تراکم بالا و فضای کوچک و کم نشاط کلاس ها.
- ♦ استفاده از روش های نامناسب در آموزش؛ مانند استفاده از طرح ها و برنامه های غیرخلاقانه، ارزشیابی های اضطراب زا و ...

♦ چشم انداز نادرست دانش آموزان برای فعالیت های علمی. در نگاه عمومی جامعه دانش آموزی از نظر علمی موفق دیده می شود که بتواند خوب سؤالات چندگزینه ای را پاسخ بدهد و رتبه بهتری در کنکور داشته باشد. از میان این عوامل، برخی با رعایت چند نکته مدیریتی کم اثر می شوند، و تعدادی دگر با کار مستمر و ریشه دار حل می شوند. سؤال کاربردی این است که یک مدیر به کمک همکارانش چگونه، با انجام چه فعالیت هایی و با رعایت چه نکاتی می تواند بخشی از این چالش ها را حل کند؟

یک لذت، در سه قاب مدرسه، خانه و گروه دوستان

اولین محیط اثرگذار روی فرزندان، خانه و خانواده است. اگر والدین بخشی از وقت خود را صرف دانستن، کتاب خواندن و گفت‌وگوی علمی کنند، ناخودآگاه فرزندان نیز علاقه بیشتری به دانش‌افزایی پیدا می‌کنند. در مرحله بعدی، گروه هم‌سالان و دوستان یک دانش‌آموز نیز در فرایند علاقه‌مندی او به دانش‌افزایی و علم‌آموزی هم بسیار مؤثر هستند.

مهم‌ترین محیط اما مدرسه و کلاس درس است مدرسه‌ای که محیط لذت‌بخش و باطراوت برای علم‌آموزی فراهم کرده است. اگر هر سه محیط مدرسه، خانه و گروه دوستان، در این راستا هم‌افزایی داشته باشند، می‌توان به نتایج محسوسی در زمینه «لذت بردن» دانش‌آموزان از علم‌آموزی برسیم.

رعایت نکات زیر درباره فعالیت‌های مرتبط با ساحت علمی، می‌تواند لذت علم‌آموزی را بین دانش‌آموزان بیش از پیش کند:

۱. مدرسه، خود را بخشی از نظام مهندسی علم‌آموزی در درون منزل و نیز بین هم‌سالان دانش‌آموزان بداند. با این رویکرد برنامه‌هایی را با راهبری و کمک انجمن اولیاء و مربیان، برای خانواده‌ها برگزار نماید. راه‌اندازی کتاب‌خانه‌های سیار در مجتمع‌های ساختمانی، دعوت از فعالین عرصه فن‌آوری به مدرسه و ایجاد گفتمان علمی بین خانواده‌ها، از جمله این برنامه‌ها می‌تواند باشد.

۲. در ارائه محصولات متناسب با ساحت علم‌آموزی به «کتاب» بسنده نکنیم. محصولات رسانه‌ای (صوت و فیلم) که می‌تواند دانسته‌ها و گرایش‌های علمی دانش‌آموزان را افزایش دهند، ابزار مهمی برای ایجاد فضای پرنشاط علمی هستند.

به عنوان نمونه تولیدات «مدرسه مجازی آی‌نو» می‌تواند در برنامه‌های آموزشی به دانش‌آموزان کمک کند. هر مدرسه باید به پایگاهی متصل به «نهادهای حاکمیتی» در عرصه علم‌آموزی و نیز «گروه‌های مردمی» فعال در این عرصه تبدیل شود. کتابخانه‌های عمومی، کانون‌های پرورش فکری، پاتوق‌ها و کافه کتاب‌ها، سرای محله‌ها، پردیس‌های علم و فناوری از جمله این نهادها و مراکز هستند.

۴. رعایت برخی نکات در مدیریت فضای کلاس:

★ جاذبه شخصیتی معلم:

محور این تحول، وجود معلمی خوش‌برخورد، خلاق و آشنا با نیازهای نوجوان است، که می‌تواند با توجه به زیست‌بوم دانش‌آموزان خود، روش‌های درستی را برای مدیریت فضای کلاس اجرایی کند.

★ تنوع در شروع

در بسیاری از کلاس‌ها و ماده درسی‌ها، معلم می‌تواند با یک «کنش» و «فعالیت» متناسب با درس، کلاس را آغاز نماید. به عنوان مثال در کلاس آموزش زبان عربی و انگلیسی «مکالمه آزاد» و یا «خوانش متن» دانش‌آموزان داشته باشیم.

خواندن و یا ارائه داستان‌های ادبیات کهن و داستانی، در کلاس ادبیات، ارائه و حل معماهای ریاضی، در کلاس ریاضی، انجام یک آزمایش یا بازی بر اساس آموزه‌های درس شیمی و فیزیک، در این درس‌ها، از دیگر نمونه‌های «شروع متنوع» در کلاس است.



★ قالب های گوناگون ارائه درس

اول. ارائه اکتشافی: در این روش، از یک مسأله و چالش به سمت حل آن پیش می‌رویم و در هر قسمت، این دانش‌آموزان هستند که مرحله به مرحله دانش را کسب می‌کنند.

دوم. ارائه تعاملی و مشارکتی: پرسش و پاسخ بین معلم و دانش‌آموزان برای رسیدن به نقطه مطلوب آن ماده درسی. در بسیاری از درس‌ها، خود دانش‌آموزان می‌توانند **ارائه‌دهنده** درس باشند و حتی با پژوهش‌های خود تولید محتوا کنند و همان محتوا را در قالب‌های مختلف، به مخاطب ارائه بدهند. با این روش، میزان فعالیت دانش‌آموزان در کلاس بالا می‌رود. مخاطب کمتر خسته می‌شود و با محتوا بیشتر ارتباط برقرار می‌کند.

نکته: نوع ارائه یک محتوا و ماده درسی توسط دانش‌آموزان را باید متنوع دید؛ مثلاً برخی از دانش‌آموزان فن بیان خوبی ندارند، اما دست به قلم هستند. برخی توانایی تولید طراحی و کار هنری بر اساس یک محتوا را دارند. بسترسازی متنوع برای ارائه محتوا، مخاطب بیشتری را پای این روش می‌آورد.

★ ایجاد سرور و نشاط در جهت پرهیز از خستگی و خشکی کلاس
پیشنهادهای در این زمینه:

اول. نشاط و طراوت معلم، به عنوان مهم‌ترین عامل برگزاری کلاسی پرنرژی

دوم. تأکید روی خواب مناسب و صرف صبحانه دانش‌آموزان

سوم. انجام ورزش‌های یک دقیقه‌ای در میان کلاس

چهارم. استفاده مناسب از وقت استراحت میان کلاس‌ها

۵. ایجاد فضاهای علمی پرنشاط و متنوع در محیط مدرسه:

اول. باغ کتاب

«باغ کتاب» همان کتاب‌خانه فعال و بانشاط است، با این تفاوت که شما خیلی به فکر چیدن کتاب‌ها در کنار هم نیستید. در باغ کتاب، **فعالیت‌های کتاب‌محور** موضوعیت دارند. دانش‌آموزان کنش‌گری‌هایی را با محور قرار دادن محتوای کتاب‌ها طراحی و اجرا می‌کنند.

با این رویکرد، نیازی به تجمیع کتاب‌های پرتعداد نیست. خود دانش‌آموزان می‌توانند در فرایند تهیه کتاب‌ها مشارکت کنند. باغ کتاب پاتوقی است برای رفاقت با کتاب، نه مکانی برای نمایش قفسه‌های پر از کتاب! چند پیشنهاد برای فعال شدن «باغ کتاب»:

۱. قرار دادن تابلویی برای معرفی کتاب‌های اثرگذار معرفی با امکان عرضه کتاب در ایستگاه کتاب

۲. دعوت از نویسندگان متنوع (مشهور و پیشکسوت، جوان و حتی نوجوان) برای معرفی کتاب خود و عرضه کتاب با قیمت مناسب در یک روز مشخص به عنوان روز کتاب

۳. برگزاری کلاس نویسندگی خلاق برای دانش‌آموزان و شناسایی استعداد ایشان و کمک به چاپ و نشر آثار اولیه ایشان در سطح کوچک برای انگیزه‌سازی ایشان

۴. برگزاری کارگاه نقد کتاب و گفت‌وگو درباره محتوای کتاب

۵. اختصاص یک ساعت خاص در هفته به عنوان «**زنگ کتاب**» جهت فعالیت مستمر و منظم با محوریت کتاب



دوم. رایاخانه

امروزه استفاده از فن‌آوری‌های به‌روز، جزو جدایی‌ناپذیر مجموعه‌های آموزشی-تربیتی است. برخی از خانواده‌ها امکان خرید رایانه همراه یا خانگی را برای فرزندانشان ندارند، اما شاید بتوانند در تجهیز یک «رایاخانه» خوب در مدرسه مشارکت کنند. خودشان و خیرین را پای یک پایگاه فعال رایانه‌ای در مدرسه بیاورند.

مسئله دوم پیش روی استفاده از یک «رایاخانه» فعال، برنامه‌ریزی منسجم و پرفایده از این امکانات است. چه بسا مدرسه‌ای با صرف هزینه‌های دولتی یا مردمی، مکان و تجهیزات خوبی را آماده کند، اما به جهت بی‌برنامگی و یا راهبری ناصحیح، استفاده چندانی از آن نشود. به همین جهت، همزمان و بلکه پیش از دغدغه تأمین امکانات برای اتاق رایانه، باید مسیر و نقشه استفاده از آن را نیز طراحی کنیم.

چند پیشنهاد جهت استفاده بهینه از «رایاخانه»:

۱. دو سطح از بهره‌مندی را می‌توان برای استفاده از «رایاخانه» طراحی و به دانش‌آموزان اعلام شود. یکی استفاده عمومی و مهارت‌آموزی است، و دیگری استفاده پژوهشی و حرفه‌ای. در سطح عمومی، تمامی دانش‌آموزان در برنامه‌ای آموزشی (مثلاً هفته‌ای یک‌بار) در کارگاه رایانه شرکت می‌کنند. این کارگاه می‌تواند در زمان رسمی مدرسه گنجانده شود، و یا به صورت فوق‌برنامه و با تصویب انجمن اولیاء و مربیان عملیاتی شود. سطح دوم بهره‌مندی مخصوص دانش‌آموزانی است که هم قابلیت‌های ویژه‌ای در استفاده از رایانه دارند، و هم امتیازات و فعالیت‌های مناسبی در بخش‌های دیگر مدرسه داشته‌اند. رتبه‌بندی و تخصصی‌کردن استفاده از رایانه‌ها یکی از الزامات این سطح است.

۲. راهبر اصلی رایاخانه می‌تواند از مجموعه معلمین، یا یکی از اولیاء که مهارت لازم را دارد، و یا دانش‌آموختگان مدرسه باشد. تنظیم و اجرایی‌سازی مقررات استفاده از رایاخانه، پیگیری رفع مشکلات سخت‌افزاری و نرم‌افزاری، مشخص کردن شیوه و زمان تحویل دادن امور محوله به دانش‌آموزان، و استفاده از ظرفیت‌های داخلی و بیرونی مدرسه جهت ارتقای سطح برنامه‌ها، از جمله وظایف این راهبر است.

۳. جهت نظم بهتر اطلاعات انباشته‌شده در رایانه‌ها، پوشه‌های مخصوص هر کلاس و هر دانش‌آموز با کد دسترسی ویژه در اختیار این عزیزان قرار داده می‌شود.

۴. استفاده از اینترنت در چهارچوب تعیین شده توسط راهبر رایاخانه و با نظارت ایشان انجام می‌گیرد. کارکرد اصلی اینترنت در رایاخانه، برای استفاده پژوهشی است.

سوم. تابلوهای مدرسه

بیشترین استفاده‌ای که از تابلوهای مدرسه انجام می‌گیرد، در راستای برنامه‌های پرورشی است. این در حالی است که از ظرفیت تابلوی مدرسه برای «کنش‌گری‌های آموزشی» خیلی خوب می‌توان استفاده کرد.

چند پیشنهاد در زمینه «تابلوهای آموزشی»:

۱. هر کلاس یک تابلوی ویژه برای خود داشته باشد تا دانش‌آموزان بتوانند فعالیت‌های آموزشی، مانند پژوهش‌های علمی خود را در آن انعکاس دهند.



۲. معلمین گرامی برخی تکالیف را در قالب تابلوی مدرسه از دانش آموزان درخواست کنند و برای عزیزی که در فعالیت تابلویی مشارکت دارند، امتیاز ویژه قرار دهند.
۳. محل نصب تابلوی کلاسی به گونه ای باشد که دانش آموزان بتوانند مطالب نصب شده در تابلو را در زمان کلاس برای دیگر هم کلاسی های خود، از روی تابلو توضیح دهند.
۴. معلمین گرامی نیز برخی یادداشت ها و ارجاعات خود را روی تابلوی کلاسی قرار دهند.
۵. معرفی کتاب ها و تارنماهای متناسب با مطالب بیان شده در کلاس، یکی از بخش های ویژه تابلو می تواند باشد.
۶. طراحی و اجرای یک «جشنواره مدرسه ای» برای ارزیابی و رصد بهترین محتواها و قالب بندی ها جهت ایجاد شور و شوق کار تابلو در هر کلاس، می تواند بسیار مؤثر باشد.

ویژگی دوم: تلاش و مجاهدت علمی

ویژگی که کمتر در محافل مدرسه ای بدان پرداخته می شود و متأسفانه سبک زندگی دانش آموزان امروزی کاملاً در نقطه مقابل آن است، روحیه «تلاش گری» و «مجاهدت» در مسیر رسیدن به هر هدفی در زندگی، از جمله موفقیت در ساحت علمی است. نوجوان امروزی از نظر بینشی و گرایشی تمایل دارد با ساده ترین کارها و مسیرها به بهترین نتیجه ها برسد. زحمت کشیدن و تلاش کردن را چندان بر نمی تابد. پرکاری را هنجار خود و اطرافیان خود نمی داند. در یک کلام دنبال زندگی ساندویچی است!

این ویژگی جز با راهکارهای تربیتی و پرورشی قابل تصحیح نیست. یکی از نقاطی که به ما اثبات می کند برنامه های آموزشی و پرورشی قابل تفکیک از یکدیگر نیستند، دقیقاً همین جا است.

به بیانی دیگر زیرساخت تربیتی، به عنوان زمین حاصلخیزی است که می تواند به عرصه آموزش جان و نفس تازه می بخشد و ثمره فعالیت های آموزشی را بیش از پیش می کند.

چند پیشنهاد جهت بالا بردن روحیه جهادگری در عرصه علمی:

۱. دیدار و گفت و گو با دانش آموختگان موفق که تلاش و مجاهدت را سرلوحه کار خود قرار داده بودند. نشست های علمی با اندیشمندان و نخبگان استانی و کشوری نیز در قدم بعدی بسیار می تواند در این مسیر راهگشا باشد.
۲. فرهنگ تلاش و همت باید در میان دانش آموزان یک «ارزش» و «هنجار» تلقی شود. ارزش گذاری ویژه روی تلاش دانش آموزان، فارغ از نتیجه ای که در آزمون ها گرفته اند، تلاش و مجاهدت خود عوامل اجرایی مدرسه و نیز معلمین زحمت کش، یک الگوی دم دستی و مستمر در مسیر حرکت دانش آموزان قرار می دهد.
- قرار دادن یک قله کاری برای نمایش میزان همت و مجاهدت دانش آموزان، می تواند هیجان کار و تلاش را در مدرسه بیشتر کند.
- به عنوان مثال، جایزه بزرگ «کلاس جهادی»، و یا مدال «جهادگر علمی» برای دانش آموزان پرتلاش، طراحی، و نیز اجرای «اعتکاف علمی» با هدف کار متمرکز علمی در ایام امتحانات، از جمله پیشنهادها در این باره است.



۳. بازدید از مراکز علمی و گفت‌وگو با فرهیختگان موفق علمی، با تمرکز روی «مسئله تلاش علمی» دانش‌آموزان را با واقعیت نقش تلاش، در موفقیت بیشتر آشنا می‌کند.

۴. در بیشتر ورزش‌ها موفقیت با کسی است که هم فنون را به خوبی یادبگیرد، و هم برای ورزیدن شدن و اجرای مهارت‌ها و فنون، تمرین زیاد داشته باشد. ورزش‌های رزمی، بدن‌سازی و حتی ورزش‌های گروهی از جمله این نوع ورزش‌ها هستند.

در این میان «کوه‌نوردی» ورزشی است که به صورت خودکار مخاطب را تلاش‌گر و آماده مواجهه با سختی می‌کند. فتح قله‌ها نیاز به اراده‌ای قوی و بدنی ورزیده دارد.

برنامه‌ریزی برای ورزش‌های این‌چنینی در ظاهر یک کار پرورشی است، اما به شدت زمینه‌ساز فعالیت درست و مستمر آموزشی و علمی است.

۵. برگزاری «اردوهای جهادی» از دیگر پیشنهادت برای نهادینه شدن روحیه جهاد و استقامت و پرکاری در دانش‌آموزان است. در یک اردوی جهادی فضا و جو به سمت مجاهدت و تلاش برای محرومیت‌زدایی است. نیاز نیست اردوهای جهادی طولانی و پرزحمت برگزار شوند. گاهی یک اردوی یک‌روزه و یا نیم‌روزه جهادی، اثرات و برکات فراوانی در تقویت روحیه جهادگری دانش‌آموزان دارد.

ویژگی سوم: بکارگیری علم

مقدمه بکارگیری علم، این است که موضوع و داده‌های آن «علم نافع» باشد. رهبر معظم انقلاب، در دیدار با معلمین محترم (سال ۱۴۰۱) وزارت آموزش و پرورش را به تفکیک «علم نافع» از «علم غیرنافع» در برنامه درسی دانش‌آموزان توصیه کردند و فرمودند: «علم نافع علمی است که استعدادهاى نوجوان و جوان را شکوفا می‌کند و با سرمایه‌سازی برای آینده او، موجب پیشرفت و تعالی کشور می‌شود». ایشان در این زمینه افزودند: «بعضی مطالب در برنامه درسی کنونی، صرفاً محفوظاتی است که بدون هیچ سودی برای حال یا آینده دانش‌آموزان به ذهن آنها سرازیر می‌شود که باید این موارد شناسایی و از آموزش‌ها حذف شود».

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای با تأکید بر اختصاص ساعاتی به آموزش‌های مهارتی بجای مطالب غیرنافع گفتند: «مسائلی همچون سبک زندگی اسلامی، تعاون و همکاری اجتماعی، مطالعه و تحقیق، فعالیت‌های جهادی، مبارزه با آسیب‌های اجتماعی و نظم و قانون‌گرایی از جمله مهارت‌هایی است که باید در مدرسه آموزش داده، و از دوران کودکی و نوجوانی در افراد نهادینه شود».

مقدمه دوم این است که دانش‌آموز بکارگیری دانش را «جزو فرایند یادگیری» خود بداند. مثلاً یک زبان‌آموز وقتی می‌تواند ادعا کند قاعده و فرمولی از دستور زبان عربی یا انگلیسی را یادگرفته است که بتواند به اندازه توان خود مکالمه یا نگارش داشته باشد.

مقدمه سوم این است که دانش‌آموز حس کند ارزش و هنجار اصلی و به تعبیری هدف اصلی در یادگیری دانش، بکارگیری آن است، نه صرفاً انباشت کردن داده‌های علمی. (البته دقت شود، هم‌چنانکه قبلاً هم اشاره شد افراط در کارکردگرایی علوم موجب می‌شود دانش‌آموزان در هر بخش از علم‌آموزی به دنبال نتایج آنی و دم‌دستی باشند، در حالی که برخی داده‌ها و اطلاعات علمی، مقدمه نتایج پیش‌رو هستند)



پس از بیان این سه مقدمه، به بیان چند پیشنهاد در مسیر تحقق این ویژگی در دانش آموزان می پردازیم:

۱. تحول در آزمون های علمی، و اختصاص دادن بخشی از ارزش یابی به «تهیه محصول» یا «ارائه نتیجه». مثلاً در کلاس قرآن، درست خواندن قرآن و یا بیان یک قصه قرآنی برای کودکان مسجد محل، نتیجه فراگیری درست آموزه های قرآنی و مهارت تلاوت قرآن است.

۲. نمایشگاه دستاوردهای علمی

این نمایشگاه می تواند در دو بخش طراحی و اجرا شود؛ یکی دستاوردها و محصولات علمی خود دانش آموزان، و دیگری دستاوردهای کشور در عرصه علمی.

هر دو بخش را می توان با همکاری پردیس های علمی و فن آوری، و یا شرکت های دانش بنیان اجرا کرد. دانش آموزان وقتی نتیجه تلاش های علمی خود را در قالب نمایشگاه برای والدین، معلمان، و مسئولین شهری نمایش می دهند، «هویت علمی» پیدا می کنند و انگیزه شان برای علم آموزی بیشتر می شود.

نمایشگاه محصولات دانش آموزی را می توان هر نیم سال یکبار با حضور والدین و مسئولیت آموزش و پرورش شهرستان برگزار کرد.

۳. تهیه مستند از دانش آموزانی که در عرصه محصولات متناسب با مفاد درسی تلاش کرده اند.

۴. طراحی و چاپ مجله علمی دانش آموزان محله، با همکاری معاونین آموزشی چند مدرسه، جهت انعکاس محصولات علمی دانش آموزان.

۵. معرفی دانش آموزان فعال در عرصه تولید محصولات علمی به مراکز مرتبط، مانند گروه های علمی دانش بنیان

۶. ارائه پژوهش دانش آموزی در کلاس، با موضوع «کاربرد درس امروز» و اختصاص نمره خاص برای این امر در کارنامه فرد.

۷. طراحی فعالیت بیرون کلاس. در این زمینه چند پیشنهاد تقدیم می گردد:

اول. برگزاری کارگاه های تولیدی متناسب با محتوای کلاس:

برخی از مطالب درسی قابلیت این را دارد که بر اساس آن آموزه، یک محصول تولید شود. تولیدی که دانش آموزان می توانند در بازارچه مدرسه بفروشند و با آن کسب درآمد کنند.

دوم. تشکیل یک گروه مجازی در شبکه های مجازی:

قبل از ورود به هر کلاس، جهت مرور مطالب گذشته، و پیش مطالعه مطالب جدید، مطلبی کوتاه و خلاصه در گروه مجازی دانش آموزان قرار داده شود.

هم چنین دانش آموزان در گروه های درسی خود می توانند آنچه از درس گذشته فهمیده اند، یا سؤالاتی که دارند را در گروه بارگذاری کنند.

سوم. گردش علمی با راهبری معلم:

یکی از فعالیت های مهم و اثرگذار در ساحت علمی، گردش های ساده و کوتاهی است که دانش آموزان با راهبری معلم خود می توانند داشته باشند. استفاده از ظرفیت پدران خود دانش آموزان، نهادهای مهارت آموز، شرکت های شتاب دهنده از جمله کارهایی است که برای تسهیل گری این فعالیت می توان انجام داد.

۸. تشکیل مجمع نخبگان علمی:

اعضای این مجمع، می‌توانند پیش‌بران حرکت علمی مدرسه باشند و در تحقق هر سه ویژگی، بویژه ویژگی سوم می‌توانند نقش‌آفرین باشند. بسیاری از پیشنهادات هفت‌گانه‌ای که بدان اشاره شد، با همت این مجمع عملی می‌شوند. اگر این گروه، کاربردی بودن علم و دانش را حس و لمس کرده باشند، می‌توانند به دیگر دانش‌آموزان نیز این حس را انتقال بدهند. البته در تشکیل و اداره این مجمع باید رویکردها و سیاست‌های تربیتی لازم مدنظر مدیران و معلمان گرامی قرار بگیرد. در ادامه به برخی از این سیاست‌ها اشاره می‌کنیم.

سیاست‌های کلی حاکم بر این مجمع

الف. پر واضح است که استعداد دانش‌آموزان در درک و فهم مطالب علمی متفاوت و متنوع است. البته که نخبه‌پروری فقط در ساحت علمی نباید منحصر شود، و دانش‌آموزی که در ساحت اقتصادی یا فنی استعداد ویژه دارد، باید مورد توجه قرار گیرد.

ب. باید دقت شود برنامه‌های این مجمع، به گونه‌ای نباشد که موجب **غرور** نخبگان شود. خروجی این برنامه‌ها باید **نخبگانی متواضع و کارآمد** را تحویل جامعه دهد. نخبگانی که وظیفه خود را در خدمت به مردم سنگین‌تر می‌بینند. هم‌چنین بیش از دیگر هم‌کلاسی‌های خود، دغدغه کمک علمی به دیگر دانش‌آموزان را دارند.

ج. نخبگان علمی نباید احساس کنند در همه موضوعات و رشته‌ها نخبه و متخصص هستند. هیچ مشکلی ندارد که نخبگان علمی در ساحت بدنی و زیستی تحت نظر دیگر دانش‌آموزان کار کنند. به بیان دیگر، باید نخبگان هم‌سالان خود را در دیگر ساحت‌ها بپذیرند.

د. نوع رفتار اطرافیان نخبگان، بویژه والدین دانش‌آموزان نخبه، به شدت در ایجاد سطح توقع معتدل، و مدیریت این سرمایه‌ها مؤثر است. به همین جهت جلسات توجیهی عمومی و اختصاصی برای والدین این عزیزان بسیار مهم است.

شیوه کشف نخبگان

بهترین روش برای کشف استعدادهای ویژه علمی، استفاده از معلم-مربی‌هایی است که با مهارت کافی و در طول سال تحصیلی بتوانند نخبگان را کشف کنند.

بررسی نمودار رشد علمی و تربیتی دانش‌آموزان با تمرکز روی «**پرونده تربیتی**» ایشان می‌تواند به این راهبران عزیز کمک زیادی کند.

آزمون‌های المپیادی، نباید نقش نهایی و کلیدی را در زمینه کشف استعدادها ایفا کنند؛ چه اینکه برخی دانش‌آموزان به هر دلیلی در آزمون‌های ویژه نمی‌توانند همه استعداد خود را بروز دهند.

با رعایت این نکته باید گفت برگزاری المپیاد علمی و المپیادی می‌تواند در سه سطح کلاسی، مدرسه‌ای و در دایره چند مدرسه هم‌گون، توسط خود مدارس برگزار شود. نقش این المپیادهای کوچک و منطقه‌ای در شکل‌گیری تشکیلات و شبکه مجمع نخبگان، در برخی موارد بیش از المپیادهای استانی و کشوری است.



برنامه رشد اعضای مجمع

- اول. اردوهای آشنایی با پیشرفت های علمی ایران اسلامی با حضور نخبگان علمی شهرستانی یا استانی
- دوم. جلسات مشترک نخبگان دانش آموزی با دانش جویان بنیاد ملی نخبگان
- سوم. سرگروه شدن نخبگان در فعالیت های علمی مدرسه
- چهارم. جلسات علمی دبیران با دانش آموزان نخبه
- پنجم. برگزاری اردوی جهادی علمی در مناطق محروم برای کمک به دانش آموزان این مناطق

۳۰

مدرسه آینده ساز

۹. گروه های همیار علمی:

این گروه ها متشکل از دانش آموزان قوی تر (نخبگان علمی) و برخی دانش آموختگان (فارغ التحصیلان) مدرسه است. فایده ویژه ای که این گروه ها برای اعضای اصلی آن دارد این است که فرایند علم آموزی خود را تکمیل می کنند. مباحثه و تدریس یکی از مسیرهای تثبیت یادگیری است. به اندازه ای هم ثمره علم آموزی را زیر زبان این عزیزان می برد؛ چه اینکه حس خوش یاد دادن و آموزگاری، یکی از ثمرات ذاتی علم است. فایده دیگر آن، تمرین برای تدریس های رسمی و بزرگ تر است. اما ثمره آن برای دانش آموزانی که نیاز به کمک علمی دارند، پرواضح است، بویژه اگر فعالیت این گروه ها مستمر و در طول سال باشد، نه صرفاً در ایام امتحانات. مدیر مدرسه نیز می تواند از این ظرفیت استفاده کند و استعداد های تدریس و هنرمند در مهارت معلمی را شناسایی و روی آنها سرمایه گذاری کند.

نکات مدیریتی و برنامه های لازم جهت پربازده شدن این گروه ها

- اول. باید مراقبت کرد تا سرگروه ها دچار غرور نشوند، بلکه روحیه خادمی در ایشان تقویت شود.
- دوم. حیطه وظایف سرگروه ها به صورت مشخص به ایشان اعلام شود تا در همین چهارچوب عمل کنند.
- سوم. با دانش آموزانی که زیرگروه هستند حتما صحبت شود تا با رفتار محترمانه نسبت به عزیزان سرگروه، ایشان را در انجام وظایفشان یاری کنند.
- چهارم. در ارزیابی علمی، علاوه بر ارزیابی فردی هر دانش آموز، ارزیابی گروهی نیز مدنظر مدیر محترم قرار گیرد. باید فضایی ایجاد کرد تا گروه به این باور برسد که رشد همگانی و گروهی مطلوب و مقصود است.
- پنجم. گروه های علمی، می توانند در یک مدت معینی، مثلاً یک فصل فعال باشند و پس از آن جهت تنوع و استفاده از همه ظرفیت های نخبگانی، گروه ها و یا سرگروه ها تغییر کنند.
- ششم. توجیه والدین سرگروه ها نسبت به فلسفه تشکیل این گروه ها و فواید دوطرفه آن، بسیار مهم است.
- هفتم. مراقبت داشته باشیم سرگروه ها حداقلی های رفتاری مورد نیاز را داشته باشند. رشد تمام ساحتی دانش آموزان هدف مهم سند تحول است که در همه برنامه ها باید بدان توجه کرد.



هشتم. فعالیت گروه های علمی، به عنوان «فوق برنامه های علمی» می تواند برگزار شود. تصویب این برنامه در شورای مدرسه و نظارت انجمن اولیاء موجب رسمیت بیشتر و استفاده از مشارکت بیشتر والدین در این برنامه می شود.

نهم. برگزاری حلقه های «مباحثه»

یکی از برنامه های منظم گروه های هم یار علمی «مباحثه» است. مباحثه یا همان گفت و گوی علمی با محوریت درس های روزانه با همت عوامل مدرسه بویژه معلمان محترم، می تواند به یک رویه و سنت در میان دانش آموزان تبدیل شود.

از جمله اهداف اجرای این قالب، تثبیت یادگیری های روز، حل اشکالات و تمرین معادلات و قواعدی است که در روز آموخته ایم.

هم چنین اهداف اخلاقی و تربیتی هم به صورت ناخودآگاه یا خودآگاه با مباحثه می تواند حاصل شود. مثلاً در مباحثه تمرین می کنیم اگر اشتباه فهمیده بودیم، یا مطلبی را غلط توضیح داده بودیم، به اشکال خود اقرار کنیم. و نیز سعی داریم خوب گوش دادن را تمرین کنیم.

چطور مباحثه کنیم؟

مباحثه به سادگی می تواند اجرا شود. یکی از دانش آموزان به صورت داوطلبانه و یا با قرعه کشی درسی را که در آن روز و یا چند روز گذشته یادگرفته است را توضیح می دهد. هم گروهی ها توضیحات او را می شنوند و هر کجا احساس کردند اشکالی در توضیحات وجود دارد، تذکر می دهند. هم چنین بخشی از تمرین ها و حل مسئله های درس هایی مثل ریاضی و شیمی و فیزیک را می توان در قالب مباحثه به صورت گروهی انجام داد.

مهم ترین نکته برای اجرایی سازی خوب و مناسب این قالب، پیش رانی مدیر محترم، شورای مدرسه و انجمن اولیاء است. بهترین زمان مباحثه دانش آموزان در حلقه های مباحثاتی پس از اتمام ساعات درسی است. به همین جهت باید فضای مناسب برای مباحثه (مثل نمازخانه یا برخی کلاس ها) فراهم شود.

دانش آموزان می توانند در زنگ های تفریح بخشی مباحثه را انجام دهند. هم چنین با هماهنگی والدین و تحت نظارت ایشان، برخی مباحثه ها در منازل می تواند انجام شود.

گرچه فواید مباحثه حضوری، بسیار ویژه و منحصر به فرد است، اما در صورت عدم امکان برگزاری حضوری مباحثه، مباحثه مجازی با نظارت والدین می تواند بخشی از آورده های علمی مباحثه حضوری را دربرداشته باشد. از اولیاء گرامی و نیز دبیران محترم درخواست شود تا به صورت نوبتی راهبری و نظارت بر عملکرد این گروه ها را برعهده بگیرند.

۱۰. برپایی اردوی های علمی:

اردو، همیشه قالبی جذاب و با نشاط است و ظرفیت گیرایی دانش آموزان در آن بیش از فضای کلاس رسمی است. نکته دیگر اردو این است که در فضای اردو، دانش آموزان بیشتر می توانند ببینند و ثمرات علم را درک و حس کنند. آنها آنچه در کلاس از زبان معلم خود شنیده اند را می توانند در بستر اردو ببینند.



نقش **راوی** و توضیح دهنده در بخش های مختلف اردوهای بازدید، بی بدیل و مهم است. گاهی در حاشیه اردوهای عمومی مدرسه، و برخی اوقات به صورت مستقل می توان از اردوهای علمی بهره کافی را جهت تحول ساخت علمی برد.

۳۲ نکات اجرایی پیرامون اردوهای علمی:

اول. کتابخانه ها، پردیس های فن آوری، شرکت ها و کارگاه های کوچک و بزرگ دانش بنیان، دانشگاه ها و دانشکده ها، و دیدار با مفاخر علمی شهر، از جمله مقاصد اردوهای علمی می تواند باشد.

دوم. از خود دانش آموزان در فرایند تعیین مقصد اردو کمک بگیریم. این کار مستلزم تحقیق و کنکاش دانش آموزان است. بررسی هایی که خود به خود رؤیاهای علمی را برای این عزیزان با خود همراه داشت.

سوم. مهم تر از تعیین مقصد مناسب برای اردو، طراحی «کنش گری علمی» برای دانش آموزان است. اردوی علمی باید از صرف یک بازدید به جشنواره ای برای فعالیت علمی تبدیل شود.

یادداشت ها و مصاحبه های دانش آموزان با افرادی که در مقصد اردو میزبان هستند، تولید یک محصول علمی با راهنمایی بزرگ ترها، پژوهش و تولید مقالات کوتاه علمی درباره موضوع اردو، و ... از جمله کنش ها و فعالیت هایی است که دانش آموزان می توانند پس از اردو انجام دهند.

ساحت اعتقادی، عبادی، اخلاقی

اهداف این ساحت در دوره متوسطه اول

۱. با شناخت کلی نظام معارف دینی و چگونگی تأثیر آن بر انتخاب ها و تصمیم ها در زندگی انسان، توانایی شکل دهی به هویت دینی و اخلاقی خود را کسب کند.
۲. با بررسی گفتار و سیره پیشوایان دینی درباره حق الناس، کرامت نفس، جدیت، قانون گرایی، امرار معاش، حفظ سلامت فردی، جمعی و زیست محیطی، ملاک هایی را برای انتخاب سبک زندگی شخصی و اجتماعی خود انتخاب و با عمل به آنها، میزان تأثیر آن را ارزیابی کند.
۳. با قرائت صحیح و روان قرآن کریم و تدبر در آیات موضوعی، آموزه های قرآنی را در زندگی به کار گیرد و به رعایت احکام مورد نیاز و اقامه نماز فرادا و جماعت اهتمام ورزد.

حدود و قلمرو ساحت تعلیم و تربیت اعتقادی، عبادی و اخلاقی

نخست: تربیتی که چهارچوب بنیادی و اصول آن بر اساس دین و آموزه های دینی باشد. این شکل از تربیت دینی در مقابل تربیت سکولار قرار دارد و همه ابعاد یک نظام را براساس مبانی معیارهای دینی شامل می شود.

دوم: بخش خاصی از تربیت که برای تقویت روند دین داری و دین ورزی متربیان صورت می پذیرد. در این شکل از تربیت، اعتقادات و مناسک دینی خاص مورد توجه قرار می گیرد و تربی برای رسیدن به ایمان و باور و عمل به آنها تربیت می شود.

نکته: یکی از جهات تحول آفرینی که در اسناد بالادستی به آن اشاره شده است، تبدیل شدن مدرسه به نهادی فرهنگی-اجتماعی و **مولد نیروی انسانی** است. پرواضح است که بخش مهمی از این بار در چرخش تحولی مرتبط با ساحت اعتقادی و اخلاقی است. باورها و اخلاق، زیرساخت تربیت یک انسان هستند و اگر این قالب بندی و زیرسازی اندیشه ای و فکری در دانش آموزان خوب شکل نگیرد، مواد و محتواها و روبناها او را به مسیری هدایت می کنند که نسبتی با «حیات طیبه» ندارد.

در مسیر ایجاد تحول نسبت به ساحت اعتقادی، عبادی و اخلاقی، ابتدا باید **ظرفیت ها** و نقاط **چالش** و بحران برنامه های این ساحت را بررسی کنیم.

چهارچوب و **نکات مدیریتی** که برای استفاده از ظرفیت ها و برون رفت از چالش ها مدنظر است، پس از این بررسی مقدماتی تقدیم می گردد.



ظرفیت های برنامه

۱. دوره متوسطه، اوج دوران **پرسش گری** دانش آموزان است. از این فرصت جهت تعمیق و نهادینه کردن باورهای اعتقادی دانش آموزان می توان استفاده کرد. اما شرط تحقق این مهم، استفاده از معلمین آموزش دیده ای است که صرفاً نمی خواهند اطلاعات دینی و اعتقادی نوجوانان را زیاد کنند. معلمینی که زبان **گفت و گو** با دانش آموزان را خوب می دانند و از رفت و برگشت های پشت سرهم در مباحثات خسته نمی شوند. به دانش آموزان اجازه می دهند حقایق اعتقادی را **کشف** کنند نه حفظ. هم چنین به ابزارهای به روز و رسانه های متنوع برای القای محتواهای جذاب مسلط هستند. در این بین با وجود ورود طلاب طرح امین به مدارس، هم چنان از ظرفیت طلبه های آموزش دیده و کارآموده در امر ترویج دین و باورمندی اعتقادی دانش آموزان به خوبی استفاده نمی شود. باید به حضور طلاب طرح امین در مدارس به عنوان یک ظرفیت استفاده کرد و برای رفع مشکلات و موانع و چالش های فعالیت ایشان اقدامات عملی برداشت.

علاقه نوجوانان به دانستن و کنجکاوی، وظیفه دیگری را هم بر ما متولیان تعلیم و تربیت دانش آموزان ایجاب می کند. **معرفی محصولات سالم و جذاب** محتوایی برای مطالعه و فهمیدن بیشتر، از جمله وظایف نهاد مدرسه به دانش آموزان است. نیاز نیست این محصولات صرفاً توسط مدرسه تهیه و معرفی شود. ظرفیت سازی جهت تهیه و در اختیار قرار دادن و استفاده از محصولات خوب اعتقادی مهم ترین نقش مدرسه در این زمینه است. خود دانش آموزان بهتر از دیگران می توانند به کمک بزرگ ترهای خود محصولات خوبی را تهیه و با دیگر دوستانشان به اشتراک بگذارند.

۲. دومین ظرفیت، استعداد بی نظیر نوجوانان برای **«کنش گری»** و فعالیت با محوریت محتوای اعتقادی است. نوجوان وقتی خود در فرایند تولید و عرضه محتوای اعتقادی قرار می گیرد، قبول و پذیرش بیشتری دارد. باید نگاه ما به دانش آموزان دوره متوسطه عوض شود، به گونه ای که ایشان را صرفاً مصرف کننده ندانیم. امروزه این کنش گری به بستر مجازی نیز کشیده شده است. به همین جهت تربیت و رشد فعالین معتقد و هنرمند در فضای مجازی یکی از ضرورت های نهاد مدرسه است.

۳. سومین ظرفیت، وجود **نهادهای فرهنگی و تربیتی** متعدد و متنوعی است که نهاد مدرسه را در مسیر تربیت اعتقادی و اخلاقی دانش آموزان می توانند یاری دهند.

مقام معظم رهبری در بخشی از فرمایشاتشان خطاب به فرهنگیان عزیز در سال ۱۴۰۲ فرمودند: «یک نکته ی دیگر تشویق دانش آموزان به حضور در مراکزی است که آن **مراکز برکت آفرین** است، نورآفرین است، مثل مساجد، مثل هیأت ها. به تجربه ثابت شده جوانی که با مسجد سر و کار دارد و ارتباط دارد، خیرش بیشتر به جامعه می رسد؛ یعنی احتمالش بیشتر است. نه اینکه آدم جوان یا غیر جوان مسجدی منحرف نمی شود؛ چرا، همه ی احتمالات وجود دارد، لکن این زمینه یک زمینه ی بسیار باارزشی است».

بستر سازی و هدایت گری جهت «ارتباط با نهادهای فرهنگی و اعتقادی» بیرون مدرسه بسیاری از فعالیت های فرهنگی را غنی تر می نماید. این ارتباط می تواند در جنبه فعالیت و تأثیر، و یا استفاده و بهره مندی باشد.

به بیان ساده مدرسه باید در ارتباط تنگاتنگ با مسجد محل، کتابخانه ها، سراهای محله، پارک ها و کانون های پرورش فکری و دیگر نهادهای مردمی و حکمتی اطراف خود باشد. این ارتباط موجب پویایی و نقش آفرینی



بیش از پیش مدرسه در نهاد اجتماع می‌شود. باید به گونه‌ای مرتبط با بیرون مدرسه باشیم که جای خالی مدرسه در محله‌هایی که مدرسه ندارند حس شود.

در این ساختار، مدرسه نقش تربیت‌کننده نیروی انسانی کارآمد و متعهد را برعهده دارد که می‌تواند هم از امکانات و ظرفیت‌های مادی و معنوی نهادها برای تکمیل تربیت دانش‌آموزان استفاده کند، و نیز در طرف مقابل آماده خدمات‌رسانی به نهادها با کنش‌گری و فعالیت هدف‌مند دانش‌آموزان است.

چالش‌های برنامه

۱. کمبود معلم‌های دینی و قرآن آموزش‌دیده
۲. عدم توجه کافی به ابعاد تربیتی «ویژه برنامه نماز جماعت»
۳. برنامه‌ریزی‌های غیرجذاب، بدون مشارکت دادن خود دانش‌آموزان در برنامه‌های اخلاقی و عبادی مدرسه
۴. کاستی در سبد محصولات اعتقادی و فرهنگی دانش‌آموزان
۵. منفعل بودن نهاد مدرسه در قبال تکانه‌ها و تهاجم‌های فرهنگی و اعتقادی، از جمله فضای مجازی
۶. تضاد تربیت اعتقادی حاکم بر محیط‌های تربیتی اثرگذار بر دانش‌آموز

باید و نبایدهای مدیریتی، در جهت تحول این ساحت

۱. تعاملی شدن روش‌های تربیتی و دوطرفه شدن فرایندها به گونه‌ای که مخاطب، خود را جزو فرایند ببیند.
۲. تناسب محتواها با نیاز و سؤال مخاطب و به روز بودن مسأله‌ها و ریز موضوعات جهت همراهی بیشتر مخاطب با فعالیت‌ها
۳. برگزاری دوره‌های مخصوص جهت توانمندسازی معلمین دروس اعتقادی و اخلاقی و نیز استفاده از تجربیات و نظرات ایشان
۴. ارتباط با نهادهای فرهنگی و دینی و استفاده از کارشناسان دوره دیده برای برگزاری رویدادهای خلاقانه و مؤثر در ساحت اعتقادی
۵. تغییر نگاه نسبت به برنامه نماز جماعت، از یک برنامه مذهبی صرف، به یک برنامه راهبردی که در تمام ساحات تربیت یک دانش‌آموز می‌تواند مؤثر باشد.
۶. برنامه‌ریزی جهت برگزاری جلسات اخلاق کاربردی، ویژه اعضای اجرایی و معلمین مدرسه، و نیز خانواده محترم دانش‌آموزان
۷. استفاده از معلمین عزیزی که به صورت مستقیم و غیرمستقیم، باورهای صحیح را در فضای کلاس تزریق و نهادینه می‌کنند.
۸. در برنامه‌ریزی‌ها باید به هر سه بُعد بینشی، گرایشی و رفتاری مخاطب، در این ساحت توجه شود. اگر برای تصحیح افکار و بینش‌های دانش‌آموزان برنامه‌ریزی می‌کنیم، نباید از طرح‌ریزی برای فعالیت‌های میدانی ایشان که مرتبط با ساحت اعتقادی و اخلاقی است، غافل شویم.



نقشه راه تحول

سه محور اصلی را برای تحول در این ساحت، می توان دنبال کرد: ۱. برنامه ۲. استاد ۳. محتوا
در محور اول به قالب ها و برنامه هایی اشاره خواهد شد که در تعداد زیادی از مدارس اجرا می شود، اما نگاه تحولی نسبت به اجرای آن برنامه ها مورد تأکید این سند است.
در محور دوم ما با اساتید و معلمینی مواجه هستیم که خط مقدم تأثیرگذاری بر دانش آموزان هستند. به همین جهت، رشد و ارتقای سطح بینشی و رفتاری این عزیزان، جزو ارکان تحقق تحول در ساحت اعتقادی، اخلاقی است.
محور سوم به پیشنهاداتی جهت تحول در محتوا و متون آموزشی این ساحت می پردازد.

۳۶

مدرسه آینده ساز

اول: پیشنهاد چند برنامه عملیاتی

۱. حرف ما

برنامه حرف ما یک «کرسی آزاداندیشی نوجوانانه» است. بستری است برای اینکه نوجوانان بتوانند حرف های خود را با استدلال و بیان قابل دفاع روبروی هم سن و سال ها و بزرگ ترهای خود بیان کنند.

رویکرد تربیتی برنامه

نسل نوجوان های امروزی (بوژه دهه هشتادی ها) **مطالبه گر و خوش زبان** هستند. می گویند حرف های زیادی برای گفتن دارند و کسی نیست به حرف ها و درد و دل های ایشان گوش فرا دهد.
حرف ما یکی از قالب هایی است که کمک می کند هم حرف های نوجوان شنیده شود، و هم به او برای داشتن شالوده فکری درست و مستدل، یاری می دهد.

شیوه برگزاری این ویژه برنامه

این برنامه در دو مرحله برگزار می گردد؛ ابتدا با طرح موضوع کلی، گروه های نوجوانان در گعده ها و حلقه های مختلف با هدایت گری مربیان به بیان نظرات اولیه خود می پردازند.
این دوره می ها می بایست یک دبیر حلقه داشته باشد تا خلاصه نظرات را یادداشت کند. در نهایت یکی از نوجوانان هر گروه، به نمایندگی در مرحله دوم شرکت خواهد کرد.
در مرحله دوم هر کدام از نماینده ها در جایگاه ویژه گفت و گو حاضر می شوند و ۵ دقیقه وقت دارند تا نظر خود را بیان کنند.
مجری ویژه برنامه عمومی، به حاضرین در جلسه اجازه می دهد تا در زمان یک الی ۲ دقیقه ای به مخالفت و موافقت با نماینده گروه اول بپردازند.
در این مرحله یک کارشناس، تمامی نظرات را گوش می دهد و در نهایت ده دقیقه درباره نقاط قوت و ضعف بیان و استدلال و ده دقیقه در جمع بندی مطالب، صحبت خواهد کرد.



از هر گروه یک گزارش باید به دبیرخانه ویژه برنامه برسد تا این گزارش‌ها ارزیابی شود؛ گزارشی از خلاصه گفت‌وگوها در مسأله. تجمیع نظرات و تبدیل آنها به یک کتابچه، هویت فکری به دانش‌آموزان می‌دهد.

۲. مدرسه قرآنی

مقصود از «مدرسه قرآنی» این نیست که تمامی دانش‌آموزان مدرسه حافظ و یا قاری قرآن شوند؛ بلکه هر مدرسه‌ای در همان چهارچوب عادی بودن برنامه‌های قرآنی مدرسه، می‌تواند از قالب‌ها و برنامه‌های تحولی بهره‌مند شود تا رنگ و بوی قرآنی دانش‌آموزان بیش از پیش جلوه کند. **انس با قرآن و استفاده از مفاهیم و معارف قرآنی در زندگی**، مهم‌ترین رسالت یک مدرسه قرآنی است.

چند پیشنهاد در راستای تحول در برنامه‌های قرآنی مدرسه:

الف. اجرای طرح سه میم قرآنی (ارتباط قرآنی مدرسه، مسجد و منزل) با راهبری دانش‌آموزان قرآنی در این طرح، دانش‌آموزان فعال قرآنی مدرسه، به عنوان «سفیران قرآن» در مساجد محل خود حاضر می‌شوند و با تعدادی از نونهالان و کودکان مسجد، برنامه‌های قرآنی منظمی را برگزار می‌کنند. این فعالیت‌ها با نظارت و راهبری مدیر مدرسه و امام جماعت مسجد انجام می‌گیرد.

هم‌چنین این «سفیران قرآن» هفته‌ای یکبار در منازل دانش‌آموزان محافل قرآنی و جلسات خانگی قرآن را راه‌اندازی می‌کنند. جهت ثبت جلسات خانگی قرآن و استفاده از امکانات ستاد مرکزی «جلسات خانگی قرآن» می‌توانید به تارنمای ویژه این جلسات به نشانی <https://www.setare114> مراجعه نمایید.

ب. رشد و توانمندسازی مربیان و معلمان قرآن مدارس، با راهبری مشاورین و اساتید سازمان دارالقرآن بی‌شک معلمان قرآن نقش بی‌بدیلی در تحول قرآنی مدرسه می‌توانند ایفا کنند. یکی از خدمات سازمان دارالقرآن رشد و ارتقای سطح کیفی معلمان قرآن است. دوره‌های توانمندسازی معلمان قرآن، شامل ارتقای مهارت تلاوت معلمان، دوره تدبّر در قرآن، کلاس‌داری قرآن در مدرسه، اجرای مسابقات قرآنی جذاب، و دیگر سرفصل‌های مدنظر مدیران مدارس است.

ج. برگزاری نشست‌های تجربه‌نوردی فعالین قرآنی مدارس

بسیاری از مسائل فعالین قرآنی که در مدرسه ایفای نقش می‌کنند، با یکدیگر مشترک است. بررسی نظام مسائل این عزیزان و انتقال تجربیات ناب در مسیر رشد و رفع موانع، یکی از راهکارهای مناسب جهت پیشبرد اهداف تحول قرآنی در مدرسه است.

د. برپایی محفل‌های قرآنی و برگزاری جشنواره هنری با محوریت آیات طرح «زندگی با آیه‌ها»، در راستای فرهنگ‌سازی زندگی قرآنی در جامعه هدف مدرسه (دانش‌آموزان، والدین و مربیان)



جهت آشنایی با محصولات متناسب با این طرح، و روند اجرایی آن می توانید به تارنمای «زندگی با آیه ها» مراجعه نمایید.

۳. هیئت دانش آموزی

هیئت دانش آموزی از دیرباز در مدارس کشور فعال بوده است. آنچه در راستای تحول برنامه هیئت، در این نوشتار تازگی دارد، تأکید روی دو جنبه **قرآنی و اجتماعی** هیئات است.

جنبه اول، توجه به محتوا و برنامه های قرآنی در مراسم هیئت را مورد توجه قرار می دهد. هیئت های دانش آموزی باید محلی برای کسب و ارتقای مهارت تلاوت قرآن، آشنایی با معارف و معانی قرآن، و تعهد و تمرین برای عمل به آموزه های قرآنی باشند. ناظر به این جهت، پیشنهاداتی تقدیم می گردد:

اول. در ابتدای جلسه هیئت، زمان مشخصی (مثلاً یک ربع) جهت ویژه برنامه قرآنی قرار داده شود. جلسه قرآنی که با حضور یک مربی، اداره می شود. مدیر و معلمین گرامی، سخنران محترم و اعضای اجرایی هیئت ملتزم باشند در ابتدای جلسه و هنگام تلاوت قرآن در جلسه حاضر باشند تا رسمیت آن حفظ شود.

دوم. از نخبگان قرآنی مدرسه جهت اجرای مراسم تلاوت دسته جمعی استفاده شود. بهتر است با همکاری دارالقرآن و دیگر مراکز قرآنی شهرستان، مربی قرآنی مخصوص برای جلسات دعوت شود تا برنامه های قرآنی با هدایت گری و راهبری ایشان برگزار شود.

سوم. زمان برنامه قرآنی ده تا یک ربع باشد تا خسته کننده نباشد، اما نگاه به همین دقایق کوتاه، نگاه ابزاری و برای جمع شدن دانش آموزان نباشد.

چهارم. تلاوت تک به تک اعضای جلسه، موجب می شود به تدریج مهارت تلاوت در دانش آموزان نهادینه شود. **پنجم.** سخنرانان محترم محتوای وعظ و گفت و گوی خود را از میان آیات تلاوت شده انتخاب کنند. طراحی سؤالات از محتوای سخنرانی قرآنی، ارائه خلاصه محتواها در صفحات مجازی و تابلوی مدرسه، و برگزاری مسابقه از محتواها در میان هفته، موجب می شود محتوای قرآنی هرچه بیشتر در ذهن و دل دانش آموزان رسوخ کند.

جنبه دوم که یک ظرفیت فوق العاده ای در هیئت های دانش آموزی دارد، جنبه اجتماعی هیئت مدرسه است. به جهت ظرفیت بالای شکل سازی در هیئت، مدیر مدرسه به کمک همکاران خود می تواند بسیاری از فعالیت های اجتماعی مدرسه را از طریق هیئت برگزار کند. نقش آفرینی اجتماعی هیئت های دانش آموزی در خدمات رسانی به محرومین، ایجاد فضای نشاط و شادابی سالم در محله ها، برگزاری اردوهای جهادی و ... می تواند در گستره تأثیرگذاری آن در مدرسه و جامعه بسیار مؤثر باشد.

برای آشنایی با انواع کنش گری های هیئت های نوجوانانه می توانید برخی طرح واره های انجام شده در کشور مانند «مهمونی همدلی»، «نوجوان اربعینی» و «هیئت نوجوانانه لبیک» را مطالعه بفرمایید. جهت دریافت این طرح نامه ها به نشانی www.nojavan.org/shop مراجعه کنید.

۴. صبحگاه دانش‌آموزی

یکی از برنامه‌های جاری مدارس در ساعت ابتدایی شروع مدرسه، برنامه «صبحگاه» است. صبحگاهی که معمولاً با تلاوت آیاتی چند از کلام الله مجید آغاز می‌شود، و توضیحات مدیر یا معاون مدرسه تکمیل کننده آن است. در حالت عادی و معتدل بودن هوا در فضای باز حیاط مدرسه برگزار می‌شود. نگاه دانش‌آموزان خواب‌آلوده در این مراسم، بیشتر به درب ورودی مدرسه است که کدام یک از هم‌کلاسی‌هایشان دیر آمده‌اند و ...

۳۹

مدرسه آینده‌ساز

مهم‌ترین چالش پیش‌روی این مراسم پرطرفیت، همین روزمرگی و عادی بودن آن است. کمتر مدرسه‌ای از خلاقیت‌های لازم برای اجرای این مراسم بهره می‌برد، در حالی که این مراسم یکی از بازه‌های زمانی خوب برای رشد دانش‌آموزان در ساحت اعتقادی و اخلاقی است.

چند پیشنهاد برای بهره‌وری بیشتر این مراسم:

۱. مهم‌ترین تحول در برگزاری مراسم صبحگاه، **مشارکت‌دادن دانش‌آموزان** در اجرای برنامه است. مشارکتی که نه فقط شامل تعداد محدودی از این عزیزان و مثلاً اعضای بسیج مدرسه باشد؛ بلکه هر کدام از کلاس‌ها و تشکلهای مدرسه احساس کنند بخشی از این مراسم را می‌توانند بر عهده بگیرند.

۲. **تنوع** در اجرای برنامه‌ها موجب جذابیت بیشتر آن، و همچنین درگیرکردن طیف بیشتری از دانش‌آموزان می‌شود. به عنوان مثال باید بتوان از استعدادهای طنزپردازی، نمایش و تئاتر، سرود، تازه‌های علمی و فن‌آوری، معرفی کتاب، سخنوری و ... در مراسم استفاده کرد.

۳. مراسم‌ها می‌تواند به صورت چرخشی با **مدیریت کلاس‌های مختلف** برگزار شود. خلاقیت، جذابیت، غنای محتوایی، اجرای مناسب و دیگر نکات اجرایی آن توسط دیگر دانش‌آموزان و همچنین اعضای اجرایی مدرسه، ارزیابی شود. با این نگاه، صبحگاه به میدان کشف و رشد استعدادهای دانش‌آموزان تبدیل می‌شود.

۴. **مکان برگزاری صبحگاه**، نیاز نیست حتماً حیاط مدرسه باشد. گاهی مسجد و پارک کنار مدرسه، گلزار شهدا، کتابخانه، نمازخانه، سالن ورزشی، و دیگر مکان‌ها می‌تواند میدان برگزاری صبحگاه باشد.

نکته: یکی از نگرانی‌های مدیران در این قسمت، سختی اداره امور صبحگاه در مکان‌هایی غیر از حیاط مدرسه است. قبل از اجرای مراسم در مکان‌های بیرون مدرسه، اطلاع‌رسانی به والدین، اخذ رضایت‌نامه و توجیه عناصر دخیل در اجرای مراسم صورت می‌گیرد. فواید اجرای خوب صبحگاه به اندازه‌ای است که چالش‌های پیش‌روی آن را قابل رفع و حل می‌کند.

۵. زنگ گفت‌وگو با خدا (نماز جماعت)

الف. مسئله‌ها و چالش‌های پیش‌روی برگزاری نماز جماعت در مدارس:

۱. عدم برخورداری از فضای مناسب برای اقامه نماز.

کوچک بودن نمازخانه، تمیز و معطر نبودن آن، عدم برخورداری از فرش و سجاده مناسب، تهویه و گرمایش و سرمایش نامناسب، نور ناکافی، از جمله مصادیق این چالش است.

۲. نبود امام جماعت کافی و کارآموده برای مدارس



امام جماعتی که برای این امر مدنظر است باید وقت کافی برای حضور بموقع در برنامه نماز مدرسه را داشته باشد. بین دو نماز یک برنامه کوتاه پربازده و متناسب با زیان نوجوانان داشته باشد. بعد از نماز نیز وقت کافی برای پاسخ دادن به پرسش های دانش آموزان داشته باشد.

بهترین حالت این است که این طلبه، از جمله مربیان مدرسه باشد تا در خارج از وقت نماز نیز بتواند با دانش آموزان ارتباط برقرار کند. ۴۰

۳. عدم همکاری معلمین برای حضور در زمان نماز جماعت

۴. وجود شبهات علمی و تنبلی های عملی در بین دانش آموزان در مسئله نماز و مسائل پیرامون آن

ب. نکات مدیریتی که برای برگزاری زنگ نماز جماعت باید رعایت شود:

۱. درست است که مکان وسیع و مناسب برای نماز جماعت، در برگزاری نماز تأثیر خوبی دارد، اما مرتب و معطر بودن همان مکان کوچک، و اجرای هنرمندانه و مخلصانه برنامه نماز، مهم تر و راهبردی تر است. در برخی مدارس، نمازخانه بزرگ احداث شده و امکانات خوبی هم در آن وجود دارد، اما برنامه مدوئی برای استفاده از این مکان وجود ندارد.

۲. هسته های اول و نوجوانان فعال در زمینه نماز، باید برای جذب دیگر دانش آموزان تلاش کنند. این هسته با راهبری و آموزش مدیر مدرسه و معاونین و طلبه طرح امین، نقش بسزایی در بهبود کمی و کیفی زنگ نماز می توانند داشته باشند.

۳. ارتباط با «مسجد» نزدیک مدرسه، یکی از ویژه برنامه هایی است که برکت نماز جماعت مدرسه را بیشتر می کند. مثلاً هفته ای یکبار «زنگ نماز» در مسجد نزدیک مدرسه برگزار شود. در این برنامه، ارتباط گرفتن و رفاقت بین دانش آموزان و امام جماعت و بزرگ ترهای مسجد، نقش مهمی در استمرار حضور دانش آموزان در این مکان مقدس می تواند داشته باشد.

۴. مدیریت زنگ ارتباط با خدا، می تواند مانند برنامه «صبحگاه» بین گروه های مختلف کلاسی بچرخد. هر کدام از کلاس ها در فضا سازی نمازخانه، معطر کردن فضای آن، اداره بخش اذان و اقامه، پخش محتوای متناسب بین نماز، و حتی ارائه محتوای مذهبی بین دو نماز با مشورت امام جماعت، می توانند نقش آفرینی کنند.

۵. در برخی خانواده ها اگر والدین نسبت به امر نماز، اهتمام بیشتری داشته باشند، دانش آموزان نیز رغبت و اشتیاق بیشتری به این عمل عبادی نشان می دهند. جلسات و گفت وگوهای مستمر در این زمینه با والدین گرامی، به اندازه خود می تواند مثمر ثمر باشد.

۶. جشنواره «گفت وگو با خدا» جهت دریافت و نمایش آثار هنری دانش آموزان در ارتباط با «نماز جماعت» در لایه گرایشی مخاطب تأثیر بسزایی خواهد داشت.

۸. در مدارس پسرانه متوسطه اول، موضوع «جشن تکلیف» برای دانش آموزانی که در شرف سن تکلیف هستند، بسیار مهم است. در این برنامه، نگاه کلی دانش آموزان به تکلیف، آشنایی با احکام مورد ابتلا مانند نماز و روزه و ...، و مراقبت های مورد نیاز این دوره باید مورد بررسی قرار گیرد.



نکته: یکی از کتاب‌های مفید که در این زمینه نگاشته شده، کتاب «چلچراغ نماز و مدرسه» به قلم آقای سید جواد بهشتی است. جهت تهیه این کتاب می‌توانید به سامانه خرید الکترونیکی به نشانی ketab.namaz.ir مراجعه نمایید.

محور دوم: نقش معلم در تربیت اعتقادی، عبادی، اخلاقی

تمامی معلمان بزرگوار، در ساحت اعتقادی، اخلاقی دخیل و تأثیرگذار هستند. به همین جهت نکاتی را جهت تأثیرگذاری مثبت معلمان عزیز در ساحت اعتقادی، عبادی، اخلاقی در ذیل خواهد آمد:

اول. در گفت‌وگوهای اولیه مدیر مدرسه و شورای معلمان، منشور اخلاقی و رفتاری دبیران ارائه و تبیین شود.

دوم. حضور دبیران محترم در مراسم نماز جماعت، تأثیر بسزایی در تعمیق فرهنگ اقامه نماز دارد. تقدیر از معلمینی که در نماز شرکت می‌کنند، و هم‌چنین استفاده از ظرفیت معلمان در صحبت‌های بین نماز، موجب حضور پرشورتر ایشان و دانش‌آموزان می‌شود.

سوم. اگر مدیر مدرسه برای رشد و هم‌آوایی دبیران برنامه داشته باشد، دبیران و معلمان عزیز بهتر می‌توانند در مسیر تربیت اعتقادی اخلاقی دانش‌آموزان نقش‌آفرینی کنند. برگزاری جلسات پرسش و پاسخ، استفاده از اساتید توانمند برای رشد معلمان، برگزاری اردوهای رشد برای معلمان، حضور دسته‌جمعی معلمان در مراسمات عبادی و معنوی، برگزاری درس اخلاق کاربردی برای معلمان، از جمله راهکارهای پیشنهادی جهت رشد و هم‌آوایی دبیران محترم است.

فارغ از نقش عمومی معلمان در تربیت اعتقادی دانش‌آموزان، معلمان مخصوص درس‌های معارفی، مانند معلم قرآن، معلم دین و زندگی، باید ویژگی‌های ممتازی در زمینه اعتقادی و اخلاقی داشته باشند. هم‌چنان‌که نیاز به راهبری و حمایت بیشتری دارند.

محور سوم: محتوا

آخرین محوری که می‌تواند مقدمات تحول را در ساحت اعتقادی اخلاقی فراهم کند، «محتوای مناسب» با سؤالات و دغدغه‌های نوجوانان است.

محتوای مورد نیاز برای دانش‌آموزان در دو قسمت تقسیم‌بندی می‌شوند؛ یکی محتواهای زیربنایی برای به‌دست‌آوردن مهارت فکر کردن، بالا رفتن قدرت تحلیل، و بخش دوم درباره موضوعات مختلفی که ذهن و دل دانش‌آموزان را به خود مشغول کرده است.

در بخش اول، برخی کتاب‌ها در موضوع «فلسفه برای کودکان» و آموزش «تفکر انتقادی» می‌تواند زمینه‌سازی تفکر سازنده در نوجوانان باشد.

در بخش دوم با وجود تمام زحماتی که در تدوین متون درسی کشیده شده است، اما باید از کتاب‌خانه کمکی و طرح درس‌های محتوایی برای کلاس‌های اعتقادی و اخلاقی استفاده کرد.



ساحت زیستی و بدنی

۴۲

مدرسه آینده ساز

انسان در مسیر حیات طویه خود، مانند سوارکاری است که علاوه بر سلامت و مهارت خود، به اسبی توانمند و دونده نیز نیاز دارد. اگر بدن انسان و محیط زیست پیرامون او، زمینه را برای حرکت پرشتاب و مداوم فراهم نکند، تمام حرکت‌های او متوقف می‌شود. به همین جهت ساحت زیستی و بدنی، یکی از زمینه‌سازترین ساحت‌ها در راه رسیدن به حیات طویه است.

اهداف این ساحت در دوره متوسطه اول

۱. با شناسایی معیارهای زندگی سالم، سطح سلامت جسمی، روانی، اجتماعی، معنوی خود را بررسی و روش‌هایی را برای شکل‌دهی به هویت خود انتخاب کند و به کار گیرد.
۲. با پذیرش مسئولیت در قبال سلامت و بهداشت جامعه، در برنامه‌های ارتقای سلامت، تفریحات سالم و تربیت بدنی، سالم‌سازی محیط زیست (محل / مدرسه) مشارکت کند، و روش‌هایی را برای بهبود کیفیت زندگی فردی و اجتماعی بکار گیرد.
۳. با شناسایی معیارهای محیط زیست سالم و بررسی تأثیر الگوی رفتاری خود و دیگران بر سامانه‌های زیست محیطی محلی و منطقه ای، راه‌حلی را برای حفظ و بهسازی زیستگاه خود بکار گیرد.

سیاست‌های هفت‌گانه معاونت سلامت و تربیت بدنی وزارت آموزش و پرورش

۱. مدرسه محور نمودن فعالیت‌ها
۲. کیفیت محور نمودن فعالیت‌ها
۳. همگانی نمودن فعالیت‌ها
۴. برنامه محور نمودن فعالیت‌ها
۵. علمی و تخصصی نمودن فعالیت‌ها
۶. اخلاق محور نمودن فعالیت‌ها
۷. مشارکت محور نمودن فعالیت‌ها

حدود و قلمرو ساحت تعلیم و تربیت زیستی و بدنی

این ساحت ناظر به حفظ و ارتقای سلامت و رعایت بهداشت جسمی و روانی متربیان در قبال خود و دیگران است. دو حوزه «تقویت قوای جسمی و روانی و مبارزه با عوامل ضعف و بیماری» و نیز «حفاظت از محیط زیست و احترام به طبیعت» در این ساحت بررسی می‌شوند.



به همین جهت، چند دسته از برنامه‌های مدرسه با این ساحت مرتبط است:

الف. برنامه‌های مرتبط با **تغذیه** مناسب، و پیشگیری از بیماری‌های جسمی

ب. برنامه‌های مرتبط با **ورزش** و تحرک بدنی

ج. برنامه‌های مرتبط با بهداشت و **سلامت روانی** و روحی

د. برنامه‌های مرتبط با حفظ **محیط زیست**

دسته اول: تغذیه

گام‌های مدیریتی برای تأثیرگذاری در بخش «تغذیه سالم»

۱. در گام اول و در راستای تدوین «**پرونده تربیتی**»، سبک زندگی خانواده دانش‌آموز رصد شود. استفاده از پرسش‌نامه‌های **تغذیه وزارت بهداشت**، موجب تسهیل عملیاتی‌شدن این گام برای مدیر محترم و همکاران ایشان است.

هم‌چنین مدارس می‌توانند با رایزنی اداره تربیت بدنی و سلامت آموزش و پرورش، با آزمایش‌گاه‌های شهرستان خود قراردادی را مبنی بر صدور «**کارنامه سلامت**» دانش‌آموزان بعد از اجرای آزمایش‌های لازم، ببندند. نمونه‌ای از این پرسش‌نامه‌های تغذیه را می‌توانید در تارنمای دانشگاه علوم پزشکی مشاهده نمایید.

۲. گام دوم همراهی و بسیج عمومی عوامل اجرایی مدرسه و والدین در مسیر **تصحیح سبک تغذیه** است. تغییر باورها و رویه‌های غذایی و نهادینه‌کردن عادات خوب غذایی از جمله اهداف این گام است.

جلسات خانواده با راهبری کارشناسان مراکز بهداشت، مشاوره تغذیه، برگزاری جشنواره غذای سالم، برگزاری پویش «غذای خانگی» از جمله پیشنهادات برای اجرایی‌سازی اهداف این گام است.

در مدیریت مدرسه نیز باید روی مواد غذایی «**بوفه مدرسه**» نظارت انجام بگیرد.

۳. گام سوم **فرهنگ‌سازی** تغذیه سالم در بین دانش‌آموزان است. طرح «**سفیران سلامت دانش‌آموزی**» مسیری میانبر برای رسیدن به اهداف این گام است، چه اینکه در این طرح، خود دانش‌آموزان راهبران سلامت هستند.

دسته دوم: ورزش

دو نگاه به برنامه‌های ورزشی در مدرسه

در نگاه **عمومی** نسبت به برنامه‌های ورزشی، همه دانش‌آموزان باید برنامه ورزشی و نرمش را جزو برنامه‌های روزانه خود بدانند. هم‌چنین نگاه تربیتی نسبت به ورزش در این بخش بررسی می‌شود.

نگاه **تخصصی و ویژه** نسبت به برنامه‌های ورزشی، جنبه استعدادیابی و هویت‌دهی آن است. ورزش حرفه‌ای نیز در این بخش واکاوی می‌شود.

الف. نگاه **تربیتی** به برنامه‌های ورزشی

پرواضح است که رشد و تربیت دانش‌آموزان در ساحت‌های مختلف، از جمله ساعت علمی وابسته به مقدماتی است. از جمله این مقدمات، جسم سالم و پرقدرتی است که توان انجام فعالیت‌های متنوع و کافی را دارد.



از جمله تأثیرات پیرامونی ورزش در مقدمه سازی برای رشد و تربیت، می توان به «بالا رفتن تمرکز»، «هماهنگی رشته های عصبی بدن، با ماهیچه ها»، «دفع سموم از بدن و پاکیزه شدن خون، و در نتیجه بهبود عملکرد مغز و حافظه»، «تخلیه انرژی»، و «کاهش اضطراب» اشاره کرد.

۴۴

پیشنهاداتی برای مدیریت بهتر برنامه های ورزشی تربیت گرا

مدرسه آینده ساز

۱. مدیر مدرسه با راهبری معلم ورزش و معاون پرورشی، شرایط را برای ورزش منظم **معلمین** فراهم نماید. این برنامه ورزشی می تواند با حضور گروه های منتخب دانش آموزی نیز برگزار شود. تنوع در برنامه های ورزشی مانند شنا، فوتسال، بسکتبال، تیراندازی و ... می تواند تعداد بیشتری از همکاران را جذب این برنامه کند. بدیهی است ورزش معلم های عزیز، تأثیر مستقیم در شادابی این بزرگواران در امر تدریس و تربیت، و تأثیر غیرمستقیم در فرهنگ سازی ورزش میان دانش آموزان دارد.

۲. هر فصل یکبار دوره می والدین و با محوریت برنامه ها و مسابقات ورزشی داشته باشید. این مسابقات بین پدران، و یا به صورت گروه های پدر و پسری، و یا مادر و دختری می تواند برگزار شود. کوهنوردی و پیاده روی خانوادگی و مدرسه ای، معرفی و تشویق خانواده های پرتلاش و فعال در ورزش خانوادگی، استفاده از ظرفیت والدین فعال و توانمند ورزشی در برنامه های ورزشی مدرسه، از جمله برنامه های ترویجی ورزش در بستر خانواده است.

۳. **نرمش صبحگاهی**، یکی از برنامه های جاری و پر قدمت مدارس است. نگاه تحولی به این برنامه مهم، مقتضی تغییراتی در حیطه های مختلف آن است:

اول. اجرای **گروهی** و کلاسی برنامه توسط دانش آموزان با عنوان جشنواره «**صبحت رو طلایی شروع کن**». در این برنامه بخشی از زمان برای ورزش های عمومی، و بخشی برای مسابقات حضوری تحرکی صرف می گردد. از برترین اجراهای گروهی نیز تقدیر به عمل می آید.

دوم. مکان برگزاری برخی مراسمات صبحگاهی، باشگاه ها، پارک ها و سالن های بیرون مدرسه می تواند باشد. تنوع دهی در مکان برگزاری، یکی از عوامل جذابیت بیش از پیش آن می تواند باشد.

سوم. تلفیق برنامه ورزشی، و برنامه **صبحانه ساده** در مراسم صبحگاهی با مدیریت خود دانش آموزان، می تواند هم نیاز جسمی دانش آموزان به تغذیه صبح را برطرف کند، و هم هیجان و رقابت جشنواره را بیشتر کند.

۴. در کنار ورزش همگانی صبحگاه، و نیز زنگ های ورزش، معلمین گرامی برای رفع خستگی می توانند از ورزش ها و **نرمش های قابل اجرا در کلاس** استفاده کنند. البته رعایت نظم و آرامش مدرسه و عدم مزاحمت برای دیگر کلاس ها از شروط اجرای این برنامه است.

۵. بسیاری از اثرگذاری های غیرمستقیم تربیتی، در برنامه های ورزشی می توانند محقق شوند. این اثرگذاری ها گاهی جزو لایه های هدفی برنامه هستند؛ مانند **تقویت حس همدلی، تمرین مسئولیت پذیری، کارگروهی و ...** و

در برخی موارد هم اثر ناخودآگاه در مخاطب دارند؛ مانند **تقویت قدرت تمرکز، نظم و ...**

بنابراین مدیر مدرسه و همکارانشان از این فرصت می توانند به بهترین شیوه استفاده کنند.



۶. ورزش، مسیری برای **شناخت روحیات** و صفات دانش‌آموزان هم هست. مربیان گرامی در مدارس، با حضور در برنامه‌های ورزشی و نیز طراحی بازی‌ها و ورزش‌های هدف‌مند، می‌توانند از بستر ورزش برای اهداف تربیتی خود بهره ببرند.

۷. ورزش و سرگرمی، به جهت قالب غیررسمی خود، می‌تواند **صمیمیت** بین دانش‌آموزان و اعضای اجرایی مدرسه، بویژه معلمین را بیشتر کند.

۸. تأکید بر بازی‌های بومی و محلی

از آنجایی که کشور پهناور ما ایران دارای فرهنگ‌های مختلف و سنت‌های دیرینه است نباید اجازه داد که یکی از سنت‌های مهم یعنی بازی‌های بومی و محلی به فراموشی سپرده شوند. معلمان ورزش باید در هر اقلیمی که مشغول به فعالیت هستند این بازی‌ها را به دانش‌آموزان معرفی کنند. اگر معلم ورزش آگاهی از این بازی‌ها نداشت می‌تواند با ایجاد یک فراخوان از اولیای دانش‌آموزان دعوت کند که آنها بازی‌ها را در کنار فرزندان خود در فضای مدرسه بازی کنند.

ب. استعدادیابی و بستر سازی رشد نخبگان

ورزش برای برخی نوجوانان استعداد ویژه است. قدم‌های اولیه برای رشد و هویت‌یابی ورزشی دانش‌آموزان باید در مدرسه و با نظارت مربی ورزشی و هم‌چنین مربی تربیتی ایشان انجام شود. یک استعداد ورزشی وقتی می‌تواند به ورزش به عنوان «هویت» و «لایه شخصیتی» خود بیابد و بهترین استفاده را از آن در مسیر تعالی شخصی و اجتماعی خود بردارد که «چهارچوب تربیتی» فعالیت ورزشی را بداند و از آن مراقبت کند. این مهم، حتماً باید با نظارت و راهبری مربیان تربیتی در مدرسه صورت پذیرد. اینکه چرا برخی نوجوانان ورزشکار مغرور می‌شوند و یا نوع گفت‌وگوهایشان متفاوت می‌شود، اینکه چگونه روحیه پهلوانی را در ورزشکاران حرفه‌ای اعتلا دهیم و ... از جمله مسائل تربیتی ورزش حرفه‌ای است.

در قدم‌های بعدی اما، مدرسه باید نقش واسطه‌ای امین برای معرفی به نهادهای حرفه‌ای ورزش را ایفا کند.

برگزاری «جشنواره‌های ورزشی، و بازی‌های چندگانه» یکی از قالب‌هایی است که برای تحقق استعدادیابی می‌تواند اثرگذار باشد.

جهت اجرای این جشنواره، مدرسه می‌تواند از «انجمن‌های ورزشی آموزش و پرورش» و «هیأت‌های

ورزشی شهرستان» و امکانات آن استفاده کند. در ماده دوم آیین‌نامه هیأت‌های ورزش استان، مصوب ۲۵ / ۱۱

/ ۸۳ درباره وظایف این هیأت‌ها مواردی بیان شده که برخی از آنها را جهت استحضار بیان می‌نماییم:

۱. تعمیم و گسترش رشته یا رشته‌های ورزشی تحت پوشش در سطح استان از طریق بکارگیری مربیان و

کشف، جذب و پرورش استعدادها

۲. برگزاری کلاس‌های آموزشی، توجیهی و تکمیلی در رده‌های سنی مختلف با اخذ مجوز از فدراسیون و با

هماهنگی اداره کل تربیت بدنی استان

۳. برگزاری مسابقات استانی در رده‌های مختلف سنی با توجه به ضوابط و رعایت تقویم فدراسیون و با

هماهنگی اداره کل تربیت بدنی استان



دسته سوم: بهداشت و سلامت روحی و روانی

۴۶

مدرسه آینده ساز

چنانچه در مقدمات این ساحت بیان شد، حوزه «تقویت قوای جسمی و روانی و مبارزه با عوامل ضعف و بیماری» یکی از قلمروهای مهم برنامه های این ساحت است. در راستای تبیین ابعاد این قلمرو لازم است به دو حیطه اصلی آن اشاره ای داشته باشیم:

الف. تقویت سلامت عمومی دانش آموزان

یکی از ویژگی های عمومی دانش آموزان در دوره نوجوانی، نشاط و شادابی ایشان است. تعلق کمتر به پیچیدگی های زندگی و مشغولیت های کم نسبت به بزرگ ترها به نوجوان در این سن کمک می کند، زود بتواند روحیه خود را حفظ و یا بازیابی کند. این مهم البته نیاز به مراقبت دارد. مدرسه به عنوان نهادی که تعلیم و تربیت رسمی نوجوانان را برعهده دارد، باید این مراقبت را مدیریت کند. مراقبتی که خود دانش آموزان، مدیران، معاونین، اولیاء و معلمان در آن سهم دارند.

نقش مدرسه در مدیریت سلامت روان

سلامت روان دانش آموزان، در تحصیل، رشد معنوی، ارتباطات، نقش آفرینی در اجتماع و دیگر جنبه های رشد ایشان بسیار مؤثر است. به همین جهت یکی از مقدمات مدیریت صحیح مدرسه، برداشتن گام های اجرایی استوار در مسیر مدیریت سلامت روان دانش آموزان است.

گام اول. تشکیل پرونده تربیتی دانش آموزان و والدین

مشاور مدرسه با همکاری معاون پرورشی، طلبه طرح امین و با مدیریت و نظارت مدیر مدرسه، عهده دار تشکیل و تدوین پرونده تربیتی مدرسه است. بخشی از این پرونده تربیتی، پیگیری وضعیت سلامت روان دانش آموزان است.

گام دوم. آموزش و توانمندسازی والدین و معلمان و اعضای اجرایی مدرسه

نوع رفتار والدین و معلمان و عوامل اجرایی مدرسه، در حفظ و ارتقای روحیه خوب دانش آموزان، و سلامت روانی ایشان بسیار مؤثر است. یکی از موضوعات مهمی که در جلسات آموزش خانواده، جلسات شورای دبیران و شورای مدرسه باید بررسی، واکاوی و پیگیری شود، «چهارچوب رفتار مناسب با دانش آموز» است.

اهمیت این گام وقتی دوچندان می شود که بدانیم برخی مدارس، مشاور ندارند و یا ساعات حضور مشاور در مدرسه اصلاً با نیاز دانش آموزان تناسب ندارد. در این شرایط نقش اولیاء مدرسه و خانه در پیش برد اهداف مشاوره پررنگ تر می شود. هرچه این بزرگواران در مسیر رفتار با دانش آموزان توانمندتر شده باشند، سلامت روحی و روانی نوجوانان بیشتر تأمین و رشد می یابد.

گام سوم. ارائه بسته های مشاوره ای در قالب گفت وگوهای حضوری و یا محتوای مجازی

نکته: مدیران محترم و مشاورین گرامی تلاش کنند محتواها و توصیه ها را از مسیرهای قابل اطمینان دریافت کنند. مشورت ها و محتواها باید متناسب با نظام مسائلی باشد که در پرونده تربیتی عنوان شده است.

ب. درمان اختلالات شخصی برخی دانش آموزان

اما در بین دانش آموزان مدرسه با تعدادی از دانش آموزان مواجه می شویم که متأسفانه دچار اختلال می شوند. رسیدگی به این عزیزان آسیب دیده هم وظیفه ذاتی مدرسه است تا دوره درمان خود را طی کنند، و هم جلوی گسترش اختلالات و تسری احتمالی آن به دیگر دانش آموزان را می گیرد. البته گاهی اختلال شدید نیاز به مراقبت و درمان ویژه بیرون از فضای مدرسه دارد، تا پس از طی دوره درمان، دانش آموز آسیب دیده به مدرسه بازگردد.



طبیعی است برای حل و کاهش آسیب‌های یک اختلال در دانش‌آموز، صرفاً یک شخص و فرد مسئول نیست. باید بخش‌ها و افراد مختلف؛ از مشاور مدرسه تا مدیر و مربیان، و نیز اولیاء دانش‌آموز وظایف خود را به‌خوبی انجام دهند تا به تدریج اختلال مربوط برطرف شود. تمامی این افراد برای هماهنگی‌های راهبردی و عملیاتی باید در یک ساختار و شورا دور هم جمع شوند. «کمیته سلامت مدرسه» نام بخشی است که ساختار آموزش و پرورش، و به صورت خاص «شورای عالی سلامت مدارس» جهت راهبری امور مربوط به حوزه سلامت، در ساختار مدرسه قرار داده‌اند.

جهت ملاحظه آیین‌نامه شورای عالی سلامت کشور (شامل اهداف کلی و اختصاصی، حیطه عمل و شوراها، زیر مجموعه، اعضا و وظایف شورای منطقه‌ای، و کمیته سلامت مدارس) می‌توانید به تارنمای «مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی»؛ بخش قوانین و مقررات مراجعه نمایید. در راستای مدیریت یکپارچه مدرسه در حیطه درمان اختلالات، گام‌های اجرایی زیر را توصیه می‌کنیم:

گام اول. شناخت نظام مسائل اختلالات دانش‌آموزان

طبیعی است که دانش‌آموزان در کشورهای مختلف، استان‌ها و شهرها و مناطق گوناگون، با مسائل متنوع و متمایزی مواجه هستند. اما در میان این مشکلات و مسائل، برخی فراوانی بیشتری دارند و در نتیجه می‌توان نسخه‌های عمومی را برای آن تجویز کرد. همچنین می‌توان خانواده‌ها و مربیان مدرسه را نسبت به این مسائل توانمند کرد تا آگاهی بیشتری در نوع مواجهه با این مشکلات داشته باشند.

علائم و نشانه‌های هر کدام از اختلالات و راهکارهای تشخیص اولیه، از دیگر سرفصل‌های این گام است. در مواردی که جهت ناآشنا بودن اولیاء و یا اعضای اجرایی مدرسه با پدیده تشخیص دیرنگام و یا نسبت دادن اشتباه اختلال برای یک دانش‌آموز مواجه هستیم.

گام دوم. آموزش نوع مواجهه اولیه

قبل از اینکه دانش‌آموز به مشاور و مراکز تخصصی درمانی ارجاع داده شود، اولین افرادی که با او مواجهه می‌شوند باید بدانند چگونه و در چه بستری با او مواجه شوند.

گام سوم. ارجاع به مراکز تخصصی و پیگیری روند درمان

معمولاً در این مرحله خانواده‌ها و والدین دچار آشفتگی و سردرگمی می‌شوند. به همین جهت نهاد مدرسه در این لحظات باید به کمک خانواده‌ها بیاید.

ارتباط با اورژانس اجتماعی دانش‌آموزی به شماره ۱۵۷۰ می‌تواند مدیر مدرسه را در مسیر راهبری و پیگیری درمان دانش‌آموزان کمک کند.

دسته چهارم: محیط زیست

اگر هزاران آیین‌نامه و نهاد اجرایی برای حفظ محیط زیست بسیج شوند، اما فرماندهان میدانی عرصه تعلیم و تربیت؛ یعنی مدیران و معلمان گرامی، دغدغه حفظ محیط زیست را نداشته باشند، تربیت نسل فعال در عرصه حفظ محیط زیست، آرزویی بیش نیست!



نوع رفتار خود این عزیزان در مدرسه و محیط پیرامونی، گفتمانی که در مدرسه و بین دانش آموزان ایجاد می کنند، و زمینه سازی هایی که برای کنش گری دانش آموزان ایجاد می کنند، نشان گر دغدغه واقعی ایشان است.

ظرافت های مدیریتی در «مدرسه سبز»

۱. برای فرهنگ سازی باید خود دانش آموزان و خانواده ایشان را در فعالیت های محیط زیستی دخیل کنیم. به عنوان مثال هر خانواده بتواند در قسمتی از باغچه مدرسه و یا گلدان های آن، گل و یا نهالی را به نام شهید خانواده خود، و یا عزیز تازه گذشته خود نذر کند، و مسئولیت حفظ و رسیدگی به آن را برعهده گیرد.

۲. مدرسه باید نسبت به محیط زیست پیرامون خود، محله و شهر خود نیز حساس باشد و دغدغه خود را نسبت بدان بروز دهد. طراحی و اجرای پویش های حضوری و مجازی با حضور دانش آموزان و اولیاء ایشان می تواند مسیر فرهنگ سازی را تسهیل کند. برای این مهم، ابتدا باید مسائل محیط زیستی مدرسه، محله و شهر توسط کارگروه دانش آموزان دغدغه مند جمع آوری و اولویت بندی شود و بر اساس این نظام مسائل، طرح ها و پویش ها برنامه ریزی شود.

۳. ایجاد چرخه درآمدزایی از مواد بازیافتی، می تواند هم به اقتصاد فردی دانش آموزان، و هم به اقتصاد مدرسه کمک کند.

۴. استفاده از ظرفیت های نهادهایی مانند شهرداری ها، و ادارات شهرستانی و استانی سازمان محیط زیست بسیار در راهبری طرح های محیط زیستی کمک کند.

۵. ترویج رفت و آمد به مدرسه، به صورت پیاده روی (در مسافت های کوتاه) و با حمل و نقل عمومی، و دوچرخه از دیگر برنامه های محوری در مدارس می تواند باشد. کارت شهروند-دانش آموز (جهت استفاده رایگان و یا با هزینه تخفیفی از وسائل حمل و نقل عمومی و دوچرخه های شهرداری) می تواند آغازگر مسیر همکاری های شهرداری و مدارس باشد.

۶. برنامه های حفظ محیط زیست، نباید صرفاً مناسبتی باشد، بلکه باید در طول سال به صورت مستمر ادامه داشته باشد. مناسبت های متناسب با موضوع محیط زیست، می تواند قله کاری فعالیت های مستمر سالیانه باشد. برخی از این مناسبت ها عبارتند از: روز جهانی معلم و آموزش محیط زیست (۱۳ مهر)، روز جهانی آب (اول فروردین که البته با توجه به تعطیلات نوروز، می تواند بعد از تعطیلات برگزار شود)، هفته محیط زیست (۱۱ الی ۱۸ خرداد)

۷. برگزاری اردوی های «طبیعت گردی» با رویکرد آشنایی با اقدامات مؤثر در حفظ محیط زیست، می تواند راهکاری ساده اما اثربخش در نهادینه سازی این فرهنگ باشد.

۸. «زبان هنر»، مانند بسیاری از موضوعات، در موضوع حفظ محیط زیست هم می تواند به صورت مستقیم و غیرمستقیم، ابزار فرهنگ سازی باشد. جشنواره تولید آثار هنری، اجرای نمایش و سرود و دیگر برنامه های هنری ترویجی مسیر را باور به لزوم اقدام در مسیر حفظ محیط زیست، فراهم تر می کند.

۹. پیشرانی خانواده ها در برنامه های حفظ محیط زیست، می تواند بُرد محله ای و شهری طرح ها را بیشتر کند، چه اینکه هر کدام از خانواده ها دایره ای از مخاطبین را در بین اقوام و همسایگان خود دارند. مدرسه باید به گونه ای برنامه ها را طراحی و اجرا کند که خانواده ها خود را سهیم در طراحی و اجرا بدانند.

ساحت اقتصادی و حرفه‌ای

اهداف این ساحت در دوره متوسطه اول

۴۹

مدرسه آینده‌ساز

۱. با شناسایی مفاهیم اصلی اقتصاد خانواده و درک شیوه های مالی شخصی (پس انداز و مدیریت ریسک)، مصادیق آن را در زندگی به کار بگیرد و در بهبود اقتصاد خانواده فعالانه مشارکت نماید.

۲. با شناخت از حرفه ها، مشاغل و کسب صلاحیت های فنی پایه در تولید و عرضه محصول، متناسب با علایق، استعدادها و جنسیت، برای انتخاب مسیر شغلی آینده خود برنامه ریزی کند.

۳. با شناخت مفاهیم کلیدی رفتار اقتصادی سازنده (شکر، قناعت، تعاون، منافع جمعی، رعایت حلال و حرام و حمایت از تولید ملی)، تأثیر آنها را در امور فردی، خانوادگی و اجتماعی تحلیل کند و روش هایی را برای بهسازی رفتارهای اقتصادی پیشنهاد دهد.

در ساحت اقتصادی و حرفه‌ای سند تحول، به امور زیر به عنوان «قلمرو» ساحت اشاره شده است: (جهت سهولت در فرایندهای پیشنهادی، این امور را در سه دسته بندی بینشی، گرایشی و رفتاری ارائه خواهیم داد)

۱. بینشی و علمی:

- ♦ سواد اقتصادی و چهارچوب بلوغ اقتصادی
- ♦ یادگیری احکام معاملات و قوانین کسب و کار
- ♦ شناخت مفاهیم کلیدی رفتار اقتصادی سازنده

۲. گرایشی:

- ♦ علاقه به اخلاق حرفه ای و ایمانی در امور اقتصادی
- ♦ گرایش به عدالت اقتصادی

۳. رفتاری:

- ♦ توان کارآفرینی
- ♦ رعایت بهره وری
- ♦ حفظ و توسعه ثروت
- ♦ اهل کار و همت بودن
- ♦ رعایت احکام معاملات و قوانین کسب و کار



رویکرد تربیتی در این ساحت

۵۰

مدرسه آینده ساز

یکی از نیازهای روزمره نوجوانان در زندگی، نیاز به یادگیری مهارت‌های اقتصادی است. به همین جهت، «تربیت اقتصادی» یکی از بخش‌های مهم تربیتی دانش‌آموزان است. نیروی انسانی سرمایه اصلی هر کشوری است که تربیت صحیح آن تضمین کننده استقلال فرهنگی، اقتصادی و سیاسی محسوب می‌شود. جوامع امروزی در همه زمینه‌ها با مشکلات فراوانی رو به رو هستند. بسیاری از این مشکلات ریشه در ناآگاهی و بی‌سوادی اقتصادی دارد. تربیت اقتصادی می‌تواند به رشد تفکر و عملکرد اقتصادی نوجوانان کمک کند. همچنین به جهت پیش‌نیازهای خود، بستری برای هویت‌دهی به نوجوانان را فراهم می‌کند. نوجوانی که مهارت‌های لازم برای زندگی اقتصادی خود را آموخته باشد، بخشی از هویت و شخصیت خود را بازآفرینی کرده است.

فارغ‌التحصیلان دوره متوسطه در سراسر زندگی خود به عنوان نان‌آوران، مصرف‌کنندگان، شهروندان و رأی‌دهندگان، انتخاب‌های اقتصادی فراوانی خواهند داشت و افراد زیادی آنها را با اطلاعات اقتصادی درست و نادرست مواجه خواهند ساخت؛ بنابراین، توجه به تربیت اقتصادی قبل از ورود به آموزش عالی بسیار مهم است.

فقدان و نارسایی مهارت، دانش و نگرش‌های اقتصادی دانش‌آموختگان نظام آموزشی کشور با ورود به زندگی خانوادگی و عهده‌دار شدن مسئولیت‌های اجتماعی آشکار می‌شود. به گونه‌ای که آنها در زندگی فردی و در مواجهه با موقعیت‌ها و شرایطی که رنگ و بوی اقتصادی دارند به شیوه شایسته حضور نمی‌یابند و همچنین در تفسیر تحولات و وقایع اقتصادی جامعه، فاقد توانایی‌های لازم هستند و آموخته‌های قبلی آنها چه رسمی و از طریق برنامه‌های درسی آشکار و چه غیر رسمی و از طریق برنامه‌های پنهان خانواده و سایر نهادها، ارتباط چندانی با مسائل و مفاهیم اقتصادی روزمره زندگی ندارد.

تربیت اقتصادی واقعی، دانش‌آموزان را به سواد اقتصادی و توانایی به کارگیری ابزارها و مهارت‌های مهم زندگی مجهز می‌سازد.

نکات مدیریتی در تربیت اقتصادی دانش‌آموزان

نهاد مدرسه، پل ورود دانش‌آموزان به عرصه زندگی واقعی آن‌هاست. هر چقدر تصویر آینده زندگی اقتصادی دانش‌آموزان با توجه به سلیقه‌ها و استعدادها، به صورت واقعی برایشان ترسیم شود، و هر مقدار در مسیر توانمندی برای نقش‌آفرینی در آن آینده، آماده‌تر و ماهرتر شده باشند، تربیت اقتصادی‌شان بهتر رشد خواهد کرد.

راهبری تربیت اقتصادی بر عهده مدیر مدرسه و معاونین او می‌باشد. در راهبری تربیت اقتصادی، شناسایی بوم منطقه، ظرفیت‌های اقتصادی آن و نقشی که دانش‌آموزان در «تولید» می‌توانند ایفا کنند، بسیار مهم است.



این فکر و اندیشه توسط مدیریت مدرسه به بدنه اساتید و معلمان تزریق می شود. معلمان پر تلاش و خلاق، بهترین مشاورین برای دانش آموزانی هستند که می خواهند در دوران تحصیل خود حداقل یک مهارت را برای آینده خود کسب کنند. مهارتی که می تواند زمینه درآمدزایی و اشتغال آینده نوجوان را فراهم کند.

با توجه به تقسیم بندی قلمرو این ساحت که در طلیعه این بخش آمد، نقش آفرینی مدرسه در دو حیطه تصویر می شود:

- ♦ بسترسازی جهت رشد بینشی و علمی (سواد اقتصادی)
- ♦ رفتارسازی و مهارت افزایی (مهارت اقتصادی)

بخش اول: سواد اقتصادی

سواد اقتصادی توانایی تصمیم گیری آگاهانه و تصمیم گیری مؤثر در مورد استفاده و مدیریت مالی است. کسب دانش در حوزه اقتصاد خرد و اقتصاد پایه باعث می شود دانش آموزان دوره متوسطه درک و فهم درسی از مسائل مالی و اقتصادی داشته باشند و بتوانند در زندگی روزمره خود به عنوان یک انسان اقتصادی مطلوب زندگی کنند.

کسب دانش اقتصادی پایه می تواند دانش آموزان را با شیوه های مختلف مدیریت اقتصادی آشنا کند و این مهم می تواند در زندگی شخصی و آینده فرد تأثیر فراوانی داشته باشد. دانش آموز با افزایش دانش اقتصادی خود می تواند مسیری درست برای انتخاب شغل و همچنین مدیریت مالی پیدا کند. مفاهیمی که باید به صورت مستقیم و غیر مستقیم با دانش آموزان در لایه بینشی کار شوند عبارتند از:

۱. تولید ثروت، چهارچوب ها و موانع
۲. مفاهیم اقتصاد سالم: بهره وری، امانت داری، قناعت و پرهیز از زیاده خواهی، انفاق و دوری از بخل، عدالت خواهی و انصاف، پرهیز از ربا.
۳. رابطه اقتصاد اسلامی با مسائل کلان جامعه اسلامی
۴. روزی حلال و با برکت؛ راهکارهای کسب، موانع پیش رو
۵. خلاقیت و نواندیشی برای کارآفرینی و بازاریابی
۶. تعاون و کارگروهی، مسیر میان بر برای توسعه ثروت

روش های پیشنهادی:

برای نیل به این هدف، حتما نیاز نیست کلاس ویژه و ماده درسی «اقتصاد» برای دانش آموزان تعریف شود؛ چه اینکه در رشته تخصصی علوم انسانی، چنین ماده درسی وجود دارد، بلکه از محیط های خارج کلاس برای آموزش و یادگیری مفاهیم کاربردی اقتصاد باید استفاده کرد.

برای استفاده از این محیط های خارج کلاس، و انگیزه سازی حضور دانش آموزان در این محیط ها باید یک برنامه عملیاتی اقتصادمحور، کانون فعالیت قرار گیرد. اما مقدمه اجرای آن عملیات، کسب مقدمات دانشی است که دانش آموزان باید کسب کنند.



به عنوان مثال هنگامی که در بخش «مهارت اقتصادی» به بهره‌مندی از راهکار «بوفه مدرسه» اشاره می‌کنیم، صرف اداره و گرداندن این بخش، در مدرسه مقصود ما نیست. باید در حلقه‌های گفت و گو و کارگاه‌ها، و نیز ویژه برنامه‌ها، نکات کاربردی و کلیدی که در اجرایی سازی این عملیات نیاز است برای دانش‌آموزان روشن شود.

★ موضوعات پیشنهادی برای حلقه‌های رشد:

۵۲

۱. مسأله پژوهی «برای شغل آینده‌ام»
۲. برنامه مطالعاتی و حلقه‌های کتابخوانی تخصصی کارآفرینی
۳. گعده‌های کارآفرین در مدرسه با حضور کارشناسان
۴. طرح پیشنهادی برای اصلاح الگوی مصرف خانواده خود
۵. مولد یا مقلد بودن
۶. تجارت و ارزش عمر آدم
۷. تاریخچه نظام سرمایه‌داری و مصرف‌گرایی
۸. اخلاق اقتصادی
۹. جایگاه رزق و برکت در زندگی
۱۰. استقلال مالی از خانواده

★ موضوعات پیشنهادی برای کارگاه‌های آموزشی:

۱. تجربه‌نوردی برگزاری و مدیریت مالی یک اردو یا یک پروژه
۲. سواد مالی
۳. راه اندازی کسب و کار
۴. تیم‌سازی اقتصادی
۵. مدیریت مالی و جذب سرمایه
۶. راه اندازی مشاغل خانگی
۷. هوش هیجانی در اقتصاد
۸. مدیریت ارتباطات
۹. مدیریت پروژه
۱۰. برندسازی شخصی و سازمانی
۱۱. پس‌انداز
۱۲. سرمایه‌گذاری فردی و جمعی
۱۳. کارآفرینی اجتماعی
۱۴. مسیر شغلی
۱۵. تصمیم‌گیری مالی
۱۶. کاربایی
۱۷. مدیریت ریسک و بیمه
۱۸. تربیت اقتصادی برای والدین و مربیان

★ چند ویژه برنامه پیشنهادی:

۱. فراهم کردن شرایط مشاوره های فردی و گروهی اقتصادی
 ۲. برگزاری نمایشگاه مشاغل
 ۳. کتابخانه تخصصی کارآفرینی
 ۴. معرفی کارآفرینان برتر ایرانی و خارجی
 ۵. بازدید از کارگاه های تولید موفق
 ۶. جشنواره تولیدات رسانه ای حمایت از تولید ملی
- این تولیدات در زنگ های تفریح پخش می شوند. هم چنین تولیدات مکتوب در تابلویی مخصوص نصب و مطالعه می شوند.
۷. چهارپایه خوانی کارآفرینان استانی و ملی
- کتاب ها و محتواهایی که زندگی کارآفرینان نمونه را معرفی و روایت می کنند، توسط خود دانش آموزان مطالعه می شود و در صبحگاه مدرسه به مدت ۵ دقیقه ارائه می گردد. شیوه ارائه این گونه است که دانش آموز منتخب روی یک چهارپایه کوچک، مطلب را ارائه می دهد و دیگر دانش آموزان دور او ایستاده حلقه می زنند.
۸. اعطای جایزه «عدالت اقتصادی» مدرسه به کاسب، کارخانه، و یا نهادی که در محله و شهر شاخصه های عدالت اقتصادی را بیشتر رعایت می کند.

بخش دوم: مهارت اقتصادی

مرحله نهایی در مسیر تربیت اقتصادی، اجرای همان «موقعیت» هایی است که در بخش اول بدان اشاره کردیم. موقعیت هایی که تمرین مهارت های اقتصادی را دنبال می کنند. برخی از این موقعیت ها جزو امور جاری و مستمر مدرسه می شوند و برخی در بازه های زمانی خاص و با تمهید مقدمات قابلیت اجرا دارند.

برخی موقعیت های پیشنهادی:

۱. بانک جوایز:
در بانک جوایز برای هر یک از جوایز، قیمتی قرار داده شود و در ازای فعالیت دانش آموزان به آنها کارت امتیاز (به عنوان سرمایه) تعلق گیرد تا در ساعت مشخصی با مراجعه به بانک جوایز، با امتیازهای خود خرید کنند.
دانش آموزان در این طرح پس انداز کردن، صبر برای رسیدن به خواسته ها، و لخرجی نکردن و ... را تمرین می کنند.
۲. بوفه مدرسه :
واگذار کردن بوفه مدرسه به دانش آموزان یکی از راهکارهای عملیاتی برای آموزش و تمرین در ساحت اقتصادی هست. برای راه اندازی بوفه، بودجه معینی به دانش آموزان داده می شود تا برای بوفه خریداری و به سایر دانش آموزان بفروشند. آشنایی و تمرین مفاهیم «حفظ و توسعه ثروت»،



«کارآفرینی»، «بهره وری»، «عرضه و تقاضا» و ... از فواید این طرح است. همین‌طور می‌توان احکام معاملات، اخلاق و ارزش‌های حاکم بر روابط اقتصادی و ... را به عنوان ملاک و معیار برای گروهی که مسئولیت بوفه را می‌پذیرد در نظر گرفت.

حتی می‌توان با ارائه محتوای مناسب در قالب‌های مختلف از جمله کلیپ، جزوه، کتاب، سخنرانی، برگزاری مسابقه و ...، مسئولیت بوفه را برای بازه زمانی معینی به گروه برتر مسابقه واگذار کرد.

و یا فضای انتخاباتی درست کرد. به این ترتیب که دانش‌آموزان به صورت گروهی ثبت نام کنند و با تأیید صلاحیت نفرات توسط هیات نظارت (مدیریت و معاونین)، فرایند تبلیغات شروع شود و در نهایت با رأی‌گیری مسئولیت به گروهی منتخب واگذار گردد.

۳. بازارچه:

برپایی بازارچه‌های مناسبی یا دایم با محوریت اقلام فرهنگی، کتاب، لوازم التحریر ایرانی اسلامی، البسه و ...
۴. رویداد کارت شغلی:

پس از برگزاری کارگاه‌های آشنایی با مشاغل هر کدام از دانش‌آموزان می‌توانند با معرفی‌نامه مدرسه به محل آن شغل در محله و شهر خود مراجعه کنند و تقاضا کنند در یک بازه زمانی مشخص، در آن محل دوره «کارآموزی» را بگذرانند. در صورت تأیید استادکار، کارت شغلی برای دانش‌آموز توسط مدرسه صادر می‌گردد.

۵. اردوی اقتصادی:

برپایی اردوهای هدفمند اقتصادی یک روزه یا چند روزه در مدرسه یا اردوگاه‌ها جهت آشنایی با نظام سرمایه داری، کار و تلاش برای امرار معاش و ...

۶. اردوی جهادی:

برگزاری اردوهای جهادی درون محله در راستای نقش‌آفرینی اجتماعی مدرسه به عنوان یکی از پایگاه‌های اجتماعی محور در محله و در جهت کاهش آسیب‌های اجتماعی.

آشنایی و کنش‌گری نسبت به محدودیت‌ها، کاستی‌ها، ضعف‌های موجود در محله، ایجاد حس مسئولیت و غیرت نسبت به محله و اجتماع، آشنایی با ظرفیت‌های پنهان محله و ... از آثار این طرح می‌باشد.

۷. کارگاه مهارت‌های پایه زندگی:

آموزش برخی مهارت‌های اولیه و ضروری برای زندگی روزمره به دانش‌آموز کمک می‌کند تا از هدر رفت سرمایه برای موارد غیرضروری جلوگیری کند.

آشنایی با ابزار آلات گوناگون و تمرین استفاده از آنها، سرویس کولر، نصب بخاری، تعمیر دوچرخه، سیم‌کشی و نصب سرپیچ و لامپ از همین دست مهارت‌های پایه به حساب می‌آیند.

۸. برگزاری المپیاد کارآفرینی در مدرسه و بین‌مدرسه‌ای

۹. راه‌اندازی صندوقچه قرض‌الحسنه و نیز خیریه مدرسه

۱۰. راه‌اندازی گلخانه مدرسه و امکان کشت در فضای سبز مدرسه



ملاحظه جنسیت دانش‌آموزان در تربیت اقتصادی

در نظام تربیت اسلامی، نقشی که برای هر کدام از مرد و زن در راستای اقتصاد خانواده دیده شده است، مشخص و آشکار است. ملاحظه جنسیت دانش‌آموزان در تربیت اقتصادی، از نکات مهمی است که برنامه‌ها را هم‌راستا با نظام تربیتی می‌نماید.

دانش‌آموزان پسر در آینده شغلی خود، نیروی اصلی کار و تولید در جامعه هستند و با توجه به ساختار بدنی و روحی، قدرت مواجهه با کارها و شغل‌های سخت و مستمر را دارند. از طرفی دانش‌آموزان دختر هم وظیفه سنگین مدیریت امور خانواده و تربیت فرزند را بر عهده دارند، و هم فعالیت‌هایی که ظرافت و دقت بیشتری را می‌طلبند را می‌توانند انجام دهند. برخی شغل‌ها و خدمات اجتماعی نیز، نیاز به حوصله و ریزبینی دارد؛ مانند پرستاری.

از طرف دیگر نیاز جنسیتی جامعه نیز در مدیریت کلان شغل‌های آینده تأثیرگذار است. به طور مثال نیاز به پزشکان مخصوص زن.

مجموع این نکات و دقایق ما را به این فرایند رهنمون می‌کند که در تربیت اقتصادی، نقش و وظایف ویژه هر جنسیت را هم مدنظر قرار بدهیم.

البته بخشی از فعالیت‌های اجتماعی و مشاغل جامعه بین زن و مرد مشترک است و تفاوتی از نظر تربیت اقتصادی بین افراد وجود ندارد.

در جمع‌بندی این بخش باید گفت جهت‌گیری اصلی تربیت اقتصادی در دختران باید به این سمت باشد که «مدیریت اقتصاد خانواده» را در برنامه‌های مرتبط با ایشان مدنظر قرار داد.



ساحت سیاسی اجتماعی

اهداف این ساحت در دوره متوسطه اول

۵۶

مدرسه آینده ساز

۱. با مشارکت در فعالیتهای اجتماعی هویت ساز، نوع دوستی، ایثار و مسئولیت پذیری در قبال دیگران را تجربه کند و با پرهیز از روحیه فردگرایی، توانایی تصمیم گیری مبتنی بر خرد جمعی خود را توسعه دهد.
۲. با شناخت وظایف و مسئولیتهای خود در قبال زیست اجتماعی، روش هایی برای تأثیرگذاری بر بهبود سبک زندگی اجتماعی و حفاظت از خود و دیگران در برابر مسایل و آسیب های اجتماعی انتخاب کند و بکارگیرد.
۳. با بررسی علل تکوین، تغییر و تداوم محیط طبیعی، اجتماعی، سیاسی و آشنایی با قانون اساسی و ساختار سیاسی کشور، درک خود را از روند تغییرات و تأثیرات آن بر زیست اجتماعی بیان کند.
۴. با شناخت شاخص های هویت ملی (ایرانی - اسلامی)، عملکرد خود را در راستای حفظ و ارتقای آن مورد بررسی قرار دهد.

قلمرو ساحت سیاسی و اجتماعی

- ♦ ارتباط مناسب با دیگران (اعضای خانواده، خویشاوندان، دوستان، همسایگان، همکاران و ...)
- ♦ تعامل شایسته با نهاد دولت و سایر نهادهای مدنی و سیاسی
- ♦ رعایت قانون، مسئولیت پذیری، مشارکت اجتماعی و سیاسی، پاسداشت ارزش های اجتماعی
- ♦ کسب دانش و اخلاق اجتماعی و مهارت های ارتباطی
- ♦ بردباری، وفاق و همدلی، درک و فهم اجتماعی، مسالمت جویی، درک و فهم سیاسی عدالت اجتماعی
- ♦ درک و تعامل میان فرهنگی، تفاهم بین المللی
- ♦ حفظ وحدت و تفاهم
- ♦ توانایی های زبان ملی (فارسی) محلی، جهانی (عربی انگلیسی و ...)

رویکرد تربیتی

در تمامی جوامع از نهاد مدرسه انتظار می رود تا بتواند نسل نوجوان را برای ورود به جامعه آماده کند. در جهان پر شتاب کنونی این مهم به معنای تربیت انسانی برای آینده ای متمایز نیز هست. در جامعه ایرانی و باتوجه به تجربه پیشرو بودن آن در ایجاد یک انقلاب اسلامی در جهان، اجتماعی شدن دانش آموزان فارغ از رشد ادراکات سیاسی و درک ایشان از تولد جهانی جدید نخواهد بود. هنر مدرسه ایرانی آن است که در عین سادگی و در جریان زندگی دانش آموزان خود، بتواند بهترین دستاوردهای تربیتی را در ساحت سیاسی و اجتماعی رقم بزند.



پربار کردن زمان زندگی جاری دانش‌آموزان، به‌جای طراحی برنامه‌های متزاحم و متنوع اصلی‌ترین مسیر برای تربیت در این ساحت است. جذابیت و به‌تبع آن جوشش همکاری و همیاری دانش‌آموزان در تمامی برنامه‌های مدرسه یک اصل است و بدون آن دستیابی به هدف ناممکن است. به همین جهت تنظیم روابط با دانش‌آموز، میان دانش‌آموزان با یکدیگر، و روابط دانش‌آموزان با محیط پیرامونی خود، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. دانش‌آموزان در سنین نوجوانی علاقمند هستند تا به‌عنوان یک عضو در نهادهای اجتماعی مانند مدرسه و خانواده و یا در فعالیت‌های تشکیلاتی ایفای نقش نمایند. آموزش و تمرین مهارت‌های اجتماعی در مدرسه و به کمک مدرسه نیز تحقق این هدف را آسان‌تر خواهد کرد.

راهکارهای اجرایی این ساحت

لذا در این بخش سه راهکار اصلی در تربیت ساحت اجتماعی-سیاسی مرور خواهد شد:

۱. پرورش هویت نوجوان ایرانی
 ۲. تقویت روابط اجتماعی و فعالیت تشکیلاتی
 ۳. آموزش مهارت‌های اجتماعی.
- این راهکارها تا جای ممکن باید در همان فعالیت‌های روزمره مدرسه و در امتداد آن، ظهور و بروز پیدا کند و با رشد طبیعی خود به تمامی فعالیت‌های مدرسه رنگ و بوی ایرانی-اسلامی بدهد و دانش‌آموزان را برای زندگی اجتماعی در آینده آماده کند.

بخش اول: پرورش هویت نوجوان ایرانی

فرایند هویت‌یابی در دانش‌آموزان از یک ایده مرکزی به‌عنوان «محتوای هویت» و دو بخش «شور و شعور هویتی» تشکیل شده است. هویت از عوامل باثبات و سیال متنوعی شکل می‌گیرد. هویت در ابتدا شکل‌پذیر است و متناسب با افزایش سن و تجربه افراد، شکل‌یافته‌تر و تغییر آن دشوارتر می‌شود. عوامل مختلف زیستی، خانوادگی، اجتماعی، دینی و رویدادهای مختلف زندگی در شکل‌گیری هویت اثر جدی دارند؛ اما اغلب این ایده مرکزی است که مشخص می‌کند دیگر ویژگی‌های هویتی چگونه در کنار یکدیگر یک ساخت هویتی **منسجم** را تشکیل دهند. اگر ایده مرکزی به‌اندازه کافی سازمان‌دهنده نباشد هویت فرد شکل موزاییکی به خود خواهد گرفت. گاهی آن‌قدر عدم تناسب در عوامل تشکیل‌دهنده هویت زیاد می‌شود که می‌توان گفت فرد دچار یک بحران هویتی شده و نمی‌تواند خود را بشناسد یا با اعتمادبه‌نفس خود را عضو یک جامعه و هنجارهای آن بداند. حضور در جامعه‌ای که هیچ تعلقی نسبت به آن در خود احساس نمی‌کند، اغلب نتیجه چنین هویت‌یابی‌هایی است.

ایده محوری در هویت؛ دانش‌آموز مبارز، قوی و مقاوم

ایده مرکزی هویت دانش‌آموز در ایران اسلامی بی‌نسبت با مبارزه دائمی برای رشد و تعالی، کمک به مظلوم و ایستادگی در برابر ظلم نیست. این اصلی‌ترین بخش هویت اسلامی-ایرانی مردم



فلات ایران است که آن‌ها را در قرن‌های متمادی به یکدیگر متصل کرده و نحوه ارتباط ایشان را با دیگر اقوام مشخص نموده است. ایستادن در کنار فرودستان، ضُعبا و مظلومان و مقاومت در برابر ظالم و نپذیرفتن ظلم و عدم رضایت به شرایط فعلی و تلاش خستگی‌ناپذیر برای رشد و تعالی، ایده‌ای است که اگر در محور شخصیت دانش‌آموز ایرانی قرار گیرد می‌تواند او را به فردی با بینش نافذ و قوی و پرتلاش تبدیل کند. وجود این ایده محوری در هویت دانش‌آموز، او را دلبسته ادبیات مقاومت خواهد کرد. این دلبستگی برای ساخت شخصیت دانش‌آموزان از دو منبع تغذیه می‌نماید. نخست در حوزه بینش و دانش شعور دانش‌آموزان را ارتقا می‌دهد و دیگری در بخش روانی و احساسی شور او را برای حرکت و امید به آینده برمی‌انگیزد. با چنین هویتی دانش‌آموز مدام خود را برای حرکت بیشتر و سریع‌تر تجهیز می‌کند و از انرژی تعلق به چنین جامعه‌ای از خستگی و انفعال در تمامی ساحت‌های تربیتی پرهیز خواهد کرد.

لازمه اول رسیدن به هویت: ایجاد فهم تاریخی

در حوزه شعور هویتی آنچه از همه چیز برای دانش‌آموز جذاب‌تر است، شنیدن روایت کیستی ما است.

روایت تاریخ مبارزه انبیا با ظالمان، شناخت و عشق‌ورزیدن به انسان ۲۵۰ ساله، شنیدن قصه ایران در نبرد آخرالزمانی خود با شکل‌گیری انقلاب اسلامی (مبارزه، جنگ، مقاومت، پیشرفت و...)، شناخت ضعف و قوت‌های رقیب؛ از استعمار تا نبرد شکل‌گیری دوران جدید، همه‌وهمه از عناصر اصلی درون‌مایه شعور هویتی برای یک دانش‌آموز ایرانی است.

شناخت رژیم محتوایی دانش‌آموزان، ایجاد دسترسی به منابع خوش‌ساخت و مناسب اعم از کتاب و چندرسانه‌ای‌ها، وجود زبان مناسب در روایت و هدایت برای دستیابی به دانش لازم، در یک برنامه‌ریزی درهم‌تنیده با دیگر ظرفیت‌های مدرسه می‌تواند ما را در ساخت این بخش از هویت دانش‌آموزان موفق کند.

تجهیز کتابخانه‌ها، ایجاد فضای اکران، رویدادهای کنش‌گری دانش‌آموزان، استفاده از دروس مرتبط با دانش‌های هویت‌ساز و جهت‌دهی به دروس، اردوها و بازدیدها شکل اجرایی همین بخش از هویتیابی است. این دانش می‌تواند شورآفرینی کند و یا یک شورآفرینی درست می‌تواند دانش‌آموزان را به سمت این محتوا ترغیب کند.

لازمه دوم رسیدن به هویت: شور و هیجان مبارزه

یکی از مسیرهای اصلی ایجاد هویت در دوران نوجوانی «شوق جمعی» است که دانش‌آموز را با خود به‌پیش می‌برد و نخستین تعلقات آن‌ها را می‌سازد. موقعیت‌های بروز احساسات از اصلی‌ترین لحظات مؤثر برای این بخش از هویت‌سازی است. لحظات شکست، موفقیت، شادی، افسردگی و اندوه، همگی در این فرایند قابل‌اعتنا است. باید بتوانیم فرصت‌هایی برای بروز دسته‌جمعی این احساسات در مدرسه ایجاد کنیم. در پس این همراهی است که می‌توان به لحظه گفتگوی فردی و جمعی در مورد هویت افراد نزدیک شد. استفاده از بازی، ورزش، دوره‌می، برگزاری مراسم‌های دسته‌جمعی، رقابت



در کسب امتیازهای واقعی، کار مشترک، کمک به دوستان، کسب نقش‌های اجتماعی قابل‌اعتنا، لذت از خوراکی‌ها و مهمانی‌ها، تفریح دسته‌جمعی و بسیاری دیگر از این موارد می‌تواند ما را برای ایجاد شور و هیجان لازم یاری کند. حفظ سطح روحی دانش‌آموزان برای تلاش، و ارائه انگیزه‌های جدید برای مبارزه و پیمودن راه پیشرفت، نیازمند یک برنامه‌ریزی دقیق و عاقلانه است.

اغلب این قبیل برنامه‌ها، برای مدارس پر هزینه جلوه می‌کند؛ اما کمی سلیقه و مشارکت والدین و دانش‌آموزان، و استفاده از دارایی‌های در دسترس و نامشهود مدارس می‌تواند در اجرای موفق این نوع برنامه‌ها کمک‌کننده باشد. پس از گذشت یک دوره از اعتماد متقابل میان اولیای مدارس و دانش‌آموزان، اغلب این رویدادها می‌تواند به دست دانش‌آموزان و با نظارت مدرسه به انجام برسد. در بسیاری از این برنامه‌ها می‌توان برای تفریح و نشاط خانوادگی نیز زمینه‌سازی کرد.

این رویدادها برنامه‌ای برای جذب دانش‌آموز نیستند؛ بلکه خود بخشی اساسی از زندگی دانش‌آموز را تشکیل می‌دهند که در هویت‌یابی به او کمک خواهد کرد. در بسیاری از موارد ممکن است محتوای این رویدادها بر شور و ظاهر آن غلبه‌ای نداشته باشد، اما اصل ربط بهانه رویداد به هویت دانش‌آموز به‌مرور کارگر افتاده و باعث رونق و عمق این رویدادها نیز خواهد شد. ضمناً باید مراقبت کرد که این رویدادها به شادی و غم تصنعی و رسمی بدل نشود؛ چرا که در این صورت با یک صحنه تئاتر و نه یک رویداد اجتماعی شورانگیز روبرو خواهیم شد. نتیجه آن نه‌تنها به شور در مدرسه منجر نخواهد شد؛ بلکه به کاهش سطح انرژی و ایجاد گسل در ساخت هویتی دانش‌آموزان نیز خواهد انجامید.

بخش دوم: تقویت روابط اجتماعی و فعالیت تشکیلاتی

حضور دانش‌آموزان در یک فعالیت واقعی و جمعی به‌شدت بر روی تعمیق هویت ایشان و حرکت به سمت افق‌های بلندتر اثرگذار است. برکت ید واحده شدن از سویی و تمرین تعامل با جامعه پیرامونی از سوی دیگر می‌تواند آمادگی‌های ایشان برای ورود به جامعه را افزایش دهد. تمرین عبور از لحظه‌های پرچالش و شیوه هم‌راستا شدن برای پیروزی و تلاش برای بهتر شدن در رقابتی همیارانه، نتایجی است که اغلب در خارج از فعالیت‌های تشکیلاتی به دست نمی‌آید. فعالیت تشکیلاتی لزوماً به معنای ایجاد ساختاری در مدرسه توسط مدرسه و صرفاً برای عضویت دانش‌آموزان نیست. نمونه مناسب برای دانش‌آموزان، تشکیلاتی است که در شکل‌گیری ایده اولیه آن سهمیم باشند و با کمک خود آن را ایجاد کنند. همین فرایند از اصلی‌ترین بخش‌های حرکت دانش‌آموزان برای کنش‌گری جمعی است.

موضوع فعالیت در چنین تشکیلاتی نیز به طبع از الگوی فعالیت‌های نزدیک به فعالیت‌های روزمره و در دسترس شروع شده و به مسائل دورتر توسعه می‌یابد. فعالیت‌های درسی، ورزشی، برگزاری رویدادها و مراسم‌ها، کمک به محله یا همکاری با محل، بر عهده گرفتن مسئولیت‌های مدرسه به‌صورت جمعی از ابتدایی‌ترین شکل‌های این نوع تشکله‌ها است. هدف این بخش کمک برای تمرین زندگی اجتماعی و رشد و نمو دانش‌آموزان است.



شکل ظاهری تشکیلات می تواند انواع مختلفی از فعالیت ها اعم از اردوهای جهادی، هیئت مذهبی، انجمن علمی، فعالیت رسانه ای و تولید محتوا، گروه های هنری، کانون فرهنگی، بسیج، انجمن اسلامی، خیریه، فعالیت های امدادی و داوطلبانه، تیم ورزشی، یا کمک به حل آسیب های اجتماعی در محل را شامل شود. شرایط دانش آموزان و توانمندی اولیای مدرسه در هدایت دانش آموزان می تواند در انتخاب یکی از این گونه ها یا ترکیبی از آن ها اثرگذار باشد.

ظرفیت شکل های موجود در مدارس

در حال حاضر شکل هایی هم چون بسیج دانش آموزی، انجمن اسلامی دانش آموزان، و شورای دانش آموزی از اصلی ترین شکل ها در مدارس هستند. در کنار آن ها شکل هایی مانند هیئت مذهبی، هلال احمر، و پیشتازان گروه جهادی نیز وجود دارد. بسیاری از نکات گفته شده در بالا می تواند در زمینه همین شکل ها محقق شود، به شرط اینکه نقش دانش آموزان در آن ها واقعی باشد. برگزاری برنامه های ابلاغی، غلبه فضای رسمی و از بین رفتن صفای دانش آموزی تشکیلات، وابستگی و عدم استقلال دانش آموزان در این شکل ها، از عمده آفت های شکل های درون مدرسه است. با وجود چنین آفت هایی انتظار نمی رود که تشکیلات دانش آموزی به محیطی مناسب برای تمرین مدیریت روابط اجتماعی برای دانش آموزان بدل شود.

از کار گروهی تا کار تشکیلاتی

در مدرسه به نحوی باید عمل نمود که برای دانش آموزان با سلیق مختلف امکان فعالیت جمعی و تشکیلاتی فراهم شود تا هیچ یک از دانش آموزان از زمینه رشد نهفته در این فعالیت ها محروم نشوند. گاه شکل های مختلف مدرسه به محیط اختصاصی فعالیت چند دانش آموز فعال تبدیل می شود. انجام فعالیت های روزمره دانش آموزان در قالب فعالیت های گروهی در بازه های زمانی مشخص می تواند زمینه مناسبی برای تجربه کار تشکیلاتی برای همه دانش آموزان باشد. در صورت تدبیر صحیح می توان کلاس درس را نیز به یک تشکیلات بدل کرد و برای آن شأن تشکیلاتی قائل شد و از این طریق تمام دانش آموزان را در یک فرصت مشترک به کار و تلاش جمعی متمایل کرد.

هم چنین تنوع تأسیس شکل های متنوع دانش آموزی در حوزه های مختلف نیز به قدر وسع مدرسه و دانش آموزان توصیه می شود. در واقع کار تشکیلاتی در مدارس می تواند از گروه های موقت و مدت دار برای انجام برخی پروژه ها و انجام فعالیت های علمی، ورزشی و آموزشی تا شکل های دائمی دارای تنوع باشد و زمینه حضور دانش آموزان و فرصت رشد در فعالیت های تشکیلاتی را برای ایشان فراهم نماید. این نوع از فعالیت ها می تواند خلأ ناشی از کمبود نیروی انسانی مدارس را به ویژه در برخی از مشاغل را نیز پر نماید.

یکی از مسائل مهم در فرآیند شکل گیری و رشد گروه ها و تشکل های دانش آموزی مراقبت از میزان و شیوه و موضوع مداخله ی عوامل مدارس در این فرآیند است. ایجاد دغدغه، راهنمایی در نقاط بحرانی، انگیزه بخشی، و به رسمیت شناختن تشکل ها و گروه ها از مسیر سپردن مسئولیت به آن ها از جمله موارد مثبتی است که در عین حفظ استقلال این تشکل ها لازم و ضروری است.



از سوی دیگر باید از مداخله مکرر برای رفع نواقص خودداری کرد و اجازه داد تا تشکیلات پس از یک دوره زمانی، به رشد طبیعی و واقعی خود و دانش‌آموزان عضو کمک کند. در این مرحله مهم است که نه دانش‌آموزان را رها کنیم و نه با مداخله‌های متعدد باعث دلسردی و وابستگی آن‌ها شویم.

بخش سوم: آموزش مهارت‌های اجتماعی

مهارت‌های اجتماعی به مجموعه‌ای از قابلیت‌ها و توانایی‌های افراد گفته می‌شود که به آن‌ها اجازه می‌دهد تا در ارتباط با دیگران به خوبی عمل کنند. این مهارت‌ها شامل انواع مختلفی از رفتارها و توانایی‌ها است که در تعاملات روزمره و محیط‌های اجتماعی کاربرد دارند. این مهارت‌ها نقش بسیار مهمی در بهبود کیفیت زندگی اجتماعی افراد ایفا می‌کنند، چرا که به آن‌ها کمک می‌کنند تا در روابط و محیط‌های مختلف موفق‌تر عمل کنند. افرادی که مهارت‌های اجتماعی قوی دارند، معمولاً قادرند روابط متناسب با هر فرد و موقعیت را بهتر تشخیص بدهند، احساسات خود را بهتر مدیریت کنند و در موقعیت‌های مختلف به بهترین شکل ممکن عمل نمایند.

وجود مشکلات ارتباطی در میان دانش‌آموزان هم‌چون قلدری، ناهنجاری اجتماعی، کاهش اعتماد به نفس، روابط افراطی، مسائل پیرامون دوستی و دوست‌یابی، و مواردی از این دست اهمیت آموزش این مهارت‌ها در میان دانش‌آموزان را دوچندان می‌کند. در واقع توسعه این مهارت‌ها در ساحت تربیت اجتماعی یک ضرورت است. دستیابی به این مهم نیازمند تمرین و آگاهی است. با وجود محیطی مناسب در مدراس، دانش‌آموزان می‌توانند با استفاده از روش‌هایی مانند مشاهده، شبیه‌سازی، تمرین مداوم و دریافت بازخورد، مهارت‌های اجتماعی خود را تقویت کنند.

در مورد شیوه توسعه این مهارت‌ها در میان دانش‌آموزان مدارس دولتی، باید به دو نکته اساسی توجه کرد: اولاً اولیای مدارس باید آگاهی لازم از نحوه عملکرد و رشد این توانایی‌ها کسب نمایند؛ ثانیاً باید در میان برنامه‌های مختلف خود فرصت مناسب برای مواجهه، آموزش و تمرین این مهارت‌ها برای دانش‌آموزان خود فراهم نمایند.

امروزه موارد متعددی از مهارت‌ها ذیل مهارت‌های اجتماعی تعریف می‌شود؛ اما در این الگو صرفاً به اصلی‌ترین موارد پرداخته خواهد شد. افزایش این موارد متناسب با نیازهای مدارس و پس از کسب حداقل توانایی‌ها در مهارت‌های اصلی قابل توصیه است.

۵ مهارت معرفی شده در این سند شامل «گفتگو و ارتباط مؤثر»، «کار تیمی»، «حل مسئله»، «مدیریت تعارض»، و «دوستی و جوانمردی» می‌باشد.

مهارت گفتگو و ارتباط مؤثر

این مهارت به توانایی برقراری ارتباط مؤثر و متقابل با دیگران اشاره دارد و شامل انتقال افکار، احساسات و ایده‌ها به طرف مقابل و همچنین دریافت و درک نظرات اوست. گفتگو نه تنها به معنای تبادل اطلاعات است، بلکه به ایجاد روابط عمیق‌تر و فهم بهتر بین افراد کمک می‌کند.



احتمال بروز سوء تفاهم ها با برقراری ارتباط شفاف، کاهش می یابد. باعث ایجاد اعتماد و احترام متقابل و در نتیجه تقویت روابط می شود. و از طرف دیگر توانایی افراد در بیان نیازها و انتظارات را به وضوح افزایش داده به دانش آموزان اجازه می دهد تا بهتر بتوانند با یکدیگر همکاری و اهداف مشترکی را دنبال کنند.

برای رسیدن به این مهارت، چه باید کرد؟

اول. یکی از اولین اجزای این مهارت، شنیدن فعال است. شنیدن فعال به معنای توجه کامل و درگیر شدن در فرآیند گوش دادن به صحبت های دیگران است. این مهارت فراتر از شنیدن صرف صداها و کلمات است و شامل درک عمیق تر محتوا، احساسات و مقاصد گوینده می شود. شنونده باید تمامی حواس خود را معطوف به گوینده کند و از حواس پرتی ها دوری کند. با «زبان بدن مناسب»، «ارتباط چشمی» و «نشانه های غیرکلامی» آشنا شده و برای نشان دادن توجه و علاقه به صحبت های گوینده، به موقع از آن روش ها استفاده کند. با بیان مجدد یا خلاصه نکات کلیدی که گوینده مطرح کرده است، به او اطمینان دهد که پیامش را به درستی درک کرده است. و در موارد مورد نیاز با طرح سؤالاتی به روشن تر شدن ابعاد گفته های گوینده کمک می کند.

دوم. از دیگر اجزای مهارت گفتگو فکر کردن قبل از صحبت کردن است. سنجیده سخن گفتن و تفکر قبل از بیان نظرات، به حفظ احترام در گفتگو کمک می کند و از پشیمانی و ایجاد سوء تفاهم ها جلوگیری می کند. به طرف مقابل یک گفتگو هم احساس حضور مفید در یک گفتگو را القا می کند. نحوه برنامه ریزی یک گفتگو و آماده کردن پیام های اصلی و پیش بینی نوع پاسخ ها می تواند در این مورد کمک کننده باشد.

سوم. روشن و مختصر صحبت کردن نیز از اصلی ترین اجزا در مهارت گفتگو است. انتقال پیام به صورت واضح و مختصر باعث می شود تا طرف مقابل به راحتی متوجه منظور شما شود. وقتی اختصار رعایت نشود، شنونده در انبوهی از پیام های غیرمرتبط نسبت به پیام اصلی گوینده دچار سردرگمی خواهد شد.

چهارم. تعادل در گفتگو هم در جنبه شنیدن و هم در سخن گفتن اهمیت خاص دارد. با مهارت گفتگو اجازه دهید دیگران هم صحبت کنند. پرحرفی، پریدن در میان صحبت دیگران و یا قضاوت زودهنگام قبل از پایان مطالب گوینده، مانع از شنیدن نظرات دیگران شده و گفتگو را به امری اجباری، خسته کننده یا بی فایده برای آن ها تبدیل خواهد کرد.

پنجم. از اجزای مهارت گفتگو حفظ فضای مثبت و برخورد دوستانه در گفتگو است. ابراز تشکر و قدردانی، شناخت موقعیت مکانی و عاطفی شنونده برای بیان مطالب منفی یا حتی مثبت، حفظ کرامت انسانی افراد، و پرهیز از بیان مواردی که فقط برای خنک کردن دل گوینده ابراز می شوند، در این بخش قابل اشاره است. همدلی کردن در هنگام گفتگو و حفظ حرمت شنونده در ایجاد یک گفتگو و ارتباط مؤثر بسیار حائز اهمیت است.

ششم. در اجزای مهارت گفتگو باید به انتخاب ابزار گفتگو یا رسانه ای انتقال پیام به شنونده و



وضوح و دقت کلمات و گفته‌ها توجه داشت. این‌که کدام حرف تلفنی یا حضوری یا با واسطه زده شود و از کدام کلمات بدون کنایه و ایهام استفاده شود. و یا چه مقدار از اغماض و تغافل در کلمات برای پرده‌پوشی و بیان موضوع در لفافه استفاده شود در این مهارت مورد توجه قرار می‌گیرد.

مهارت کار تیمی

کار تیمی در مدرسه به معنای تلاش همدلانه و هماهنگ گروهی از دانش‌آموزان برای رسیدن به یک هدف مشترک است. این فرآیند می‌تواند شامل برگزاری رویدادها و مراسم‌ها، انجام پروژه‌ها، فعالیت‌های علمی و ورزشی، وظایف روزمره یا هر نوع همکاری دیگری باشد که نیازمند تعامل و ارتباط بین اعضای تیم است. کار تیمی مؤثر می‌تواند به افزایش بهره‌وری و کارایی دانش‌آموزان و کل مدرسه کمک کند؛ زیرا اعضای تیم با استفاده از مهارت‌ها و تخصص‌های مختلف خود، نتایج بهتری را تولید می‌کنند. همچنین همکاری در یک تیم باعث ایجاد روابط عمیق‌تر و اعتماد بین اعضا می‌شود که این امر به نوبه خود می‌تواند منجر به موفقیت‌های بیشتر و ایجاد محیطی مناسب‌تر برای تلاش اعضای مدرسه ایجاد کند. کار تیمی امکان بررسی مسائل، از زوایای مختلف را فراهم می‌آورد و دانش‌آموزان می‌توانند با هم‌فکری، راه‌حل‌های خلاقانه‌تری برای مشکلات و مسائل خود و مدرسه پیدا کنند و از این راه حس امیدواری در مدرسه رشد خواهد کرد.

تفاوت کار تیمی و کار گروهی

اغلب در مدارس، کار تیمی با کار گروهی یکسان تلقی می‌شود و دلیل اصلی آن نیز یکی دانستن تیم دانش‌آموزی با گروه دانش‌آموزی است.

تیم و گروه دو مفهوم مهم در کار با دیگران هستند که اغلب به اشتباه به جای یکدیگر استفاده می‌شوند. با این حال، تفاوت‌های کلیدی بین این دو وجود دارد. گروه به مجموعه‌ای از افراد اطلاق می‌شود که برای انجام یک کار یا وظیفه مشترک گرد هم آمده‌اند، اما هر یک از اعضا به صورت مستقل عمل می‌کنند. اعضای گروه ممکن است اهداف و مسئولیت‌های متفاوتی داشته باشند و تعاملات آن‌ها بیشتر به تبادل اطلاعات محدود است. در واقع، هر فرد در گروه مسئولیت‌های خود را بدون وابستگی به دیگران انجام می‌دهد. اما تیم، بر خلاف گروه، شامل افرادی است که برای دستیابی به یک هدف مشترک به صورت هماهنگ و سازمان‌یافته کار می‌کنند. اعضای تیم معمولاً دارای مهارت‌های مکمل هستند و برای موفقیت تیمی، همکاری و هماهنگی بیشتری دارند. در تیم، هر فرد نقش خاصی دارد و مسئولیت‌ها به صورت مشترک تقسیم می‌شود. تیم‌ها معمولاً برای فعالیت‌های پیچیده‌تر و نیازمند همکاری نزدیک‌تر مناسب هستند، در حالی که گروه‌ها اغلب برای وظایف ساده‌تر یا مستقل‌تر به کار می‌روند.

از اجزای مهارت کار تیمی می‌توان به قدرت تعیین و درک هدف مشترک در کارها، مسئولیت‌پذیری نسبت به یکدیگر، تقسیم وظایف و درک توانایی‌ها برای یافتن بهترین نقش در یک تیم، گذشت از تعارضات، ایجاد احترام و اعتماد متقابل، تلاش برای هم‌کاری و هم‌فکری و پرهیز از تکیه‌روی، وقت‌شناسی و برنامه‌ریزی مشترک، و ارائه بازخورد به هم‌تیمی‌ها اشاره کرد.



مهارت حل مسئله

۶۴

مدیریت آینده ساز

مهارت حل مسئله عبارت است از یک فرایند آگاهانه، منطقی و هدفمند که در آن فرد سعی می کند با شناسایی علل یک مشکل، راه حل های مناسب را پیدا کند. این مهارت شامل مراحل مختلفی است که به فرد کمک می کند تا از طریق تفکر تحلیلی و خلاق، به بهترین نتیجه دست یابد. دانش آموزانی که توانایی حل مسئله دارند، می توانند به سرعت و به طور مؤثر مشکلات خود را شناسایی و برطرف کنند. تسلط بر این مهارت باعث می شود در مواجهه با چالش ها اعتماد به نفس و احساس قدرت بیشتری داشته باشند. مهارت حل مسئله به دانش آموزان کمک می کند تا گزینه های مختلف را تحلیل کرده و بهترین تصمیم را اتخاذ کنند.

فرآیندهای حل مسئله را اغلب در شش مرحله خلاصه می کنند:

۱. تعریف و شناسایی مسئله: در این مرحله، فرد باید مشکل را به وضوح شناسایی کند و علل احتمالی آن را درک کند.

۲. جمع آوری اطلاعات: بررسی داده ها و اطلاعات مرتبط با مشکل برای درک بهتر آن.

۳. ایجاد گزینه ها: تولید راه حل های مختلف برای رفع مشکل.

۴. تحلیل گزینه ها: ارزیابی هر یک از گزینه ها برای تعیین بهترین راه حل.

۵. انتخاب بهترین راه حل: انتخاب گزینه ای که بیشترین تأثیر مثبت را دارد.

۶. اجرا و ارزیابی: پیاده سازی راه حل انتخاب شده و بررسی نتایج آن برای اطمینان از مؤثر بودن

برای انجام بهتر این شش مرحله باید مهارت مناسبی در حل مسأله کسب نمود. از اجزای این مهارت می توان به خلاقیت، تفکر منطقی، تصمیم گیری و هوش هیجانی اشاره کرد. در این جا منظور از خلاقیت، توانایی تفکر نوآورانه برای پیدا کردن راه حل های جدید است که از طریق روش هایی مانند طوفان فکری، تفکر گروهی، تغییر زاویه دید، طوفان فکری معکوس، تفکر پراکنده، شش کلاه تفکر، و دیگر روش های خلاقیت انجام می شود.

برای بهبود هوش هیجانی در حل مسئله، می توان از روش ها و تکنیک های مختلفی استفاده کرد که به افراد کمک می کند تا احساسات خود و دیگران را بهتر شناسایی و مدیریت کنند. این مهارت ها به نوبه خود می توانند تأثیر مثبتی بر فرآیند حل مسئله داشته باشند. خودآگاهی، شناخت عواطف و احساسات و منشأ شکل گیری آن ها، مدیریت خود، کنترل هیجانات، توسعه انضباط شخصی، آگاهی اجتماعی، درک احساسات دیگران، پیش بینی واکنش ها، همدلی و همراهی، مدیریت روابط، مشارکت در کارهای گروهی، حل تعارضات، تلاش برای حل مسائل به چند طریق مختلف، و دریافت بازخورد از دیگران بهترین راه ها برای ارتقاء هوش هیجانی دانش آموزان برای فرآیند حل مسأله است.

برای ارتقاء قدرت تصمیم گیری نیز می توان از روش هایی چون محدود کردن گزینه ها، تهیه فهرست مزایا و معایب برای هر تصمیم، ایجاد محدودیت زمانی برای هر تصمیم گیری برای پرهیز از وسواس فکری، نگاه به تصمیم ها به عنوان شخص بی طرف، استفاده از قانون ده، مدیریت اضطراب از طریق روش های ذهنی، فیزیکی و مرور منطقی، دریافت مشورت از دیگران، و بررسی



تجربیات موفق و ناموفق گذشته استفاده کرد.

در تقویت تفکر منطقی نیز از ابزارهای مختلفی هم‌چون بازی‌های فکری، معماها، بحث‌های منطقی و حتی تحلیل داستان‌ها می‌توان استفاده کرد. تمامی این روش‌ها کمک خواهد کرد تا مهارت حل مسأله در دانش‌آموزان رشد پیدا کند.

مهارت مدیریت تعارضات

مهارت مدیریت تعارضات به توانایی شناسایی، تحلیل و حل اختلافات بین افراد یا جمع‌ها اشاره دارد. این مهارت به ویژه در محیط‌های اجتماعی اهمیت دارد؛ زیرا تعارضات می‌توانند به کاهش بهره‌وری، ایجاد استرس و تنش در روابط منجر شوند. مدیریت مؤثر تعارض نه تنها به حل مشکلات کمک می‌کند، بلکه می‌تواند فرصتی برای رشد و تقویت روابط نیز باشد. در واقع، مدیریت تعارض فرآیندی است که شامل شناسایی علل اختلاف، ارزیابی گزینه‌ها و اجرای راه‌حل‌ها به صورت منصفانه و کارآمد است.

یکی از جنبه‌های کلیدی مدیریت تعارض، درک این نکته است که تعارض به خودی خود منفی نیست. در بسیاری از موارد، تعارض می‌تواند به عنوان یک محرک برای تغییرات مثبت و رشد دانش‌آموزان عمل کند. با این حال، شیوه برخورد با این تعارضات تعیین می‌کند که آیا نتیجه نهایی مثبت خواهد بود یا منفی. بنابراین، دانش‌آموزان باید مهارت‌های لازم برای مدیریت تعارض را توسعه دهند تا بتوانند از این موقعیت‌ها به نفع خود استفاده کنند.

فرآیند مدیریت تعارض

فرآیند مدیریت تعارض شامل چندین مرحله است که می‌توان آن‌ها را به چهار بخش اصلی تقسیم کرد: شناسایی، تجزیه و تحلیل، انتخاب راه‌حل و اجرای آن.

مرحله اول. لازم است علل اصلی تعارض شناسایی شوند. این شامل بررسی نیازها، اهداف، و دیدگاه‌های مختلف طرفین است.

مرحله دوم. تجزیه و تحلیل راه‌حل‌ها: باید گزینه‌های ممکن برای حل تعارض مورد بررسی قرار گیرند و مزایا و معایب هر یک ارزیابی شود. انتخاب سبک مناسب برای حل تعارض نیز بسیار مهم است. سبک‌های مختلفی وجود دارد که می‌توان از آن‌ها استفاده کرد. از جمله همکاری، رقابت، سازش، اجتناب و سازگاری. انتخاب سبک مناسب بستگی به نوع تعارض، اهمیت موضوع و روابط بین طرفین دارد. برای مثال، در برخی موارد ممکن است همکاری بهترین گزینه باشد تا همه طرفین احساس کنند که نیازهایشان مورد توجه قرار گرفته است.

مرحله سوم. در نهایت، اجرای راه‌حل انتخاب شده و ارزیابی نتایج آن نیز جزء مهمی از فرآیند مدیریت تعارض است. پس از پیاده‌سازی راه‌حل، باید نتایج بررسی شوند تا اطمینان حاصل شود که مشکل حل شده است و هیچ عواقب منفی دیگری ایجاد نشده است. با یادگیری و تمرین مهارت‌های مدیریت تعارض، دانش‌آموزان می‌توانند روابط اجتماعی خود را تقویت کرده و محیط‌های سالم‌تر و مؤثرتری ایجاد کنند.



مهارت فتوت و جوانمردی

۶۶

مدرسه آینده ساز

از جمله ویژگی ها و مهارت های اجتماعی قابل توجه نزد ما ایرانیان فتوت و جوانمردی است. با حضور اسلام در ایران این ویژگی پر و بال بیشتری نیز به خود گرفت و حقیقت «لا فتی الا علی لا سیف الا ذوالفقار» آن را به اوج خود رساند. مهارت جوانمردی که گاه به عنوان یک ویژگی اخلاقی مطرح می شود، پدیده ای به شدت اجتماعی است و در روابط اعضای جامعه ظهور و عینیت پیدا می کند و از این رو می توان از آن به عنوان یک مهارت اجتماعی ایرانی-اسلامی یاد کرد. این مهارت مانند دیگر مهارت های اجتماعی برای دختران و پسران فضیلت شمرده می شود. مروت و جوانمردی اگرچه در برهه هایی با ویژگی های مردانه ای همچون پهلوانی و زورمندی درهم آمیخته، اما به گواه تاریخ و نگاه اسلامی مهارت و ارزشی است مطلق که زنان و مردان در دستیابی به آن فخر می کنند.

راهکارهای کسب این مهارت

برای توسعه مهارت فتوت و جوانمردی چند راهکار اساسی وجود دارد:

نخست. تقویت پیمان های مبتنی بر فتوت و جوانمردی: دانش آموزان در این کار برای ترویج یا انجام یک نیکی، یا اصلاح یک زشتی، هم قسم می شوند. تقویت اراده در نتیجه مشاهده تلاش دیگران، انرژی ناشی از جمع گرایی، مشارکت و هم یاری در ایجاد محیطی مثبت و امن از جمله عواملی است که باعث تقویت و تداوم روح جوانمردی در دانش آموزان می شود.

دوم. ترویج حرکت های داوطلبانه: در این روش لازم است تا اولیای مدارس موقعیت های ممکن برای حرکت داوطلبانه را به دانش آموزان عرضه کنند. در مدارس فرصت های پنهان و متنوعی وجود دارد که کمک می کند تا فتوت و جوانمردی در دانش آموزان رشد کند. کمک به رشد درسی دانش آموزان ضعیف یا پایه های قبل، همکاری در فعالیت های اجرایی مدرسه، ایجاد نظم، جلوگیری از بروز موقعیت های قلدری میان دانش آموزان، از جمله این فرصت ها است. با کمی خلاقیت دریایی از این فرصت ها را می توان ایجاد یا کشف کرد.

سوم. روایت های تاریخی از مشاهیر جوانمردی: این داستان ها و کتاب ها به شرط روایت گیرا، اغلب مورد اقبال دانش آموزان نیز هست. داستان های مولانا امیرالمومنین علی علیه السلام، زندگی معصومین علیهم السلام، زندگی نامه شهیدان والامقام و مصلحان بزرگ تاریخ ایران و اسلام سرشار از این روایت ها است.

چهارم. ایجاد فرصت نقش آفرینی: این نقش آفرینی در نسبت با ظالم و مظلوم در اتفاقات جهان پیرامون دانش آموز است. از مسائل مدرسه و محله گرفته تا واکنش به ظلم تاریخی در حق مسلمانان مظلوم فلسطین در این دایره قرار می گیرد. بی تفاوت نبودن نسبت به محیط اطراف و تمرین مداوم آن اندک اندک روحیه فتوت را در دانش آموزان رشد خواهد داد.



ظرفیت‌های مدرسه در ساحت سیاسی-اجتماعی

در تربیت چند ساحتی توجه به یک نکته بسیار اساسی است: «تربیت چند ساحتی» به معنای جمع جبری فعالیت‌های متنوع تربیتی در ساحت‌های مختلف نیست؛ بلکه به معنای توجه به همه ابعاد تربیت در همان زندگی پربار دانش‌آموزان در سنین تربیت است. مهارت‌ها، ویژگی‌ها و مسیرهای تربیتی ذکر شده در بخش‌های قبل بیش از آن‌که نیازمند به تعریف فعالیت‌های جدید در مدرسه باشد، نیازمند بازتعریف ظرفیت‌های تربیتی در برنامه‌های موجود در مدرسه است. تنها در اندک مواردی به دلیل کمبود فعالیت‌های دانش‌آموزی در یک مدرسه ممکن است نیاز به بازتعریف یک برنامه و فعالیت جدید باشد. تربیت در ساحت سیاسی-اجتماعی بیش از دیگر ساحت‌ها بر این اصل استوار است. در واقع تربیت در ساحت سیاسی-اجتماعی بیش از آنکه یک برنامه جدید در مدرسه باشد، روح و محتوایی است که در برنامه‌های مرسوم مدارس دولتی قابل دمیدن است.

در ادامه به برخی از همین برنامه‌های جاری مدرسه اشاره خواهیم کرد:

مناسبت‌ها و مراسم‌ها

یکی از بهترین زمینه‌ها برای کشف ظرفیت دانش‌آموزان، برنامه‌ها و مراسم‌هایی است که در تمامی مدارس دولتی برگزار می‌شود. برگزاری مراسم‌ها می‌تواند فرصتی برای ایجاد زمینه برای نقش آفرینی دانش‌آموزان، ارائه محتواهای مورد نظر، درک اقبال و ادبار دانش‌آموزان به انواع فعالیت‌ها و از همه مهم‌تر ایجاد فضای غیر رسمی برای برقراری روابط جدید باشد. با ارتقاء کیفیت و کمیت فعالیت‌ها در این بخش، علی‌الخصوص با تکیه بر نیروی انسانی دانش‌آموزان به مرور زمان می‌توان به تأسیس هیأت مذهبی یا برخی گروه‌ها و تیم‌های دانش‌آموزی در مدرسه نزدیک‌تر شد. یک مراسم از طراحی و اجرا تا تهیه گزارش و بازتاب آن، نقش‌های متعددی را در خود جای داده است که قابل واگذاری به دانش‌آموزان است. شاید تجربه‌های نخست در این مسیر با شکست‌هایی روبرو شود؛ اما اصل اساسی در این نحوه برگزاری مراسم‌ها، «رشد و تربیت» دانش‌آموزان در ساحت سیاسی-اجتماعی است. در اولین تجربه‌های استفاده از این ظرفیت، بیش از برگزار کردن یک مراسم خوب، باید بر روی نتایج رشد دانش‌آموزان از طریق برگزاری مراسم‌ها تمرکز کرد. به تجربه ثابت شده است که با تکیه بر ظرفیت دانش‌آموزان، پس از مدتی از زحمت اجرایی مدرسه در برگزاری مراسم‌ها کاسته شده و بر کیفیت مراسم‌ها نیز افزوده خواهد شد. وقتی کارکرد مراسم از یک کار اجرایی به فعالیتی تربیتی توسط دانش‌آموزان بدل شود، تلاش اولیای مدرسه نیز بر روی بازتعریف چالش‌های جدید و گام به گام برای دانش‌آموزان و ایجاد فرصت حضور دانش‌آموزان، بیشتر در فرآیندهای برگزاری مراسم‌های مدرسه تبدیل خواهد شد.



قرارگاه نماز و نمازخانه

۶۸ احیای نمازخانه مدارس، مسیری آسان برای رشد سیاسی-اجتماعی دانش آموزان است. یکی از ویژگی های اصلی نمازخانه برگزاری روزانه نماز در آن است. این فرصتی بزرگ برای مداومت در برگزاری یک دوره می ساده برای اعضای یک مدرسه است. با این نگاه می توان فرصت نماز و محیط نمازخانه مدرسه را به یک قرارگاه اجتماعی-سیاسی بدل کرد.

ظرفیت ها:

اول. اولین ظرفیت نمازخانه حفظ وحدت و همبستگی در مدرسه است. حضور معلمان، معاونین و مدیر مدرسه از اصلی ترین اقدامات برای رسیدن به این حس است. پخش اذان، فرصت اذان دسته جمعی، انتخاب سرود یا یک هم نوایی دلنشین اختصاصی نمازخانه مدرسه، اعلام خبرهای خوب و مورد علاقه و دیگر ابتکارات می تواند این ویژگی نمازخانه را تقویت کند.

دوم. از دیگر امکان های موجود در نمازخانه فرصت رشد مسئولیت پذیری دانش آموزان است. تقسیم وظایف، ایجاد گروه های رسیدگی به مسائل نمازخانه، ساماندهی به وضعیت برگزاری نماز توسط خود دانش آموزان و مواردی از این دست در همین قسمت قابل تعریف است. در نمازخانه ها، دانش آموزان می توانند مسئولیت هایی مانند نظافت، ترتیب دادن فضا و برگزاری برنامه های فرهنگی را بر عهده بگیرند. این فعالیت ها به آن ها کمک می کند تا حس مسئولیت پذیری را در خود تقویت کنند و یاد بگیرند که چگونه به دیگران خدمت کنند. این تجربه ها می تواند زمینه ساز رشد شخصیت اجتماعی آن ها باشد.

سوم. نمازخانه فرصت گفتگوی همه اعضای مدرسه در کنار هم را نیز فراهم می کند. گاه برخی از مسائل را در نمازخانه به گفتگو بگذارید، پیشنهادهای دانش آموزان را بشنوید و به فراخور، زمینه شکل گیری برخی فعالیت ها و ایده های جدید در مدرسه را فراهم کنید. گاهی مشکلات و نیازمندی های مدرسه را که می تواند به دست دانش آموزان حل شود، در این فرصت مطرح نمایید. ایجاد فرصت گفتگو و تمرین تصمیم گیری جمعی با حضور دانش آموزان فرصت مغتنمی برای رشد آن ها خواهد بود. گاه می توان حل برخی تعارضات را در چنین جلساتی تمرین کرد. انتخاب موضوع و نحوه طرح آن از اصلی ترین بخش های استفاده از این ظرفیت در مدارس است. پس از مدتی که چنین تمرینی در مدرسه تثبیت شد می توان با هماهنگی مسجد نزدیک به مدرسه، آن را در محله نیز جاری ساخت و زمینه بزرگتری برای رشد دانش آموزان فراهم کرد. این امکان، نیازمند حرکت گام به گام و صبر برای رشد اجتماعی دانش آموزان است.

روح نمازخانه به ویژگی نماز در ارتقاء اخلاقی و معنوی دانش آموزان گره خورده است. این موقعیت فرصتی برای تقویت پیوندهای ایمانی و پیمان های اخلاقی میان دانش آموزان است. یادآوری وفاداری ها و پیمان های اخلاقی و اجتماعی بزرگان و گذشتگان شروع مناسبی برای ایجاد روح چنین تعهداتی در دانش آموزان است. هم چنین نمازخانه می تواند محلی برای نمایش چنین پیمان هایی باشد که توسط گروه هایی از دانش آموزان به نتیجه رسیده است. بین دو نماز فرصت خوبی برای اعلام موجودیت چنین قرارهایی در بین دانش آموزان است. برخی از این اقدامات می تواند موجب تقویت روحیه جوانمردی در میان باقی افراد نیز بشود.

حیاط، ورزش و محوطه‌های بازی

روح هیجان، بازی و تکاپوی جسمی با دانش‌آموزان عجین است. حیاط مدرسه، محوطه‌های بازی و زنگ تفریح و ورزش، زمان و مکان‌هایی برای بهتر دیدن این روح پرنشاط است. بسیاری از تعاملات دانش‌آموزان اعم از قهر و آشتی‌ها، رفاقت‌ها و رقابت‌ها، تحقیر و تفاخرها در همین حوالی رخ می‌دهد. اگر می‌خواهید تربیت در ساحت اجتماعی را به پیش ببرید نمی‌توانید این موقعیت‌های مکانی و زمانی را نادیده بگیرید. پس به جای تعریف فعالیت‌های جدید، برنامه تربیتی خود برای این محیط‌های اجتماعی را طراحی نمایید.

قوانین و فرآیندهای درون بازی‌ها می‌تواند بخش‌های مختلفی از توانایی‌های اجتماعی افراد را رشد دهد. با تغییرات کوچک در برخی از بازی‌ها یا ایجاد امکان انجام برخی بازی‌های جدید می‌تواند فرصت ارتقای مهارت‌های اجتماعی را برای دانش‌آموزان فراهم کرد. هم‌چنین یکی از ویژگی‌های بازی تمثیل پذیر بودن آن است. از این فرصت برای درونی کردن بسیاری از مفاهیم ارزشی می‌توان بهره‌برد.

هم‌چنین فعالیت‌های تیمی زیادی در بخش تفریح و ورزش مدارس قابل تعریف است. در محیط بازی و ورزش امکان حضور طیف گسترده‌تری از دانش‌آموزان در فعالیت‌های تیمی وجود دارد. برای ارتقای روح همکاری، رقابت جوانمردانه، و برنامه‌ریزی گروهی می‌توان از محیط بازی استفاده کرد.

کتابخانه

در نگاه اول کتابخانه محیطی ساکت برای استفاده انفرادی از منابع در دسترس آن است. اما با نگاهی دوباره می‌توان از کارکردهای اجتماعی آن و از انبوه داشته‌های محتواییش برای رشد هویت و مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان استفاده کرد. استخراج محتوا از کتابخانه به مثابه یک معدن دانش را می‌توان به تیم‌های دانش‌آموزی واگذار کرد. رقابت تیم‌ها برای کشف یک راز تاریخی از میان منابع محدود، گفتگو در مورد یک داستان، تلاش تیمی برای بصری سازی یا تولید یک اثر چند رسانه‌ای بر پایه یک کتاب، و دیگر فعالیت‌ها با محوریت کتاب و کتابخانه در مدارس با هر سطح از امکانات کتابخانه‌ای قابل تعریف است.

اردو

یکی دیگر از برنامه‌های مدارس برگزاری اردو است. اردو با مفهوم سفر عجین شده‌است اما مقصد آن می‌تواند خود مدرسه باشد؛ آنچه اردو را اردو می‌کند، زاویه نگاه اولیای مدرسه و تلاشی است که برای طراحی اردو انجام می‌دهند. اردو می‌تواند آغاز یک راه تربیتی باشد یا می‌تواند آخرین حلقه از یک برنامه‌ریزی تربیتی را شکل دهد. اردو به دلیل فضایی متفاوت از روزمرگی‌های مرسوم، می‌تواند مسیرها و مؤلفه‌های اجتماعی-سیاسی جدید و متنوعی را پیش روی مخاطبان خود



قرار دهد. آنچه بیش از امکانات اردو را به یک رویداد بی نظیر برای رشد دانش آموزان بدل می کند، ذهن فعال طراحان اردو است. متأسفانه فرصت استثنایی اردو برای تربیت سیاسی-اجتماعی دانش آموزان، به دلیل تصویری که از هزینه های آن وجود دارد مورد غفلت قرار می گیرد. بیشتر تلاش برگزار کنندگان اردوها معطوف به بخش های سخت افزاری و تفریحی آن می شود و از نتایج تربیتی آن غفلت می شود. بیاید بار دیگر به اردو نگاه کنیم و از آن برای تکمیل تربیت دانش آموزان در ساحت سیاسی-اجتماعی بهره ببریم. برای آشنایی بیشتر با رویکردها مختلف طراحی و اجرای اردوها به جلد نخست کتاب «اردو، ماجرایی من است» مراجعه نمایید.

فضای حاکم بر مدرسه

استفاده از تمامی ظرفیت های در دسترس برای تربیت در ساحت سیاسی و اجتماعی مستلزم ایجاد فضایی جدید در مدرسه است. تربیت در ساحت سیاسی و اجتماعی بیش از آن که از تکه فعالیت های مختلف تغذیه کند، متأثر از فضای عمومی مدرسه است. عدم اعتقاد قلبی به اقدامات طراحی شده منجر به نتیجه عکس خواهد شد. اگر روح کرامت و احترام و آزادی در مدرسه برقرار باشد ولو با حضور سازهای ناهماهنگ، مدرسه باز می تواند نتایج قابل توجهی را به دست آورد. در مقابل در صورت غلبه روح اجبار و تقلید، حتی اگر تمامی ارکان مدرسه در انتقال یک فضیلت یا مهارت اجتماعی متفق شوند، دسترسی به نتیجه محل تردید خواهد بود. هم چنین هماهنگی میان برنامه ها و فعالیت های طراحی شده برای موفقیت یک مدرسه در تربیت اجتماعی و سیاسی دانش آموزان بسیار مهم است. به روح مشترک میان تمامی فعالیت ها توجه نمایید. مراقب باشید که بخش های نادیده مدرسه اگر در هماهنگی با طراحی های انجام شده نیست لااقل در تضاد با آن ها نباشد. فضای حاکم میان کارکنان و معلمان بر فضای اجتماعی مدرسه اثر جدی دارد.

اهداف مدرسه در ساحت سیاسی و اجتماعی را به شکل های مختلف با معلمان در میان بگذارید تا به فراخور مؤید مدرسه در کلاس های درس باشند. معمولاً در مدارس دولتی نمی توان همه همکاران را متناسب با خواسته مدیران انتخاب کرد. احترام، هم دلی و حفظ کرامت افراد در همراهی و هماهنگی سرمایه های انسانی مدارس نقش بسزایی دارد. بخشی از مدرسه می بایست برای شکل دادن به فضای تربیتی لازم نقش پدری برعهده بگیرد و در چالش های فردی و اجتماعی اعضای مدرسه به قدر وسع تلاش کند. این اقدامات منجر به ایجاد همگرایی و یکپارچگی در مدرسه خواهد شد، و این دستاورد بزرگی برای موفقیت در یک مدرسه است؛ چرا که یکی شدن سلايق و اندیشه ها انتظار نابجایی از محیط های اجتماعی است.

ساحت زیبای شناختی و هنری

اهداف این ساحت در دوره متوسطه اول

۱. با بکار گیری اصول زیبایی شناسی و ارزشی، محیط زندگی خود را تغییر دهد و تأثیر آن را در بهبود کیفیت زندگی و دستیابی به آرامش روحی و روانی ارزیابی کند.
۲. با بهره گیری از قدرت تخیل، تجسم و ایده پردازی خود، اثر فرهنگی هنری خلق کند و ابعاد زیبایی شناسی آن را توصیف نماید.
۳. با انتخاب آثار فرهنگی هنری، آنها را بر مبنای اصول زیبایی شناسی و ارزشی بررسی و تأثیر آن را بر هویت خویش توصیف کند.

حدود و قلمرو ساحت تعلیم و تربیت زیبا شناختی و هنری

- ♦ بخشی از جریان تربیت رسمی و عمومی
- ♦ ناظر به رشد قوه خیال و پرورش عواطف، احساسات و ذوق زیبایی شناختی متربیان
- ♦ توان درک موضوعات و افعال دارای زیبایی (مادی یا معنوی)
- ♦ توان خلق آثار هنری
- ♦ قدردانی از آثار و ارزش های هنری

نگاه تربیتی به برنامه های این ساحت

- این ساحت از جنبه های مختلف قابل تبیین است؛ و به صورت کلی بنای اشاره به ۴ مورد متمایز در نسبت میان تربیت دانش آموزان و هنر و زیبایی را دارد:
- ♦ پرداختن به توانایی مشاهده زیبایی و لطافت و بهره برداری از این موهبت در اصلاح سبک زندگی
 - ♦ ایجاد مهارت خلق اثر هنری
 - ♦ ارتقاء بصیرت هنری (درک اثر هنری و ویژگی های ارزشی آن)
 - ♦ خلق فضاها و محیط های زیبا در مدرسه
 - ♦ در ادامه به شیوه پردازش هر کدام از این موارد در فرایند تربیت دانش آموزان خواهیم پرداخت.



۱. توانایی مشاهده زیبایی و لطافت

۷۲

مدرسه آینده ساز

یکی از اصلی ترین ارکان این بخش، احیاء و ارتقاء قدرت زیبایی در نوجوان است. صیانت از لطافت های روحی از اصلی ترین مسیرهای دستیابی به قدرت زیبا بینی است. روح انسانی به لطف آفریدگار خود، صاحب این موهبت است و اولین اقدام مراقبت از این گنجینه در درون انسان است.

اقدام بعدی پرورش و تمرین این نوع نگاه در میان آدمی است. «زندگی با کسانی که این نعمت بزرگ را در خود پرورش داده اند» برای هر دو اقدام صیانتی و رشدی بسیار مفید است. این زاویه نگاه با حضور چنین افرادی مانند یک بوی خوش در محیط تربیتی مدرسه پراکنده شده و مزاج دانش آموزان را به آن آشنا می کند و ضمن احیاء درونی این نعمت، مهارت های بروز آن را نیز به ایشان نشان می دهد. حضور چنین اشخاصی در هر بخشی از فعالیت های مدرسه برای توجه و ارتقاء این ساحت تربیتی حائز اهمیت است. البته باید توجه داشت که نمی توان به صورت ساختگی چنین رفتاری را از خود بروز داد؛ بلکه با گرایش قلبی و از طریق تقلید می تواند به مرور به یک حقیقت درونی بدل شود.

مثال های متعددی از چنین رفتارهایی در ادبیات دینی و ادبی، و زندگی اجتماعی ما ایرانیان وجود دارد. شاعران و ادیبان ایرانی بر ضرورت این نحو از تربیت بسیار تأکید داشته اند و آن را با الهام از ادبیات دینی مکرر بیان کرده اند. داستان حکیم نظامی در توجه حضرت عیسی بن مریم (علی نبینا و آله و علیهما السلام) به زیبایی دندان سپید سگ مرده و بدبو، از این دست حکایت ها است:

«آن سگی مرده براه افتاده بود	مرگ دندانش ز هم بگشاده بود
بوی ناخوش زان سگ الحق میدمید	عیسی مریم چو پیش او رسید
همرهی را گفت این سگ آن اوست	و آن سپیدی بین که در دندان اوست
نه بدی نه زشت بوئی دید او	و آن همه زشتی نکوئی دید او
پاک بینی پیشه کن گر بنده ای	پاک بین گر بنده ی بیننده ای»

یا نمونه متأخر از چنین توان دیدن زیبایی را می توان در نامه شهید حاج قاسم سلیمان به دخترش مشاهده کرد. سلاح و جنگ بیش از آن که یادآور زیبایی و لطافت باشد، اغلب خشونت و ناهنجاری را به ذهن متبادر می کند؛ اما زاویه نگاه این شهید عزیز و لطافت او را در دلایلش برای به دست گرفتن سلاح نیز می توان دید:

«هرگز نمی خواستم سلاح به دست بگیرم، اگر سلاح به دست گرفتم برای ایستادن در مقابل آدمکشان است نه برای آدم کشتن، خود را سرباز در خانه هر مسلمانی می بینم که در معرض خطر است و دوست دارم خداوند این قدرت را به من بدهد که بتوانم از تمام مظلومان عالم دفاع کنم، نه برای اسلام عزیز جان بدهم که جانم قابل آن را ندارد، نه برای آن شیعه مظلوم که ناقابل تر از آنم، نه نه ...

بلکه برای آن طفل وحشت زده بی پناهی که هیچ ملجأی برایش نیست، برای آن زن بچه به سینه چسبانده هراسان و برای آن آواره در حال فرار و تعقیب که خطی خون پشت سر خود بر جای



گذاشته است، می‌جنگم، من متعلق به آن سپاهی هستم که نمی‌خواهد و نباید بخوابد تا دیگران در آرامش بخواند، بگذار آرامش من فدای آنان بشود و بخوابند.»

و نمونه‌های برجسته این زیبایی را باید در آن جمله بانو زینب کبری سلام الله علیها جستجو کرد که پس از حادثه سراسر اندوه کربلا فرمودند: «و ما رأیت الا جمیلاً».

این لطیف بودن داشته‌ای درونی است، که در عمق و وسعت، در ارتباط با عالم ملکوت و زیبایی‌های آن رشد می‌کند و بالندگی خود را در لطیف‌تر شدن محیط زندگی به رخ می‌کشد. معرفت به امامان معصوم علیهم السلام، ادعیه شریف ما، سبک زندگی بزرگان، و وصیت‌نامه‌ی شهدای ما مملو از این زیبایی‌ها است.

توجه به کرامت انسان‌ها، اصلی‌ترین دروازه برای انتقال این زیبایی است و استمرار زندگی در چنین محیطی، افرادی زیبا بین تربیت خواهد کرد. از این رو دستیابی به این مهم مستلزم اصلاح سبک زندگی اولیای مدرسه و دستیابی به این اصل شریف است که «كُونُوا دُعَاءَ لِلنَّاسِ بِغَيْرِ اَلْسِنَتِكُمْ» مردم را به غیر زبان‌هایتان دعوت کنید.

هر وقت اعمال زیبای اولیای مدرسه منشأ تربیت زیبایی‌شناختی دانش‌آموزان شود می‌توان انتظار امداد پروردگار به قاعده‌ی آیه‌ی شریفه‌ی «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمَنُ وُدًّا» (مریم/۹۶) را داشت. خداوند مهر و محبت مؤمنانی را که کارهای خوب انجام می‌دهند در دل‌ها می‌اندازد.

با این مقدمه، راز محبوبیت معلمان و مربیان ماندگار در مدارس را می‌توان درک کرد. همان‌ها که همه مدرسه پروانه‌وار دور گرمای محبت و زیبایی روحش جمع می‌شوند و یک اشاره و قهر و آشتی‌شان در اصلاح کار مدرسه و دانش‌آموزان گره‌گشا است.

در ساخت چنین محیطی دو آفت مهلک وجود دارد: یکی ساختگی بودن و دیگری بدلی بودن. این محیط آنقدر لطیف و شفاف است که هر کسی اندک بوی نامطبوع موجود در چنین فضایی را می‌تواند درک کند. گاه همه ظواهر مهیا است؛ اما آن حس لطافت روحی منتقل نمی‌شود. یکی از دلایل آن را می‌توان به نمایشی بودن فضا بازگرداند. روح لطیف دانش‌آموز به سرعت فضای مصنوعی، تکریم مصنوعی، و رابطه مصنوعی در مسیر تربیت را متوجه خواهد شد و همین اتفاق مشمئز کننده به مزاج او و تربیت روح لطافت در او ضربه خواهد زد.

آفت دوم بدلی بودن است. لطافت و زیبایی محیط، زاده‌ی نگاه الهی به آن است و هر محیط شاد یا پر از ناز و مظاهر پر رنگ و لعاب و تعارفات نمی‌تواند این ساحت از تربیت را پوشش دهد. و نتیجه آن می‌تواند تغییر مزاج دانش‌آموزان نیز باشد. حضور زیاد در محیط‌هایی با لطافت‌ها و زیبایی‌های بدلی، لطافت بدلی را در درون دانش‌آموز جایگزین کرده و مانند خراشی آزاردهنده امکان لذت بردن او از لطافت واقعی را از میان خواهد برد.



۲. مهارت خلق اثر هنری

در این رکن از ساحت تربیت زیبایی شناختی و هنری، تلاش برای آن است که آفرینش های دانش آموز حفظ و بهره ای از هنر را در برداشته باشد. استفاده از هنر در انجام تکالیف تا تولید یک اثر هنری را می توان در این بخش، به عنوان سطوح ظهور اثر هنری در فعالیت های دانش آموزان نام برد. در این بخش قصد پرداختن به آموزش هنر و تولید اثر هنری در کلاس های تخصصی همین حوزه را نداریم و فقط به جایگاه این موضوع و اثر آن در دیگر بخش های تربیتی و آموزشی خواهیم پرداخت.

هنر می تواند ابزاری برای تلطیف روش های یاددهی-یادگیری باشد. استفاده از مفاهیم علمی در پروژه های هنری، برگزاری کارگاه های تلفیقی میان هنر و برخی از علوم مانند زیست شناسی، ریاضی، فیزیک و مانند آن، طراحی پروژه های چند رشته ای، ترغیب به استفاده از ظرافت های هنری در انجام تکالیف، سفارش و استفاده از تولیدات دانش آموزان در فعالیت های فرهنگی، اجتماعی و فضاهای داخلی و بیرونی مدارس، از جمله روش ها و زمینه های کمک به خلق اثر هنری توسط دانش آموزان است.

چالش ها و موانع:

چالش های این مسیر را می توان در

۱. کمبود دانش تخصصی و مهارت های هنری معلمان،
 ۲. ضعف در طراحی محتواهای آموزشی و برنامه های فرهنگی،
 ۳. مقاومت برخی افراد و خانواده ها در استفاده از ابزار هنر،
 ۴. و الگوهای غلط در فرآیند ارزیابی و سنجش دانش آموزان و فعالیت های ایشان جستجو کرد.
- هماهنگی و همکاری معلمان دروس مختلف می تواند در رفع این چالش ها بسیار کمک کننده باشد. اگر مدرسه ای به این چالش ها فائق شود انتظار می رود بتواند علاوه بر اهداف اصلی تربیت در ساحت هنری به افزایش انگیزه دانش آموزان در فرآیند تربیت، بهبود عملکرد تحصیلی، و تقویت خلاقیت در دانش آموزان نیز کمک کند.

۳. بصیرت هنری

بصیرت هنری از دو بخش اصلی در تعامل با یکدیگر تشکیل شده است:

نخست. شناخت چرستی هنر و مؤلفه های زیبایی در یک اثر است.

دوم. و دیگری ادراک پیامی است که به زبان هنر ترجمه شده است.

آموزش مفاهیم پایه هنر، شناخت آثار هنری برجسته، آشنایی با سبک های هنری، درک فرم و ساختار آثار، آشنایی با برجستگی های مهارتی هنرمندان در خلق آثار، بیان احساس و دریافت خود از زیبایی آثار هنری، توجه به نسبت ها و تناسب ها، و نقد و گفتگو پیرامون آثار هنری می تواند بخش نخست بصیرت هنری را رشد دهد.

در بخش دوم باید دانش آموزان را در مسیر درک بهتر نسبت میان هنر و حقیقت، زبان نشانه ها در یک اثر هنری، و شناخت جهان هنرمند برای درک اثر او همراهی کرد. یکی از آفت های مهم در این مسیر غرق شدن دانش آموز در جهان های سمبلیک و غیر واقعی هنرمندان و اتلاف عمر و زندگی است. دریافت سطحی از سواد رسانه که برای تعامل دانش آموز با جهان هنر کفایت کننده باشد، کافی است. اگرچه ممکن است مسیر برخی در



آینده تخصصی خود تداوم این مسیرها به صورت حرفه‌ای باشد، اما نباید جذابیت اینگونه فضاها، امکان زمانی دانش‌آموزان در کسب تجربه در دیگر بخش‌ها را از میان ببرد.

چالش‌ها:

۱. نشانه‌شناسی‌های سلیقه‌ای،
۲. استفاده از آثار هنری با مضامین آسیب‌زا به بهانه‌ی نقد،
۳. افراط در پرداختن به نقد هنرهای جذاب و غفلت از توسعه سطح سواد در میان دیگر آثار از دیگر آسیب‌های قابل پیش‌بینی در این حوزه از ساحت تربیت هنری و زیبایی‌شناختی است.

۴. خلق فضاها و محیط‌های زیبا در مدرسه

مدرسه‌ای تاریک و بی‌روح و برنامه‌هایی بی‌نظم و ساکن و فاقد تناسب با روحیات نوجوان بی‌شک می‌تواند بر بسیاری از تلاش‌ها برای موفقیت در ساحت تربیت هنری و زیبایی‌شناختی اثر منفی داشته باشد. مدرسه‌ای با منظره‌ای چشم‌نواز، مرتب و تمیز و با رنگ‌های شاداب همه را به حضور و فعالیت دعوت می‌کند.

اغلب احساس می‌شود ایجاد چنین فضاهایی بسیار پرهزینه است. اما در واقع توجه به برخی نکات می‌تواند همان هزینه‌های همیشگی را در مسیر خلق فضاها و محیط‌های زیبا در مدرسه هدایت کند. درست است که شما بسیاری از ویژگی‌های محیطی را نمی‌توانید از نظر بنا یا مبلمان اصلاح نمایید؛ اما داشتن یک طرح معماری خلاقانه و جامع برای مدرسه، می‌تواند در فرصت‌هایی که لاجرم برای تعمیر و نگهداری مدرسه دست به کار می‌شوید، هدایتگر شما باشد.

یکی دیگر از ابزارهای شما برای خلق فضاهای بهتر برنامه‌ریزی روی شیوه نورپردازی طبیعی و مصنوعی مدرسه است. نورپردازی می‌تواند اثر زیادی روی جذابیت و شادابی یک محیط داشته باشد.

چیدمان مدرسه را کمی تغییر دهید. به این فکر کنید که از چه فضاهایی بیشتر می‌شود استفاده کرد و یا مکان انجام کدام فعالیت‌ها را اگر تغییر دهید مناسب‌تر است. اگر برخی از کُنج‌ها و گوشه‌ها برای شما مشکل‌ساز شده‌اند، کاربری‌های جدیدی برایشان پیش‌بینی کنید. نگاهی دوباره به حیاط خلوت و انباری و محیط‌های بلااستفاده داشته باشید. افراد را ترغیب بکنید تا ایده‌های خود را برای تغییر چیدمان مبلمان و وسایل، از کلاس تا کتاب‌خانه را مطرح کنند.

درختان، فضای سبز و گلدان‌های مدرسه را دست کم نگیرید. بین افراد و این محیط‌ها پیوند برقرار کنید. این کار نگهداری آن‌ها را آسان‌تر کرده و محیط سرسبزتری را برای مدرسه فراهم خواهد کرد. گاهی از ایام سال مانند هفته درختکاری شهرداری‌ها یا ادارات منابع طبیعی به توزیع نهال‌های رایگان اقدام می‌کنند. کاشت درخت‌های جدید می‌تواند حال و هوای مدرسه را تغییر دهد.

از دانش‌آموزان به عنوان نیروی انسانی انباشته در مدرسه برای برخی فعالیت‌های زیباسازی مانند تمیزکاری انباری‌ها، احیاء بخش‌های متروکه مدرسه، ساخت برخی محیط‌ها مانند آلاچیق یا خط‌کشی زمین‌های بازی



استفاده کنید. این کارها به شرط حوصله و خلاقیت می تواند به رویدادهای جذابی برای دانش آموزان بدل شود و حس تعلق آنها به مدرسه و مسئولیت پذیری ایشان را هم رشد دهد.

به جزئیات توجه کنید. گاهی نصب یک آویز در کنار وضوخانه یا استفاده از یک عطر خاص در محیط درس می تواند در روحیه دانش آموزان تأثیر قابل توجهی بگذارد. نسبت به یک بی نظمی بصری در گوشه نمازخانه یا ورودی مدرسه حساس باشید و تلاش کنید جزئیات نامطلوب، جلوه مدرسه را از بین نبرد. ایجاد محیطی زیبا و لطیف در مدرسه می تواند باعث افزایش انگیزه دانش آموزان و اولیای مدرسه، ایجاد حس همکاری، امنیت و آرامش در محیط، و بهبود کیفیت یادگیری شود.

بخش ۲

نظام ارزش‌یابی و هدایت تحصیلی و شغلی



برنامه‌های عملیاتی مدرسه در ساحات شش‌گانه، باید در نسبت با رشد و حرکت دانش‌آموز «ارزش‌یابی» شوند. دو گانه ارزش‌یابی مستمر، و هدایت تحصیلی-شغلی، دو مرحله از یک فرایند را دنبال می‌کند که با هدف اثرگذاری فرایندهای تربیتی طراحی شده است.

در این دو گانه، مدرسه ابتدا نقطه ورود دانش‌آموزان را بررسی می‌کند و در ادامه سیر حرکتی او و استعدادهايش را واکاوی می‌کند و در مرحله دوم بر اساس داده‌های این مرحله، در گام دوم پیشنهادات خود را برای ادامه مسیر زندگی دانش‌آموز در قالب هدایت تحصیلی و شغلی ارائه می‌دهد.

اتصال این دو گام و بسته واحد دیدن آن، یکی از مهم‌ترین نکات اجرایی آن است.

تبصره: به جهت واقعی بودن ارزش‌یابی‌ها و هدایت‌گری‌ها، در هر مرحله از تحصیل و تربیت دانش‌آموزان، برنامه‌های کنش‌گری و عملیاتی متناسب با استعداد و علاقه ایشان تنظیم می‌شود تا هم خودش، هم مربیان میزان رشد و عینی بودن استعداد و گرایش را بسنجند. درباره این برنامه‌ها در بخش‌های پیش‌رو بیشتر درنگ خواهیم کرد.

آنچه بیش از همه در این بخش اهمیت دارد این است که نظام ارزش‌یابی و نظام برنامه‌ای به صورت کامل باید درهم تنیده و متناسب باشند.

نظام ارزش‌یابی مستمر دانش‌آموزان و تشکیل پرونده آموزشی و تربیتی

ارزش‌یابی مستمر تربیتی یک فرایند برای رصد وضعیت موجود دانش‌آموز است. این فرایند از ابتدای ورود تا زمان فارغ التحصیلی دانش‌آموزان را در مؤلفه‌های مشخص ارزش‌یابی می‌کند.

یکی از مقدمات اجرایی‌سازی و به نتیجه رساندن یک برنامه و فرایند خوب، این است که نقطه آغاز حرکت مشخص شود. دانش‌آموزی که می‌خواهد وارد یک مدرسه بشود، دارای چه خصوصیتی است؟ در چه فضایی تنفس کرده، و چه علاقه‌مندی‌هایی دارد؟

مادامی که نقطه آغاز و قبل از ورود به یک برنامه، ارزش‌یابی و واکاری نشود، نمی‌توان میزان رشد و یا اشکالات آن را دریافت.

«پرونده آموزشی و تربیتی» هر دانش‌آموز و هر مدرسه به ما کمک می‌کند تا ورودی یک فرایند به صورت شفاف و روشن روی میز مربیان و فعالین تعلیم و تربیتی باشد. این واکاوی باید در طول دوران تحصیل دانش‌آموز ادامه داشته باشد تا خروجی مدرسه، تناسب بیشتری با اهداف مجموعه داشته باشد.

هدف‌های متفاوت برای تدوین پرونده آموزشی و تربیتی

برخی از مدارس، صافی‌هایی را جهت ورود داوطلبین به واحد آموزشی خود قرار می‌دهند و از میان آن داوطلبین «منتخب» ها را گزینش می‌کنند. این نخبه‌گزینی نیازمند فرایند انتخاب مدوّنی است که قطعا یکی از مراحل آن، تشکیل پرونده آموزشی و تربیتی برای تمامی داوطلبین است.

در نقطه مقابل برخی دیگر از مدارس، این سیاست را یا قبول ندارند و یا امکان اجرای آن برایشان فراهم نیست. بیشتر مدارس دولتی در گروه دوم هستند و همه دانش‌آموزان محدوده جغرافیایی خود را باید ثبت‌نام کنند.

نکته این‌جاست که پرونده آموزشی و تربیتی حتی برای این گروه نیز کارایی دارد و به مدیران مدارس کمک می‌کند تا شناخت واقعی تری نسبت به مخاطبین خود داشته باشند.



بررسی اسناد بالادستی درباره نظام ارزش‌یابی

۸۰

مدرسه آینده‌ساز

- در رویکرد چهارم از جهت‌گیری‌های کلی سند ملی درسی درباره «ارزش‌یابی» چنین آمده است:
- ۱- به صورت مستمر تصویری روشن و همه‌جانبه از موقعیت کنونی دانش‌آموز، فاصله او با موقعیت بعدی و چگونگی اصلاح آن متناسب با ظرفیت‌ها و نیازهای وی ارائه می‌کند.
 - ۲- زمینه انتخاب‌گری، خودمدیریتی و رشد مداوم دانش‌آموز را با تأکید بر خود ارزش‌یابی فراهم می‌کند و بهره‌گیری از سایر روش‌ها را زمینه‌ساز تحقق آن می‌داند.
 - ۳- ضمن حفظ کرامت انسانی، کاستی‌های یادگیری را فرصتی برای بهبود موقعیت دانش‌آموز می‌داند.
 - ۴- کاستی‌های یادگیری را فرصتی برای بهبود و اصلاح نظام آموزشی می‌داند.

هم چنین در بخش دیگری از سند درباره «اصول حاکم بر ارزش‌یابی پیشرفت تحصیلی و تربیتی» این چنین می‌خوانیم:

- ۱- با استفاده از انواع روش‌ها و ابزارها، بتواند توانایی دانش‌آموزان، را در بهره‌گیری از شایستگی‌های پایه در موقعیت‌های مختلف، به صورت معنادار منعکس نماید.
- ۲- با ارائه شواهد متنوع و کافی، امکان قضاوت در خصوص سطح دستیابی دانش‌آموزان به اهداف برنامه درسی را تعیین نماید.
- ۳- به صورت منعطف و مستمر، با توجه به وجوه متفاوت یادگیری هر یک از دانش‌آموزان، فرآیند دستیابی به اهداف و چگونگی اقدام مؤثر را منعکس نماید.
- ۴- با تأکید بر خودآگاهی، خود ارزش‌یابی و تصمیم‌گیری از سوی دانش‌آموزان، چگونگی جبران، رفع کاستی‌ها و دستیابی به سطوح بالاتر شایستگی در هر یک از حوزه‌های یادگیری را تدارک ببیند.
- ۵- برای حفظ شأن و کرامت انسانی دانش‌آموزان و تقویت خودپنداره مثبت آنان از بکارگیری روش‌ها و ابزارهای ارزش‌یابی اضطراب‌آور و مایوس‌کننده، پرهیز شود.
- ۶- برای تبیین و منعکس نمودن ظرفیت‌های وجودی و وجوه توانایی‌های متفاوت هر یک از دانش‌آموزان، امکان مشارکت سایر دانش‌آموزان، مربیان و اولیاء در امر سنجش را فراهم کند.
- ۷- در فرآیند ارزش‌یابی، نقش محوری و تصمیم‌سازی مدرسه و معلم در چارچوب سیاست‌های کلی آموزش و پرورش حفظ شود.
- ۸- رویکرد ارزش‌یابی «فرآیندمحور» در ارتقای پایه‌های تحصیلی دوره ابتدایی و رویکرد «تلفیقی» (فرآیندمحور و نتیجه‌محور) در سایر پایه‌های تحصیلی مبنا قرار گیرد.
- ۹- با تأکید بر کار گروهی و فعالیت‌های جمعی و روش حل مسئله، وجه رقابت‌زایی یا رقابت‌جویی را به حداقل برساند و زمینه شکوفایی دانش‌آموزان را فراهم کند.
- ۱۰- ارزش‌یابی به عنوان بخش جدایی‌ناپذیری از فرایند یاددهی — یادگیری تلقی شده و از نتایج آن برای برنامه‌ریزی رشد حرفه‌ای معلمان و بهبود برنامه درسی و نظام آموزشی استفاده شود.



۱۱- با تأکید بر بهره‌گیری از تکالیف عملکردی در سنجش میزان دستیابی دانش‌آموزان به شایستگی‌ها و تلاش برای تحقق جامعه عدل مهدوی (عجل الله فرجه الشریف) و دستیابی به مراتبی از حیات طیبه، گزارش عملکرد تحصیلی و تربیتی آنان با همکاری دانش‌آموز، اولیا مدرسه و والدین تنظیم و ارایه شود.

۸۱ با توجه به این تأکیدات سند ملی، اجرایی‌سازی پرونده الکترونیکی رشدی-آموزشی-تربیتی بر اساس سند هفتم توسعه در تاریخ ۳۰ مهر ۱۴۰۲ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده است.

در این مصوبه نسبت به ایجاد «بانک جامع سوابق فرهنگی، تحصیلی، آموزشی و مهارتی» برای دانش‌آموزان در قالب «پرونده الکترونیکی آموزشی-رشدی-تربیتی» با همکاری دستگاه‌های مرتبط از جمله سازمان ثبت احوال کشور، وزارت خانه‌های بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و ارتباطات و فناوری اطلاعات و سازمان اداری و استخدامی کشور تأکید شده است.



اهداف و کارکردها

۸۲

سازمانی

مدرسه آینده‌ساز

۱. شناخت بهتر مسئولین مدرسه از دانش‌آموزان ورودی جهت کلاس‌بندی و ترسیم وضعیت آموزشی-تربیتی موجود مدرسه
۲. شناخت بهتر مربی/معلم از وضعیت موجود دانش‌آموزان گروه/کلاس خود
۳. شناخت بهتر مدرسه از والدین و محیط تربیتی و فرهنگی-اقتصادی خانواده‌ها جهت تعامل متناسب با آنان
۴. انعکاس وضعیت موجود دانش‌آموزان به والدین برای توجیه و تبیین مسیر رسیدن به وضعیت مطلوب و اهداف مدرسه و جدیت در آن

تربیتی

۱. رصد اولیه دانش‌آموزان در ابعاد مختلف تربیتی (شناختی-گرایشی / شخصیتی-رفتاری) جهت:
 - تعیین وضعیت موجود دانش‌آموز طبق جدول اهداف تربیتی مدرسه
 - آشنایی بیشتر با محیط تربیتی دانش‌آموز (خانواده-دوستان-وضعیت اقتصادی-سبد مصرف رسانه ای و ...)
 - طراحی برنامه‌های تربیتی، متناسب با وضعیت موجود دانش‌آموزان و اهداف تربیتی مدرسه
 - شناسایی استعدادها و توانمندی‌ها و فراهم کردن فرصت‌های رشد فردی/گروهی (جهت دهی استعدادها)
۳. زمینه‌سازی فهم و عادت دانش‌آموزان/متربیان نسبت به ضرورت خود ارزش‌یابی (محاسبه و مراقبه)
۴. زمینه‌سازی بهتر برای تسهیل فرایند هدایت تحصیلی-شغلی با برآیندگیری از وضعیت فعلی دانش‌آموز و فرصت‌های شغلی-تحصیلی پیش رو.

ویژگی‌های ارزش‌یابی موفق

۱. فرایند ارزش‌یابی یک فرایند «تعاملی و چند جانبه» بین همه بازیگران عرصه تعلیم و تربیت در مدرسه (مدیر، معلم، معاونین، طلبه مدرسه، دانش‌آموز و والدین) است. باید توجه داشت که نمی‌توان تمام بار ارزش‌یابی را بر دوش یک نفر در مدرسه گذاشت. از طرف دیگر هر چه زوایای دید بیشتر و متفاوت‌تری برای ارزش‌یابی هر دانش‌آموز داشته باشیم، می‌توانیم ایشان را از ابعاد مختلف رصد کنیم. به عنوان مثال اگر بخواهیم میزان اعتماد به نفس دانش‌آموز را ارزش‌یابی کنیم، ممکن است بین دوستان، در کلاس یا خانواده میزان متفاوتی از اعتماد به نفس را از خود نشان دهد.

۲. «استمرار» یکی از مهم‌ترین اصولی است که باید در نظام ارزش‌یابی مدرسه به آن توجه کرد؛ چرا اگر به یک ارزش‌یابی اولیه اکتفا کنیم نمی‌توانیم اهداف تربیتی و سازمانی که داریم را محقق کنیم. گسستگی بین معلم/مربی و دانش‌آموز از همین جا آغاز می‌شود که شناخت دقیق و هدف‌مندی از دانش‌آموز وجود ندارد و تغییرات و تحولات او رصد نمی‌شود.

از طرفی اگر این استمرار در حد تجمیع داده‌ها از وضعیت دانش‌آموزان بماند، نمی‌تواند آن کارکرد و هدف از ارزش‌یابی را که پیش از این ذکر شد، محقق کند. باید به چشم یک فرصت طلایی به داده‌ها نگاه کرد؛ فرصتی برای تحلیل وضعیت دانش‌آموزان، فراهم‌سازی موقعیت‌ها، و جهت‌دهی آنها در مسیر رشدی متناسب خودشان. این نگاه هدفمند به ارزش‌یابی، اعضای اجرایی مدرسه و دانش‌آموزان را نه تنها خسته نمی‌کند، بلکه تربیت را به یک اتفاق جذاب و پویا بدل می‌سازد.

۳. وجود یک «راهر ارزش‌یابی»

هر مدرسه دارای یک راهبر ارزش‌یابی است که باید فرایند ارزش‌یابی را در مدرسه تسهیل و راهبری کند. با این کار هم بار کمتری بر دوش خودش و هم دیگر اعضای مدرسه گذاشته می‌شود. راهبر می‌تواند معاون و یا مربی پرورشی باشد و یا طلبه طرح امین.

۴. «جامع بودن» ارزش‌یابی در تمام فعالیت‌ها

در ارزش‌یابی تربیتی تمام ساحت‌های تربیتی دانش‌آموزان واکاوی می‌شود و به معنای واقعی روند رشد ایشان در فعالیت‌ها رصد می‌گردد. اگر این فرایند تک‌بعدی باشد، نمی‌تواند آینه تمام‌نمای رشد دانش‌آموزان باشد.



ملاک‌ها و روش‌های ارزیابی

صفات تربیتی

۸۴

مدرسه آینده‌ساز

امروزه در کارنما و ارزیابی دانش‌آموزان بیشتر روی جنبه آموزشی ایشان تأکید می‌شود. هم‌چنانکه در بخش «چرخش‌های تحول‌آفرین» اشاره شد، مدرسه باید از محیطی صرفاً آموزشی، به نهادی فرهنگی-اجتماعی و مولد سرمایه انسانی تبدیل شود. لازمه عملیاتی‌شدن این جهت تحول‌آفرین این است که در تمامی فعالیت‌های مدرسه، از جمله «فرایند ارزیابی» این تحول دوانده شود. کارنامه‌ها و ارزیابی‌های آموزشی، به ارزش‌یابی‌های «تربیتی» تبدیل شوند. البته که «رشد علمی» دانش‌آموز بنا بر نکاتی که در بخش «ساحت علمی و فن‌آورانه» بدان اشاره خواهد شد، جزیی از همین «صفات تربیتی» هستند.

یک دانش‌آموز برای رشد تمام‌ساحتی نیازمند هویتی چندجانبه است. ارزیابی دقیق، در همه این جوانب باید انجام شود؛ جنبه عقلانی، جنبه عاطفی، و جنبه عملی.

جنبه شناختی، شناخت‌ها و باورها و توانایی درک و پذیرش عقلانی حسن آن صفت تربیتی و اخلاقی را شامل می‌شود.

جنبه عاطفی، گرایش‌ها و درگیر شدن حب به آن صفت تربیتی-اخلاقی یا بغض از یک صفت یا ردیله تربیتی-اخلاقی را شامل می‌شود.

جنبه عملی نیز رفتارها و اعمال و عادات متربی را برای دستیابی به آن صفات تربیتی-اخلاقی یا دوری از آن ردیلت‌ها شامل می‌شود.

روش ارزیابی فردی

♦ تعریف شاخص

یک عنوان کلی از آن صفت و هدف تربیتی-اخلاقی مورد نظر، به عنوان شاخص روشن مدرسه برای زمینه‌سازی رسیدن متربیان به آن و همچنین ارزیابی وضعیت متربی نسبت به آن، انتخاب می‌شود. مثلاً «مسئولیت‌پذیری» به عنوان یکی از اهداف تربیتی و شاخص‌های ارزیابی مدرسه انتخاب می‌شود و نسبت به آن سنجه‌هایی برای رصد این شاخص در بین دانش‌آموزان، کلاس‌ها و کلیت مدرسه تعریف می‌شود.

♦ تعریف سنجه‌ها

هر شاخص بر اساس آن جنبه‌های هویتی که ذکر شد، باید قابلیت سنجش و ارزیابی داشته باشد. با تعریف سنجه‌ها در ۴ محور هویتی مطرح شده، می‌توان ارزیابی دقیق‌تر و جامع‌تری نسبت به تحقق آن شاخص در متربی پرداخت.

سنجه‌ها به دو دسته عمومی و اختصاصی تقسیم می‌شوند.

در اینجا به سنجه‌های عمومی قابل تعمیم در غالب شاخص‌ها می‌پردازیم:

- سنجه‌های جنبه شناختی: توان درک و دلیل آوردن برای کسب، ارتقا یا حذف و کاهش این شاخص - درک ضرورت این شاخص - درک چرایی و چیستی این شاخص - درک آثار و روابط این شاخص با دیگر شاخص‌ها



در مسیر رشد - درک جنبه‌ها و ابعاد مختلف این شاخص - درک دغدغه‌داشتن نسبت به این شاخص در هم کلاسی‌ها، هم مدرسه‌ای‌ها و جامعه

- **سنجه‌های جنبه عاطفی:** حساسیت و برانگیختگی نسبت به وجود و بروز این شاخص و یا عکس آن در خودش و دیگران - حب و دوست داشتنی بودن این شاخص در گرایش‌هایش - حساس‌بودن وجدان‌متری در موقعیت‌های عدم بروز یا عمل ضد و نقیض با آن شاخص و احساس پشیمانی بعد از آن

- **سنجه‌های جنبه عملی:** جدیت و اهتمام به این شاخص در برخوردها و موقعیت‌ها - در مقام دفاع و توصیه این شاخص قرارگرفتن بین همسالان - اتخاذ انتخاب‌ها و تصمیم‌های فردی و اجتماعی مطابق با این شاخص.

♦ تعریف ابزارها

ابزارهای سنجش، به صورت کلی به دو دسته مستقیم و غیرمستقیم تقسیم می‌شود. ابزارها در قالب برگه‌های مختلفی است که راهبر به دست مربیان و معلمان می‌رساند تا بر اساس سنجه‌ها و ملاک‌های مشخص شده به دانش‌آموز نمره دهند یا توصیف کنند.

ابزارهای غیرمستقیم: تمام فعالیت‌ها و رفتارهای جاری دانش‌آموز در برنامه‌ها و موقعیت‌های مختلف مدرسه، ملاکی برای ارزیابی است که توسط معلمان و مربیان ارزیابی می‌شود. مثلاً شاخص مسئولیت‌پذیری با سنجه عملی را می‌توان در میزان اهمیت دانش‌آموز به انجام تکالیف درسی ارزیابی کرد. ابزار این ارزیابی (میزان اهمیت به تکالیف درسی) به شکل جاری بر اساس فرایند کلاس درس، در حال رخ‌دادن است و هر معلم می‌تواند این رفتار را در برگه‌های ارزیابی ثبت کند.

ابزارهای مستقیم: مربیان و معلمان مدرسه می‌توانند چالش‌ها و برنامه‌ها و اردوهای برای ارزیابی مستقیم برخی شاخص‌ها طراحی کنند. همچنین می‌توانند بر اساس شناختی که از وضعیت دانش‌آموزان پیدا می‌کنند، برنامه‌هایی را بازطراحی کنند و تغییر بدهند تا ارزیابی دقیق‌تری از آن شاخص به آنها بدهد. مثلاً برای ارزیابی شاخص مسئولیت‌پذیری می‌توان این چالش را در مدرسه اجرا کرد که مسئولیت‌های مختلف فردی را در ابتدای سال یک‌بار به صورت انتخابی به دانش‌آموزان ارائه کنید. اینجا می‌توان میزان اشتیاق یا رغبت دانش‌آموز را نسبت به پذیرش یک مسئولیت سنجید.

صفات شخصیتی

والدین، مدیران، و مربیانی که به رشد و تربیت نوجوانان اهمیت می‌دهند، معمولاً ارزیابی‌های کلی را درباره شخصیت دانش‌آموز به زبان می‌آورند که حاصل برآیندگیری ایشان از رفتارها و خلقیات اوست. هر چقدر این ارزیابی شخصیتی مبتنی بر داده‌ها و روندهای علمی و دقیق باشد، نتیجه بهتری را دربردارد.

آنچه در مختصات یک مدرسه دولتی قابلیت اجرای بیشتری دارد، بسیج عوامل اجرایی مدرسه با مدیریت «مدیر مدرسه» برای ارزیابی شخصیتی دانش‌آموزان است. هر چقدر مدیر و دیگر اعضای اجرایی مدرسه، معلمان و مربیان، و والدین در «شخصیت‌شناسی» نوجوان مهارت و توان‌مندی بیشتری داشته باشند، روند شخصیت‌شناسی دقیق‌تر و ساده‌تر پیش می‌رود. به همین جهت پیشنهاد می‌شود در کنار استفاده از «مشاورین کاربلد» در مدرسه، برای دیگر عوامل اجرایی مدرسه نیز دوره‌های توانمندسازی در این موضوع برقرار گردد.



نکته دیگر اینکه هم‌چنانکه در ادامه تأکید خواهد شد، ارزیابی‌های عناصر دخیل در تربیت دانش‌آموز در «پرونده تربیتی» وی ثبت شود.

آزمون‌های شخصیت‌شناسی

امروزه استفاده از «آزمون‌های شخصیت‌یابی» یکی از متداول‌ترین روش‌ها برای گونه‌شناسی شخصیت دانش‌آموزان است. طرفداران این آزمون‌ها نقش آن را در آینده شغلی و تحصیلی دانش‌آموزان بی‌بدیل می‌دانند و البته نقدهایی نیز در این میان به برخی روش‌ها و روندهای آزمون‌ها وجود دارد. قبل از ورود به بررسی نمونه‌هایی از این آزمون‌ها توجه شما را به نکاتی چند جلب می‌نماییم.

آزمون mbti و آزمون هوش‌های چندگانه گاردنر از جمله این آزمون‌ها است.

نکاتی پیرامون انواع آزمون‌های شخصیت‌یابی:

۱. دانش‌آموزان به ویژه در دوره متوسطه در جستجوی «شاکله هویتی» خود هستند. در این میان ارزیابی خود دانش‌آموز و کمک‌های بزرگ‌ترها در نقش‌بندی هویت او بسیار مؤثر است. او خود را به مثابه جورچینی می‌بیند که تکه‌های ارزیابی خود و دیگران، آن را تکمیل می‌کنند.
۲. در ارزیابی‌ها باید مراقبت کنیم نه جهت‌دهی اشتباهی برای دانش‌آموز ایجاد کنیم، و نه برجستگی بر روی پیشانی او ایجاد نماییم که فرصت تغییر و تحول را از او بگیرد.
۳. نوجوانان در این سن، در مسیر تغییر و تحول‌های ناگهانی هستند. از نتیجه‌گیری‌ها و دسته‌بندی‌های عجولانه پرهیزیم.
۴. این آزمون‌ها صددرصد درست نیستند، و باید با تجربه میدان راستی‌آزمایی شوند.

صفات مزاجی

طبیعت انسان‌ها و مزاج ایشان، زمینه‌ساز روند تربیتی و رشد ایشان است. به همین جهت شناخت مزاج دانش‌آموزان می‌تواند در نوع ارتباط با ایشان و یا روند اصلاح مزاجشان تأثیر بسزایی داشته باشد.

اساتید و حکمای طب اسلامی و طب سنتی ایرانی، مزاج‌های مختلف و ویژگی‌های آن‌را در کتاب‌های خود برشمرده‌اند.

راه‌های تشخیص مزاج، تأثیرات آن‌ها و راهکارهای اصلاح مزاج‌ها از جمله ریزموضوعاتی است که در این بخش بررسی می‌شود.

صفات گروهی

ارزیابی کلاسی و مدرسه‌ای

ارزیابی کلاسی و مدرسه‌ای، مجموعه‌ای از ارزیابی‌های افراد یک کلاس/مدرسه، و صفات جمعی افراد است. باید توجه داشت که یک جمع و تشکیلات هویتی فراتر از ارتباطات افراد داخل خود نیز دارد.

هویت کلاسی و مدرسه‌ای را نیز می‌توان با شاخص‌ها و سنجه‌های اختصاصی متناسب ارزیابی کرد:

تعریف شاخص‌ها و سنجه‌ها

شاخص‌های قابل ارزیابی به شرح زیر است:

اول- ناظر بر برآیند پرونده‌های تربیتی (شاخص عمومی): جمع تحلیل‌ها و نمرات به دست آمده از پرونده‌های تربیتی دانش‌آموزان یک کلاس/مدرسه که می‌توان آن را معدل‌گیری و برآیند‌گیری کرد. معدل و برآیند هر کلاس/مدرسه بر اساس شاخص تربیتی مورد نظر ارزیابی می‌شود.

به عنوان مثال اگر همه تحلیل‌ها و نمرات بدست آمده دانش‌آموزان یک کلاس را بر اساس شاخص مسئولیت‌پذیری جمع‌بزنیم و معدل و برآیند آن را به دست آوریم می‌توانیم وضعیت کل آن کلاس را، و اگر معدل همه کلاس‌ها را جمع‌بزنیم و برآیند بگیریم، می‌توانیم وضعیت کل مدرسه را در شاخص مسئولیت‌پذیری ارزیابی کنیم.

دوم- ناظر بر عملکردها و هویت جمعی (شاخص‌های اختصاصی):

هویت جمعی، متشکل از مجموعه ویژگی‌هایی است که حرکت گروهی به سمت یک مقصد را ترسیم می‌کند. این ویژگی‌ها و شاخص‌ها پرشمار هستند. آنچه در ادامه به آن اشاره خواهیم کرد، بخشی از آن شاخص‌هایی است که جزو ارکان و ستون‌های اصلی خیمه یک جمع هستند.

شاخص اول: وحدت و انسجام

برای شناسایی میزان وحدت و انسجام گروهی یک کلاس/مدرسه باید میزان هدفگذاری‌های مشترک و عملکردهای گروهی در بستر برنامه‌های مختلف را رصد کرد، که نیازمند عملکرد منسجم یک کلاس/مدرسه است. بنابراین دو سنجه «جهت‌گیری‌های مشترک» و «هماهنگی در عملکرد» را ملاک ارزیابی قرار می‌دهیم. الف. سنجه جهت‌گیری مشترک: مسئله اصلی این است که چقدر یک کلاس یا مدرسه نسبت به اهداف مشترک همگانی و با منفعت عمومی، احساس اهمیت، مسئولیت و پیگیری می‌کند؟ یا اینکه چقدر افراد حاضر هستند برای این اهداف مشترک از خودگذشتگی کنند؟

جهت‌گیری‌های مشترک یک گروه یا مدرسه را می‌توان در موقعیت‌هایی که نیازمند هدف‌گذاری برای یک فعالیت هستیم، سنجید. در این موقعیت‌ها است که اتخاذ یک تصمیم جمعی، حل یک تعارض درون‌گروهی یا میان‌گروهی، عبور از شرایط بحرانی یا ناهموار، میزان جهت‌گیری‌های مشترک گروه را نشان می‌دهد.

ب. سنجه عملکرد و هماهنگی: مسئله اصلی در این سنجه این است که این کلاس/مدرسه چقدر در برنامه‌های مختلف عملکرد مفید و موفقیت‌آمیزی دارد؟ چقدر برای اهداف مشترک حاضر است هزینه کند و تلاش کند؟ چقدر می‌تواند در موقعیت‌های مختلف از مسائل فرعی و حواشی، به سمت مسائل اصلی و اهداف مشترک حرکت کند؟ یا اینکه چقدر یک کلاس یا مدرسه بدون حضور مستقیم و مسلط یک مربی یا مسئول، می‌تواند خودش مطابق منفعت عمومی و اهداف مشترک، حل مسئله کند؟

این عملکردها و هماهنگی‌ها را نیز در موقعیت‌هایی مثل: سپردن مسئولیت‌های گروهی، برگزاری مسابقات و رقابت‌های مختلف فکری-گرایشی-عملی، تعامل یک کلاس یا مدرسه با دیگر کلاس‌ها و مدارس، تعامل با مدیر مدرسه و مربی/معلم، و ... می‌توان ارزیابی کرد.



شاخص دوم: همدلی و همیاری

میزان احساس دغدغه نسبت به مشکلات هم‌کلاسی‌ها و هم‌مدرسه‌ای‌ها، رسیدگی و کمک در مسائل مختلف و دستگیری افراد توانمندتر از ضعیف‌تر می‌تواند از جمله سنجه‌ها برای ارزیابی شاخص همدلی و همیاری باشند. الف. سنجه درک متقابل: مسئله اصلی در این سنجه این است که دانش‌آموزان یک کلاس / مدرسه چقدر از توانمندی‌ها، خواسته‌ها و نقاط ضعف و قوت همدیگر اطلاع دارند و در موقعیت‌های مختلف یکدیگر را درک می‌کنند؟ آیا خواسته‌ها و نیازهای خودشان برایشان مهم‌تر است یا دیگری؟ آیا در مشکلات به یکدیگر کمک می‌کنند یا هر کس موفقیت خودش را اولویت می‌داند؟ این سنجه را می‌توان در موقعیت‌هایی مثل شکست در یک برنامه یا مسابقه، هنگام ناهماهنگی یک فرد با جمع، بهتر و ساده‌تر ارزیابی کرد.

ب. سنجه امداد و دستگیری: اینکه چقدر دانش‌آموزان یک کلاس / مدرسه در هنگام رو به رو شدن با مشکلات یا ضعف‌های گروهی، به همدیگر کمک می‌کنند؟ مسئله اصلی این سنجه است. این سنجه را نیز می‌توان در موقعیت‌هایی مثل جا ماندن تعدادی از هم‌گروهی و هم‌کلاسی‌ها در چرخه عملکرد یک کلاس / مدرسه در برنامه‌ها و مسابقات و درس خواندن‌ها، کنار هم قراردادن افراد توانمند در یک زمینه با دیگر افراد کم‌توان‌تر در یک گروه و رصد میزان دستگیری آنان، و ... مشاهده و ارزیابی کرد.

شاخص سوم: مسئولیت‌پذیری

مسئولیت‌پذیر بودن یک کلاس یا مدرسه را می‌توان علاوه بر سنجش مسئولیت‌پذیری تک‌تک افراد، بر اساس هویت جمعی آنان نیز ارزیابی کرد. به عنوان مثال اگر خروجی یک کلاس را در نظافت خود در نظر بگیریم و نمره خوبی هم دریافت کند، با بررسی کل کلاس می‌بینیم که درواقع تنها یک یا دو نفر هستند که مسئولیت نظافت کلاس را بر عهده گرفته و کم‌کاری بقیه را جبران می‌کنند. ارزیابی دو جانبه این فرصت را به ما می‌دهد که نمره واقعی شاخص مسئولیت‌پذیری یک کلاس را از دو جنبه فردی و کلاسی به دست آوریم. الف. سنجه تحقق انتظارات و مسئولیت‌ها: مسئله قابل بررسی در این سنجه فعالیت‌هایی در مدرسه است که به صورت گروهی به یک کلاس سپرده شده و ارزیابی آن عینی و قابل نمره‌گذاری است، مثل نظافت‌های کلاسی - مدرسه‌ای، اجرای برنامه‌ها و فوق‌برنامه‌ها (مراسم صبحگاه و برگزاری جنگ و ...). ب. سنجه کار گروهی و تقسیم مسئولیت عادلانه: مسئله‌ای که در این سنجه از متولیان ارزیابی خواسته می‌شود تا آن‌را رصد و گزارش دهند، نوع تقسیم مسئولیت‌ها و تقسیم کارها در یک کلاس یا مدرسه است. این سنجه گویای آن است که به چه میزان کل یک کلاس یا برخی افراد خاص مسئولیت‌پذیری بیشتری دارند؟

شاخص چهارم: ایثار و از خودگذشتگی

این شاخص را با سنجه‌های طبیعی و نیز با موقعیت‌سازی‌های ویژه مورد ارزیابی قرار داد. مقصود از سنجه‌های طبیعی، موقعیت‌های واقعی است که در طول سال برای دانش‌آموزان و یا یک کلاس پیش می‌آید. مثل اینکه صبحانه زیارت عاشورا به تعداد دانش‌آموزان نیست، و برخی از دانش‌آموزان داوطلبانه سهم خود را به دیگران می‌دهند. اینجا مربی باید عکس‌العمل‌های دانش‌آموزان را رصد کند.



مدیریت مدرسه می‌تواند برای سنجش این شاخص از راهکار «موقعیت‌سازی» نیز استفاده کند؛ یعنی در طراحی یک برنامه به گونه‌ای عمل شود که امکانات به اندازه تعداد دانش‌آموزان نباشد. در اینجا عکس‌العمل دانش‌آموزان باید رصد شود.

نکته: دقت شود مصادیق ایثار و فداکاری، بسیار پرشمار است و نباشد در رصدها و موقعیت‌سازی‌ها به چند نمونه و مصداق بسنده کرد. به عنوان مثال اینکه دانش‌آموزان وقت خود را ایثار می‌کنند و به هم‌کلاسی‌های خود در درس‌خواندن کمک می‌کنند، یک مصداق مهم ایثار است.

۸۹

مدرسه آینده‌ساز

شاخص پنجم: رقابت جویی سالم، برای قله‌نمایی

اگر دانش‌آموزان در مسیر حرکت و رشد خودشان رقابت و مسابقه نداشته باشند، شوق و انگیزه کافی را برای انجام مأموریت‌هایشان نخواهند داشت. رقابت، با خود هیجانی را دربر دارد که تحمل بسیاری از مشکلات را برای دانش‌آموز آسان می‌کند. نوجوانان در حال و هوای رقابت، گوش شنواتری برای تذکر ضعیف‌هایشان پیدا می‌کنند. اگر رقابت نباشد، به ضعف‌های خود واقف نمی‌شوند، و نقاط قوت حرکتشان نیز برایشان خوب ترسیم نمی‌شود. آیه ۱۴۸ سوره بقره (فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ) نیز شاید به همین حقیقت اشاره دارد.

از طرف دیگر اگر این حس رقابت‌جویی مدیریت نشود، می‌تواند منشأ چشم و هم‌چشمی‌ها و مقایسه‌های اشتباه شود. به همین جهت، این شاخص از درجه اهمیت بالایی در حیطه تربیت، و به تبع آن در حیطه ارزیابی برخوردار است.

الف. سنجه شور و هیجان و شادابی در گروه: کلاس یا مدرسه‌ای که در حال و هوای رقابت با گروه یا گروه‌های دیگر است، متشکل از اعضای است که دل‌مرده و خموده نیستند، برای رسیدن به رقیب خود، با شور و نشاط، از تمام ظرفیت خود استفاده می‌کنند.

ب. سنجه مراقبت گروهی از سلامت در رقابت: دانش‌آموزان به هر قیمتی نمی‌خواهند برتری خود را اثبات کنند. بیش تمرکز خود را روی داشته‌ها و ظرفیت‌های درون گروه خود قرار داده‌اند. شکست و از بین رفتن رقیب را نمی‌خواهند. بیهوده وقت خود را صرف تخریب رقیب نمی‌کنند. از نکات مثبت و خوب در عملکرد رقیب استفاده می‌کنند.

ج. سنجه تجلی رفتارهای دوستانه در میان رقابت: کمک‌کردن به افراد دیگر گروه‌ها، برخورد دوستانه و محبت‌آمیز با رقیبان (در حالی که رقابت هم جدی است)، عکس‌العمل مناسب و دوستانه در هنگامه پیروزی و هم‌چنین عدم پیروزی، از مصادیق این سنجه است.



فرایند ارزش‌یابی

آنچه تا بدین جا نگاشته شد، کلیات و جهت‌گیری‌های علمی ارزیابی بود. در میدان عمل مدیر محترم مدرسه فرایند ارزیابی را با کمک راهبران خود اجرایی خواهد کرد. ۹۰
در ادامه گام به گام به بخش‌های مختلف فرایند اجرایی ارزش‌یابی خواهیم پرداخت.

گام اول. تنظیم و طراحی پرونده تربیتی کاربردی براساس ویژگی‌های بومی منطقه

شاخصه‌ها و بخش‌های مختلفی که در یک پرونده تربیتی باید پر شوند، عمومی و قابل استفاده برای دیگر مدارس و بخش‌ها هستند. اما سؤالات جزئی که در هر بخش طراحی می‌شوند، بسته به بوم و ویژگی‌های مدرسه و منطقه متفاوت هستند. به همین جهت راهبر ارزش‌یابی هر مدرسه باید به کمک اعضای «کارویژه ارزش‌یابی» جزییات پرونده تربیتی را طراحی کند. این کارویژه می‌تواند متشکل از مدیر، معاونین، نماینده دبیران و نماینده اولیاء دانش‌آموزان باشد. در مسیر طراحی جزییات یک پرونده تربیتی باید به بخش‌های زیر توجه شود. جهت مشاهده بخش‌های مختلف یک «پرونده تربیتی» و نمونه آن می‌توانید به کتاب «امین صدرا» مراجعه نمایید. نسخه الکترونیکی این کتاب را می‌توانید با مراجعه به کتابخانه تارنمای «بنیاد ملی نوجوان» زیر دریافت نمایید.

گام دوم: رصد و پایش

راهبر ارزش‌یابی پس از تنظیم برگه پرونده تربیتی، با توجه به امکانات و زیرساخت‌های مدرسه از روش‌های مختلف می‌تواند گام رصد و پایش را آغاز نماید.
روش اول: تشکیل پرونده فیزیکی (برگه‌دان) مخصوص هر کلاس.

در این روش هر کلاس یک برگه‌دان ویژه دارد که برگه ارزش‌یابی هر دانش‌آموز در آن موجود است. برگه مصاحبه ورودی، ارزش‌یابی علمی و تربیتی معلمین و مربیان از دانش‌آموز، شخصیت‌شناسی اولیاء، فعالیت‌های دانش‌آموز در تشکلهای مدرسه، کارنامای آموزشی نیم‌سال و پایانی، در این برگه‌دان جمع می‌شوند.

روش دوم: استفاده از سامانه‌های جمع‌آوری اطلاعات (پرونده الکترونیکی)
دسته‌بندی و شکل ظاهری اطلاعات در این روش بهتر، و دسترسی به آن‌ها راحت‌تر است. از نظر سخت‌افزاری حجم بسیار کمتری از اتاق مدیر مدرسه اشغال می‌شود و قابلیت رؤیت اطلاعات توسط کاربران مختلف، با دسترسی‌های متفاوت به اطلاعات امکان دارد. مثلاً والدین می‌تواند به صورت برخط، نظر معلم‌ها و اعضای اجرایی مدرسه را نسبت به روند رشد دانش‌آموز خود مشاهده کنند.

نکته: در بازه زمانی پیش‌ثبت‌نام مدارس، مدیران محترم می‌توانند پرسش‌های اولیه از داوطلبین ورود به مدرسه را در سامانه بارگذاری کنند و بخشی از اطلاعات مورد نیاز خود را پیش از مصاحبه حضوری در اختیار داشته باشند. هم‌چنین پس از ثبت‌نام اولیه برای آشنایی بهتر با دانش‌آموزان ثبت‌نام‌شده، می‌توان «اردوی ارزش‌یابی» برگزار کرد. نکات اجرایی این اردو و برگه‌های مخصوص آن را در قالب جلد دوم کتاب «اردو ماجرایی من است» می‌توانید



ملاحظه بفرمایید. نسخه الکترونیکی این کتاب را می‌توانید با مراجعه به کتابخانه تارنمای «بنیاد ملی نوجوان» زیر دریافت نمایید.

آنچه پیش‌نیاز اجرای این روش است، خرید و دستیابی به سامانه‌ای با امکانات مناسب، و توانایی راهبر ارزش‌یابی در استفاده از سامانه است.

گام سوم: خودارزیابی دانش‌آموزان و اولیاء

در آداب دینی ما به «مراقبه و محاسبه و خودشناسی» سفارش زیادی شده است. تمرین این مهم، از دوران نوجوانی موجب می‌شود دانش‌آموزان امروز خود را برای دوران مسئولیت جدی زندگی آماده‌تر کنند. در سند ملی درسی نیز به این گام و رویکرد، با توصیف «ارزش‌یابی مطلوب» چنین اشاره شده است: «زمینه انتخاب‌گری، خودمدیریتی و رشد مداوم دانش‌آموز را با تأکید بر خود ارزش‌یابی فراهم می‌کند». هم‌چنین برای نزدیک‌تر شدن ذهنیت تربیتی اولیاء با مدرسه، به عنوان دو پایگاه اصلی تربیت دانش‌آموزان، لازم است والدین نیز ارزیابی خود را از دانش‌آموز ارائه دهند.

در هر نیم‌سال از سال تحصیلی، برگه‌ای برای ارزیابی خود دانش‌آموزان و والدین ایشان تقدیم می‌گردد. رعایت چند نکته در مسیر عملیاتی شدن این گام، مهم است:

۱. نگرش دانش‌آموزان و اولیاء ایشان نسبت به فرایند «خودارزیابی» باید مطابق با هدف آن باشد. اگر دانش‌آموزان و اولیاء احساس کنند صرفاً برای بالابردن نمره خود می‌خواهند در این فرایند شرکت کنند، و یا از پاسخ‌دهی واقعی اجتناب کنند، این گام به سر منزل مقصود نمی‌رسد.

۲. در قدم‌های اولیه اجرای این گام، نیازی به طراحی سؤال‌های پیچیده و زیاد از دانش‌آموزان نیست. همین که بتوانند پس از درنگی، یک ارزیابی چند خطی نسبت به عملکرد نیم ساله خود داشته باشند، کفایت می‌کند. ساده کردن مراحل خودارزیابی در قدم‌های اولیه، ضمانت اجرایی آن‌را بالا می‌برد.

۳. دانش‌آموزان و اولیای گرامی باید هم درباره صفات خودشان، و هم درباره کلاس و مدرسه خود نظرات و ارزیابی‌های خود را مرقوم کنند. این روند نیز به اندازه خود انگیزه مشارکت ایشان را در ارزیابی بالا می‌برد؛ چه اینکه خود را واقعاً در سیر تحولی و اصلاحی مدرسه دخیل می‌بینند. لازمه این نتیجه، جمع‌بندی، تحلیل و «عملیاتی کردن» نظرات دانش‌آموزان و اولیاء در مدرسه و یا «توضیح نسبت به موانع» عملیاتی کردن است.

۴. دسترسی به نتایج این ارزیابی باید محدود باشد. مدیر و راهبر ارزش‌یابی و بزرگوارانی که ایشان تشخیص می‌دهند، با رعایت رازداری باید این نتایج را واکاوی نمایند.

۵. اگر نتایج اصلاح روند و رشد دانش‌آموزان در طول دوره تحصیلی برای ایشان جلوه پیدا کند، بدون هیچ انگیزه‌سازی بیرونی از این گام استقبال می‌کنند. به عنوان مثال دانش‌آموزی که نقاط ضعف خود را در مهارت‌آموزی یادداشت می‌کند و در طول نیم‌سال به کمک اولیاء و معلمین خود، در این موضوع رشد می‌نماید، اثر خودارزیابی را به صورت ملموس می‌چشد.

۶. این گام از فرایند ارزش‌یابی، بیشتر با هدف «شناخت و توجه» خود دانش‌آموز نسبت به خودش طراحی شده است، نه «کنترل و مدیریت» او. شناختی که به او کمک می‌کند «پوشه شخصی» خود را بنگارد. راهبران ارزش‌یابی تسهیل‌گر این امر برای دانش‌آموز هستند.



گام چهارم: تحلیل و برآیندگیری

۹۲ کارگروه «ارزش‌یابی» پس از دریافت اطلاعات در طول نیم‌سال، جلساتی را برای تحلیل فرایند رشد دانش‌آموزان اجرا می‌کند. این کارگروه متشکل از مدیر، راهبر ارزش‌یابی (معاون یا مربی پرورشی، طلبه امین)، نماینده دبیران و نماینده انجمن اولیاء است و در قالب جلساتی منظم به کنکاش وضعیت پرونده‌های دانش‌آموزان می‌پردازد. در این مرحله اعضای کارگروه سعی می‌کنند اطلاعات پراکنده و پرتعداد مندرج در پرونده تربیتی را که در مدت مشخصی جمع‌آوری شده‌اند را «برآیندگیری» کنند. گام برآیندگیری یعنی بعد از دیدن شاخصه‌های مختلف، در جمله‌ای کوتاه، دانش‌آموز، کلاس، و در نهایت مدرسه را توصیف کنید.

گام پنجم: پیگیری شیوه اجرای تصمیمات در بدنه

هر دانش‌آموز و همچنین اولیاء او می‌تواند کارنامه فصلی خود را به صورت فیزیکی و یا در نمایه کاربری مخصوص خود در سامانه ملاحظه کند.

نمایه کاربری، یک صفحه از برآیند کلی ارزیابی هر دانش‌آموز / کلاس / مدرسه است، که پس از طی شدن مراحل جمع‌آوری تحلیل و برآیندگیری، طراحی و منعکس می‌شود. در این نمایه مواردی همچون: امتیازبندی وضعیت تربیتی نسبت به اهداف هویتی-مهارتی مورد نظر مدرسه، وضعیت مشارکت تربیتی در برنامه‌های فرهنگی و تربیتی مدرسه، برجسته‌کردن نقاط متمایزکننده و ویژگی‌های خاص تربیتی، پیشنهادات رشدی، مشخصات دانش‌آموزی درج می‌گردد.

به طور میانگین بین هر ماه تا ۳ ماه یک‌بار می‌توان یک نمایه کاربری به دانش‌آموزان و والدین منعکس کرد. نکته مهم در نمایه کاربری پیگیری بعد از آن است. یعنی خود مربی، و مربی‌ها و معلم‌ها و هم‌کلاسی‌ها، با هدف کشف و رشد استعدادها و برطرف کردن نقاط ضعف، از ظرفیت این نمایه‌ها برای ایجاد رقابت‌های سالم و افزایش انگیزه دانش‌آموزان استفاده می‌کنند.

هدایت تحصیلی و شغلی

نگاه تربیتی

اگر استعدادیابی و ارزش‌یابی را پله مقدماتی ورود به هدایت تحصیلی و شغلی بدانیم، با دو نگاه می‌توانیم نسبت به آن نظر داشته باشیم:

در یک نگاه، با استعدادیابی مأموریت دانش‌آموز توسط بزرگ‌ترها فراهم می‌گردد و دانش‌آموز نقش چندانی در تعیین سرنوشت خود ندارد.

در نگاه دوم، مربیان و مشاورین نقش تسهیل‌گر و هدایت‌کننده دارند. هم‌چنانکه در بخش صفات شخصیتی اشاره شد، نباید در دوران نوجوانی در هدایت تحصیلی دانش‌آموزان عجله کرد.

نکاتی پیرامون هدایت تحصیلی

۱. یکی از علامت‌ها و مستندات برای هدایت تحصیلی «نمره امتحان کتبی» دانش‌آموزان است، بلکه مهم‌ترین اطلاعاتی که به آن استناد می‌شود همین نمرات است. هدایت‌گری، صرفاً با در نظر گرفتن نمرات دانش‌آموزان اشتباه و خطا است. علاقه و استعداد و گونه شخصیتی دانش‌آموز نیز نقش بسزایی در هدایت تحصیلی دارند. استعدادشناسی و شخصیت‌شناسی نوجوانان در یک مسیر دو‌الی سه‌ساله میسر است. مطالعه پرونده تربیتی توسط مشاور تحصیلی، بسیار مهم و حیاتی است.
 ۲. نظرخواهی رسمی از معلمین و مربیان دانش‌آموز، به جهت استمرار ارتباط و شناخت دقیق‌تر نسبت به ایشان لازم و ضروری است. قسمتی در پرونده تربیتی دانش‌آموزان برای نظرخواهی درباره رشته تحصیلی ایشان قرار داده شود.
 ۳. در طول دوره تحصیلی، دوره‌ها و برنامه‌هایی برای آشنایی دانش‌آموزان با رشته‌ها و مشاغل متنوع برگزار شود. این فرایند می‌تواند با کمک خود دانش‌آموزان انجام شود. این آشنایی مقدمه‌ای است تا خود دانش‌آموزان با کمک و تسهیل‌گری مشاورین، رشته آینده خود را انتخاب کنند.
 ۴. علاوه بر استعداد برای ادامه تحصیل در رشته، و نیز علاقه شخصی به آن رشته، «نیاز جامعه» به مشاغل مرتبط با آن رشته، سومین ملاک برای یک انتخاب آگاهانه است. دانش‌آموزی که به این باور و اعتقاد رسیده است که باید باری را از جامعه اسلامی بردارد و تکلیف خود را نسبت به جامعه اسلامی انجام دهد، در انتخاب رشته تحصیلی و شغل آینده خود، این ملاک را بسیار مهم می‌داند.
- این سه ملاک، در قالب حلقه‌های گفت‌وگو و کارگاه‌های مخصوص باید برای دانش‌آموزان جا بیفتد.



برنامه‌های مرتبط با والدین و محیط اجتماعی

مدرسه و والدین

۹۷ تربیت و رشد والدین نقش بی بدیلی در تربیت فرزندانشان دارد. اگر در مدرسه برای فرایند رشد و توانمندسازی والدین فکر و برنامه ای نداشته باشیم، امکان دارد محیط تربیتی منزل با محیط تربیتی مدرسه متضاد شود. در قدم اول، باید دغدغه ها و مسائل والدین تنظیم شود. تنظیم دغدغه ها به معنای این است که هم دغدغه های موجود در ذهنشان را جمع آوری کنیم، و هم تلاش کنیم ذهن و دلشان نسبت به برخی مسائل توجه بیشتری پیدا کند. در گام دوم با توجه به نظام مسائل والدین، جهت رشد و هم راستایی بیشتر خانه و مدرسه اقدامات اجرایی را رقم زد.

اول: نظام مسائل والدین

روش های دستیابی به مسائل والدین

- برای دستیابی به مسئله ها و دغدغه هایی که ذهن و دل والدین را به خود مشغول کرده است، از روش های مستقیم و غیر مستقیم می توان بهره برد:
۱. در هنگامه مصاحبه ورودی با والدین، بخشی از پرسش نامه و یا سؤالات شفاهی به بررسی دغدغه ها و اولویت مسائل والدین، اختصاص پیدا کند.
 ۲. در طول سال و با همکاری انجمن اولیاء و مربیان نسبت به موضوعات مختلف، مسائل والدین جمع آوری شود. به عنوان نمونه در ماه مهر و هم زمان با انتخابات شوراهای دانش آموزی، مسائل مرتبط با میزان و چگونگی مسئولیت پذیری فرزندان در خانه، جمع آوری شود.
 ۳. پرسش نامه های مجازی، بستری است که از طریق آن می توان دغدغه های والدین را بدون اینکه نامی از خود ببرند، دید و جمع آوری کرد.
 ۴. گاهی در گفت وگوها و صحبت مربیان و معلمان با دانش آموزان، برخی مسائل والدینشان از دیدگاه آنها بیان می شود. گرچه این نوع صحبت ها از پنجره دید فرزندان است، اما به اندازه خود در شناخت دغدغه های والدین مؤثر است.

دغدغه های والدین چه باید باشد؟

پس از جمع آوری و دسته بندی مسائل والدین، شورای مدرسه به بررسی نظام مسائل مطرح شده توسط والدین می پردازد. اگر در این میان مسئله ای از دید شورای مدرسه، از قلم افتاده بود و والدین به آن مسئله توجه نداشتند، باید در جلسات خانواده به این دغدغه ها اشاره شود تا به تدریج آن موارد هم جزو مسئله ها و دغدغه های والدین بشود. در غیر این صورت فضای ذهنی و نظام مسائل والدین و شورای مدرسه ناهمگون خواهد شد. و این سرآغاز رویکردهای متضاد خانه و مدرسه است!



دوم: نظام رشد و ارتقای خانواده

سبد متنوع برنامه های خانواده

الف. تنظیم جلسات گفت وگو و مشاوره بر اساس نظام مسائل والدین

۹۸

مدرسه آینده ساز

جهت دهی و نظم بخشی به جلسات خانواده و برنامه مشاوره مدرسه، موجب بالا رفتن بازده این دو برنامه مهم می شود.

شورای مدرسه با همکاری انجمن اولیاء، بر اساس نظام مسائل والدین، «تقویم جلسات» را تنظیم می نمایند و تمام تلاش خود را در مسیر عملیاتی کردن این تقویم بکار می برند. در این تقویم، جلسات حلقه های متصل به هم می شوند که سلسله ای از گفت وگوهای مفید و هدفمند را تشکیل می دهند.

هم چنین انتخاب اساتید و مربیان، متناسب با این سیر محتوایی و نظام مسائل انجام می شود. تجمع این نظام مسائل و مطرح کردن آن در جلسات شهرستانی و استانی مرتبط با «جلسات خانواده» در آموزش و پرورش، موجب آگاهی بیشتر مسئولین مربوط در این زمینه می شود. در نگاهی کلان تر، این مهم می تواند به نویسندگان کتاب های مشاوره در تألیفات خود کمک کند.

جلسات خانواده در گروه ها و بخش های متنوع می تواند برگزار شود.

۱. جلسات منظم دو هفته یکبار نماینده معلمین، با والدین یک کلاس، با نظارت نماینده شورای مدرسه
۲. جلسات یک ماه یکبار با حضور مدیر مدرسه و اعضای انجمن
۳. جلسات دو ماه یکبار آموزشی با حضور اساتید
۴. جلسات شهرستانی با مشارکت چند مدرسه که در یک مقطع هستند، با موضوعی مشترک
۵. جلسات مشاوره و هم فکری والدین یک دانش آموز درباره مسئله ای خاص
۶. راه اندازی صفحه مجازی تعاملی جهت بارگذاری محتواهای متناسب با نیاز والدین و استفاده از ظرفیت تولید محتوای خانواده ها

ب. تشکیل و نقش آفرینی انجمن اولیاء کارآمد و چابک

انجمن اولیاء باید به بازوی ارتباطی مدرسه و والدین تبدیل شود. این هدف وقتی محقق می شود که نظام انتخاب اعضا، دقیق تر و متناسب تر با نظام مسائل والدین انجام گیرد. اگر والدین گرامی احساس کنند نقش آفرینی انجمن اولیاء در امور مدرسه واقعی و اساسی است، انگیزه بیشتری برای شرکت در این تشکیلات پیدا می کنند.

ج. برنامه ریزی جهت مشارکت همه جانبه والدین در امور مدرسه

انجمن اولیاء و مربیان، فرصت ها و بخش هایی که والدین می توانند در آن نقش آفرینی داشته باشند را فهرست می نماید. هم چنین با تماس و ارتباط با والدین، از ظرفیت های هر کدام از والدین محترم برای مشارکت در امور مدرسه نیز باخبر می شوند.



کوچک کردن مسئولیت‌ها و تقسیم آن بین والدین بیشتر، موجب مشارکت همگانی والدین در امور مدرسه می‌شود.

د. برنامه‌های داخل و خارج از فضای مدرسه جهت انس و همدلی اولیاء مدرسه

۱. برگزاری اردوهای خانوادگی، اردوهای پدر و پسر، مادر و دختری
۲. ارائه جزوات محتوایی و راه‌اندازی بخش مخصوص «کتاب‌خانه خانواده» در اتاق مشاوره مدرسه

ه. نظرسنجی و بازخورد

اعضای اجرایی مدرسه بویژه مدیر، باید با والدین به گونه‌ای رفتار کنند که خانواده دانش‌آموز، مدرسه را جزوی از زندگی خود بداند و به همین جهت بازخورد برنامه‌ها و نوع برخوردها را در ساحت‌های مختلف، براحتهی بتواند با ایشان در میان بگذارد.

در این میان البته، گاهی به دلایل مختلف، والدین از ابراز رودرروی نظراتشان خودداری می‌کنند. طراحی پرسش‌نامه‌های مجازی، و درگاه‌های اینترنتی برای دریافت نظرات و بازخوردها، مکمل مواجهه حضوری است.



برنامه های مرتبط با محیط اجتماعی پیرامون مدرسه

۱۰۰

مدرسه آینده ساز

اینکه مدرسه، محیط اجتماعی پیرامون خود را جزو مخاطبین تربیتی خود بداند، و در ارتباط با محله، برنامه ریزی داشته باشد، یکی از راهبردهایی است که در سند تحول به صورت ویژه بدان پرداخته شده است. در راهکار کلان هفتم سند تحول بنیادین آموزش و پرورش به افزایش نقش مدرسه به عنوان «کانون پیشرفت محلی» به ویژه در ابعاد فرهنگی-اجتماعی اشاره شده است. برای تحقق این راهکار کلان، سه راهکار جزئی و مشخص، بیان شده است:

۱. تبیین وابستگی متقابل مدرسه و جامعه محلی،
۲. فراهم کردن زمینه های لازم برای ارتقای نقش مدرسه به نهاد الگو و کانون کسب تجربیات تربیتی محله،
۳. فرصت سازی برای حضور فعال و مشارکت جویانه و هم جانبه والدین و سایر اقشار جامعه در محیط مدرسه.

نگاه تربیتی به این عرصه

یکی از راهبردهای تربیتی برای رشد افراد و مجموعه ها، بزرگ کردن حوزه مأموریتی، دغدغه ها و دنیای مخاطب است. مدرسه و به تبع آن دانش آموزان، تا زمانی که فقط در چهارچوب دیوارهای مدرسه، فعالیت خود را منحصر کنند، رشدی محدود خواهند داشت. اما اگر مدرسه را به معنای واقعی کانونی فعال و مؤثر در جامعه پیرامونی مدرسه، و محله بدانند، به سمت کسب مهارت های لازم برای ارتباط مؤثر با محله هم می روند. مهم ترین اثر تربیتی این روش، این است که نوجوانان و مدرسه فعال و کنش گر و اثرگذار، به میزان فعالیت و عمق آن، «هویت» پیدا می کند و در نتیجه درجه تأثیرپذیری و انفعال کمتری خواهد داشت.

نقشه راه عملیاتی

برای اینکه مدرسه به کانون فعال محلی تبدیل شود، مراحل زیر باید اجرایی شود:

مرحله اول- ارتباط با پایگاه های فعال محلی؛ مانند مسجد، کانون پرورش فکری، کتابخانه ها و سرای محله شهرداری ها، دارالقرآن، و هم چنین تشکلهای و گروه های مردمی فعال محلی. این ارتباط، ظرفیت های مشترک دو طرف را مشخص می کند.

مرحله دوم- طراحی و اجرای عملیات های مشترک بین دو بخش

برخی نمونه ها هم راستا با این مرحله، در ساحت های مختلف تربیتی، بویژه ساحت سیاسی-اجتماعی بیان شد.

مرحله سوم- تشکیل قرارگاه محلی تعلیم و تربیت، با حضور فعالین پایگاه های مختلف، جهت بررسی و گفت و گو درباره مسئله های مشترک

بخش ۵

سرمایه انسانی مدرسه



سرمایه انسانی یک مدرسه شامل کسانی است که در نقش‌آفرینی تربیتی این نهاد، تأثیر مستقیم دارند. بنابر این تعریف، علاوه بر کارکنان رسمی و معلمان، تشکلهای دانش‌آموزی و انجمن اولیاء و مربیان نیز جزو سرمایه انسانی مدرسه محسوب می‌شوند.

حضور سرمایه انسانی کارآمد و با انگیزه در مدرسه، یکی از مهم‌ترین ارکان تحقق برنامه‌های ارائه شده در ساحت‌های شش‌گانه تربیتی است. «مدیر مدرسه» در مرکز این شبکه انسانی، به دنبال این است که یک گروه منسجم و توانمند را دور هم جمع کند تا بتواند به بهترین شیوه به اهداف سند تحول بنیادین آموزش و پرورش برسد. فراهم کردن بهترین «معلم‌ها»، تکمیل کردن «معاونین» مدرسه و بهره‌مند بودن از «شبکه فعال دانش‌آموزان و والدین» از آرزوهای هر مدیر دلسوز در مدارس دولتی است.

بنابراین سخن را در سه بخش اصلی «کارکنان و معلمان مدرسه»، «تشکلهای دانش‌آموزی» و «انجمن اولیاء و مربیان» پیش خواهیم برد.



کارکنان و معلمان مدرسه

۱۰۴ در میان کارکنان مدرسه، یکی از مهم ترین نقش ها را «مدیر مدرسه» ایفا می کند. انتخاب مدیر مدرسه دارای ضوابط و چهارچوب های داخلی ادارات آموزش و پرورش است. اما مشخص کردن معیارها و ویژگی های لازم برای مدیر مدرسه و هم چنین کمک به راهبری او در مدرسه، بخشی است که می توان در آن از تجربیات خوب بدنه آموزش و پرورش استفاده کرد. تعیین ویژگی های لازم برای «مدیر تراز»، این کمک را به شبکه آموزش و پرورش می کند که در صورت وجود نقاط ضعفی در مدیریت، این نقاط قابل بررسی، تحلیل و برطرف شدن خواهد بود. به بیان دیگر خود مدیر می تواند معیارها را در عملکرد خود بررسی کند و اگر با مدیر تراز فاصله دارد، برای کسب آن ویژگی ها تلاش کند. مجموعه این فرایند «مسیر رشد مدیر» را فراهم می کند.

مدیر تراز مدرسه

نکته: برخی ویژگی های مدیر که در بند ۷-۸ از برنامه درسی ملی بدان اشاره شده است از جمله ویژگی های عمومی است که مدیران باید دارای آن باشند؛ مانند مؤمن، خلاق، متعهد، منعطف، اهل فکر، آینده نگر، مشارکت پذیر، راهبر تربیتی، مدیر و مدبر و دارای سعه صدر و صلاحیت های حرفه ای.

اما برخی از آن ویژگی های ذکر شده در برنامه درسی ملی، و نیز تعدادی از ویژگی های بیرون از برنامه که در اینجا بدان اشاره می کنیم در اجرایی سازی سند تحول بیشتر مورد نیاز است. به همین جهت در راستای تکمیل مطالب برنامه درسی ملی به آن ویژگی ها اشاره می کنیم:

۱. معتقد به لزوم «تحول» در نظام آموزش و پرورش باشد، و در این مسیر تمام تلاش خود را انجام دهد. در این راستا لازم است برای تحقق «چرخش های تحول آفرین» در مدرسه گام هایی را طراحی کند. به صورت مشخص مدیر تراز باید «نقشه راه» موارد زیر را به کمک همکارانش طراحی و اجرا کند:

الف. برنامه های لازم جهت تبدیل مدرسه از نهادی صرفاً آموزشی، به نهادی فرهنگی-اجتماعی و تربیت کننده نیروی انسانی جامعه اسلامی

ب. تدابیر لازم جهت جهت تغییر رویه مدرسه از کنترل شدید دانش آموزان و استفاده افراطی از ابزارهای تشویق و تنبیه، به سمت «نقش آفرینی»، «خودکنترلی» و «مسئولیت پذیری» ایشان در قبال وظایف فردی و اجتماعی

ج. اقدامات مورد نیاز جهت «مشارکت فعال» والدین، دانش آموزان، جامعه محلی اطراف مدرسه، و نهادهای فرهنگی در اداره مدرسه

۲. در ویژگی های اخلاقی و انسانی، یک گام جلوتر از همکارانش باشد و دانش آموزان ایشان را «الگوی رفتاری» خود بدانند. این ویژگی ها در حیطه ایمان و تقوای الهی، سعه صدر، تواضع، خوش اخلاقی، خوش زبانی، تلاشگر و مجاهد بودن، روحیه جهادی، انتقادپذیری، نظم و رعایت قوانین، و دیگر خصوصیات است که ما از خروجی مدرسه انتظار داریم.

نکته: پرواضح است که هر انسانی از جمله مدیران محترم، در ویژگی های اخلاقی و انسانی دچار ضعف هایی



هست. اما مهم این است که برآیند شخصیتی آن مدیر در نگاه مخاطبانش مثبت باشد، و همچنین مهم است که در مسیر اصلاح و رشد خود تلاش کند.

۳. مدیریت روبه جلو و پیشرو داشته باشد. مدیریت پیشرو، هیچ گاه اسیر مشکلات و موانع نمی شود. برای برون رفت از چالش ها همیشه از روش های خلاقانه بهره می برد. بن بست برای او و همکارانش معنا ندارد. در بینش و رفتار «امیدآفرین» است.

۴. جامعیت و تعادل داشته باشد و در فکر و عملکرد، تک بعدی نباشد. برخی مدیران فقط به مسائل آموزشی، و مدیریت کلاس درس می اندیشند، و برخی دگر جز برنامه های پرورشی، چندان تمرکز و دغدغه ای در ساحت علمی و فن آوری ندارند. در بند ۲۷ بیانیه ارزش های سند تحول، از مدرسه به عنوان «کانون تعلیم و تربیت رسمی عمومی و محل کسب تجربه های تربیتی» یاد شده است. لازمه تحقق این عنوان، آن است که مدیر مدرسه از نظر فکر و عملکرد تربیتی «جامع و متعادل» باشد.

۵. از فرصت های طلایی سند تحول بنیادین جهت طراحی «برنامه ویژه مدرسه» و تشکیل «کانون مدرسه» استفاده کند.

در راهکار ۵-۵ از فصل ششم سند تحول به هر مدرسه اجازه داده شده حداقل ۱۰ درصد و حداکثر ۲۰ درصد از برنامه های آموزشی خود را به معرفی حرفه ها، هنرها، جغرافیا، آیین و رسوم، نیازها و شرایط اقلیمی و جغرافیایی استان ها به ویژه مناطق روستایی و عشایری با رعایت استانداردهای ارتقای کیفیت و تقویت هویت اسلامی-ایرانی دانش آموزان در چارچوب ایجاد کارآمدی و تقویت هویت ملی اختصاص دهد. همچنین در راهکار ۱-۷ به مدرسه این فرصت داده شده تا زمینه های لازم برای نقش آفرینی به عنوان کانون پیشرفت محلی به ویژه در ابعاد فرهنگی-اجتماعی را فراهم آورد.

۶. تعامل سازنده و همگرا با دیگر عوامل اجرایی مدرسه، معلمان، دانش آموزان و والدین ایشان داشته باشد. در بند ۴ از ویژگی های ذکر شده در برنامه درسی ملی، در این باره آمده: «با برقراری روابط صحیح، سازنده و پویا، امکان درک و اصلاح مداوم موقعیت را برای کلیه عوامل، کارکنان و خانواده ها و دستیابی به سازمان یادگیرنده فراهم می سازد».

این یعنی مدیر باید یک پله در مدیریت عواطف، احساسات، و هیجانات جلوتر از همکاران و مخاطبان مدرسه باشد. گوش شنوایی برای شنیدن درد و دل ها و ناخرسندی ها داشته باشد، و اقتدار و محبوبیت لازم جهت پادرمیانی بین مخاطبینی که در ارتباطشان چالش ایجاد شده را، دارا باشد. تجربه برخی مدیران موفق این را نشان می دهد که برای نیل به این سطح از ایجاد هم گرایی، مدیر محترم باید به ویژگی های شخصیتی همکاران، دانش آموزان و والدین نیز تا حد زیادی آگاه باشد. تشکیل پرونده شخصیتی ساده از هر کدام از این افراد، کمک بسزایی به مدیر فعلی و مدیران آینده مدرسه می کند.

آنچه «مدیریت تحول خواه» را دلنشین تر و پربازده تر می کند

مدیران محترم مدارس، فارق از اینکه چه مقدار در کار خود حس موفقیت دارند، با رعایت نکاتی می توانند خود را در مسیر رشد قرار دهند و کیفیت مدیریت خود را ارتقا دهند.

۱. مدیر باید خودش را بهتر بشناسد و بی جهت خود را با دیگران مقایسه نکند.



درست است که قواعد کلی و کلان مدیریت یکسان است، و می تواند ملاک و معیار قضاوت درباره کیفیت مدیریت یک شخص باشد، اما هر مدیری شخصیت خاص خودش را دارد. نقاط قوت و ضعف شخصیتی هر انسان، مسیر حرکت او را مشخص می کند. مقایسه بی جا بین خود و دیگر مدیران، و بدون نقشه پیروی کردن از ایشان، شخصیتی غیرواقعی از مدیر می سازد. فارغ از تفاوت های شخصیتی خود مدیران، مخاطبان و دانش آموزان مدارس نیز باهم یکسان نیستند و این مدیر است که می تواند برای رشد دانش آموزانش، «مسیر رشد ویژه» طراحی و اجرا کند.

۲. پیش از اینکه دیگران به فکر ارتقای رتبه و رشد مدیر باشند، خود باید برای رشد و حرکتش برنامه ریزی داشته باشد. این مسیر شامل «مطالعات»، «بازدیدها»، «گفت وگوها»، «تولیدات مکتوب»، «ارزیابی عملکرد و اصلاح نقاط ضعف» و ... است.

مدیر مدرسه با وجود مشغله های فراوان، و مسئولیت سنگین اداره مدرسه، اگر به فکر رشد و حرکت خود نباشد، با چالش «روزمرگی و مدیریت راکد» مواجه می شود.

در این میان «دوره های و نشست های صمیمی» و «پربازده مدیران یک منطقه یا شهرستان، نقش راهبردی دارد؛ چه اینکه تمامی موارد بالا (از گفت وگو گرفته تا ارزیابی) می تواند در بستر آن محقق شود.

۳. یکی از بخش های مهم ارتقا و رشد مدیران محترم، «برنامه ویژه معنوی و عبادی» است. به همین جهت این بخش را به صورت مستقل بیان کردیم.

مدیر مدرسه حتما باید برای نماز اول وقت، تلاوت مستمر و بابرنامه قرآن، تهجد و شب زنده داری، و توسل ها و زیارت های خود برنامه داشته باشد. اگر به درستی بر این باوریم که این شغل، شغل انبیاء است، باید روح خود را تقویت کنیم، و جان خود را پاک و طاهر نگاه داریم تا با دلی دریایی خادم دانش آموزان در مسیر تربیت و رشدشان باشیم.

۴. تلاش برای ایجاد «فرهنگ همکاری» در میان تمام خانواده مدرسه را فراموش نکند. استفاده از ظرفیت و مشارکت دانش آموزان، فقط یک حرکت نمایشی برای مشغول کردن این عزیزان نیست، بلکه راهبردی است جهت رشد هدفمند نوجوانان این سرزمین، و استفاده از ظرفیت های ایشان برای اداره و پیشرفت مدرسه.

محقق شدن این مهم، در درجه اول نیازمند باور عمیق مدیران محترم به توانمندی دانش آموزان خودشان است. در مرحله بعد، باید بین علاقه های دانش آموزان، و نیازهای مدرسه و مسیر رشدشان، نسبتی واقعی برقرار کنیم. به گونه ای که این عزیزان احساس نکنند مدیر مدرسه فقط برای راه افتادن و برطرف کردن نیازهای مدرسه از ظرفیت ایشان استفاده می کند!

در این بین چند نکته از اهمیت بالایی برخوردار است:

الف. مدیر باید با رعایت تدبیر و عقلانیت، جرئت تفویض بخشی از اختیارات خود را به دانش آموزان داشته باشد. اجرایی سازی این نکته نیازمند «قدرت خطر کردن» در مدیر مدرسه و دیگر کارکنان رسمی مدرسه است. مدیری که برای هربار مسئولیت دادن به دانش آموزانش، دست و دلش می لرزد، برای خود کم هزینه تر می بیند که امور مدرسه را خودش و همکاران باتجربه اش بچرخانند، و اجازه اشتباه و خطا کردن به دانش آموزان نمی دهد. لذا در تمام امور مدرسه روحیه «تصدی گری» دارد.

ب. مأموریت ها باید متناسب با توان و استعداد دانش آموزان باشد. هم چنین توضیح کافی درباره چگونگی انجام



آن مسئولیت و مأموریت به او داده شود. در طول مسیر اجرای مسئولیت نیز، دانش آموز باید به بزرگ ترها به عنوان پشتیبان و کمک کننده نگاه کند، نه اینکه او را در این مسیر رها کرده باشند.

ج. گاهی ناخواسته ما کاری انجام می دهیم که انجام کار و مسئولیت در مدرسه به عنوان یک کار پست و نامناسب جلوه می کند. مثلاً برای تنبیه دانش آموزان به ایشان کار می سپاریم. اگر برای تنبیه او بگویی برو و کلاس را تمیز کن، دیگر تمیز کردن کلاس به عنوان یک مسئولیت خوش آیند در ذهن و دل او جایگاه پیدا نمی کند. این نکته خیلی مهم است که خادمی و کسب مسئولیت در مدرسه، یک «افتخار» برای ایشان تلقی شود.

۵. نوع رفتار مدیر با همکاران و اولیای محترم باید «کریمانه و محترمانه» و به یک معنا «پدرانه» باشد. شاید برخی مدیران این گونه تصور کنند که اگر بخواهند «اقتدار» و «شخصیت» مدیر را حفظ کنند، نباید در برابر نیروی زیردست خود، تواضع به خرج بدهند. اتفاقاً مدیر مقتدر و محبوب مدیری است که صحبت ها، درد و دلها و حتی گلایه ها و انتقادات همکارانش را نوش جان می کند، از ایشان در امور مدرسه به درستی مشورت می گیرد، برای والدین دانش آموزان احترام و عزت قائل است، اما در وقت اجرای برنامه، پُراراده و مصمم است. در این نوع تعامل، همکاران و معلمان «مدرسه» را خانه خود می دانند. نتیجه طبیعی این حس، تعامل و همکاری معلمان، در سطوح و مراتب متنوع است؛ چه همکاری حرفه ای و پررنگ، چه همکاری موقت و مناسبتی. مهم این است که همه همکاران و اولیای مدرسه احساس می کنند در برنامه های مدرسه نقش مؤثر ایفا می کنند. زمینه سازی در ایجاد و تقویت این روحیه «همدلی» بین همکاران، اولیای دانش آموزان، و در نهایت خود دانش آموزان با مدرسه، از مأموریت های مهم مدیر مدرسه است.

جهت تقویت این روحیه رعایت چند نکته بسیار اثرگذار است:

الف. خوب شنیدن درد و دلها و انتقادات و پیشنهادات هر شخص، زمینه ساز تبعیت او در زمان اقتدار و اعمال مدیریت عوامل مدرسه است. در این کفه تعادلی، مخاطب احساس نمی کند، مدرسه یک طرفه فقط دستور می دهد. ب. خوش رویی و با لبخندبودن را در راستای اقتدار حکیمانه خود ببینیم، نه از بین برنده آن.

ج. گاهی برای همکاران، معلمان، و حتی دانش آموزان نامه بنویسید و ابراز محبت ها، رهنمودها و درخواست های خود را در قالب نامه به ایشان انتقال دهید. تنوع در راه های ارتباطی با مخاطبین، موجب می شود اگر در مواجهه حضوری دلخوری پدید آمده باشد، راه های دیگر برای تقویت همدلی و برخورد کریمانه بسته نباشد.

۶. در فرایند «ارزشیابی عملکرد مدرسه»، به معنای واقعی، دانش آموزان، معلمان و والدین را سهیم نماید. این امر هم به صورت رسمی و منظم و در چهارچوب جلسات «شورای دبیران» و «شورای دانش آموزی» باید رقم بخورد، و هم با یک فرهنگ سازی عمومی در سطح دانش آموزان؛ به گونه ای که دانش آموزان، تجربه خوب پیشنهاد دادن، انتقاد کردن، و اهمیت دادن به نظرات و ارزشیابی های خود را از عملکرد مدیر و معاونین و معلمان را بارها و بارها چشیده باشند و فرهنگ مشارکت در ارزشیابی در مدرسه به تدرج نهادینه شود.

۷. برای خانواده و فرزندان خود وقت کافی و مناسب قرار دهد. انجام وظیفه نسبت به خانواده و وقت گذاشتن برای تربیت و ارتباط مؤثر با فرزندان، برای یک مدیر تحول خواه، از نان شب واجب تر است؛ چه اینکه مخاطبین تربیتی مدرسه با ذره بین، این ارتباط را تحت نظر می گیرند. اگر مدیری خدایی نکرده در زندگی خانوادگی خود دچار چالش باشد، و این چالش برخاسته از کم کاری ایشان باشد، تأثیر فرهنگی و تربیتی و حتی علمی خود را روی دانش آموزان کم رنگ کرده است.



عوامل اجرایی و معلمان مدرسه

بخش مهمی از بار تربیتی مدرسه بر دوش نیروهای زحمت کش و پرتلاش اجرایی مدرسه است. معاونین مدرسه، مربیان تربیتی و طلاب طرح امین، از جمله این نیروها هستند. اما مهم ترین نقش در پی ریزی تربیتی دانش آموزان را معلمان فداکار برعهده دارند.

مجموعه این عزیزان، در زندگی شخصی و کاری خود، هم دارای ظرفیت ها و نقاط قوت هستند، و هم از آسیب ها و چالش هایی رنج می برند. ملاحظه و بررسی تمامی این جوانب ما را به یک راه و مسیر عملیاتی رهنمون می کند. مسیری که مقصد نهایی آن «تحول در مدرسه» است.

در قسمت اول از این نوشتار، «مسئله ها و چالش های مدرسه» در حیطه «عوامل اجرایی مدرسه» بررسی و جمع آوری شده است. در قسمت بعدی «ظرفیت های دورنی مدرسه» برای برون رفت از آن چالش ها ارائه شده است. و در نهایت یک «بسته پیشنهادی» تقدیم می گردد.

مسئله ها و چالش ها

۱. نداشتن توانمندی، سابقه، و تمرکز کاری مورد نیاز برخی اعضای اجرایی مدرسه
۲. کمبود نیروی انسانی متعهد و کارآمد
۳. کم انگیزه بودن برخی معلمان در مسیر تربیت دانش آموزان
۴. احساس کم بودن منزلت اجتماعی معلمان، و در نتیجه کم شدن متقاضی ورود به عرصه فرهنگیان
۵. به روز نبودن مهارت های علمی و ارتباطی معلمان و عوامل مدرسه با توجه به اقتضائات نسل جدید
۶. شبکه نبودن و عدم ارتباط معاونین و معلمان، جهت استفاده از تجربیات و ظرفیت ها
۷. نقش کم رنگ مدیران در انتخاب همکاران و معلمان
۸. تفاوت فرهنگ ها و سطح تربیتی عوامل اجرایی و معلمان مدرسه

ظرفیت های درونی مدرسه

برای برون رفت از چالش های ذکر شده در قسمت قبلی، ابتدا باید به ظرفیت های درون مدرسه توجه کنیم. فرض کنیم هیچ کسی بیرون مدرسه نیست که به ما در این مسائل یاری برساند. آیا می توانیم دست روی زانوهای خودمان بگیریم و مشکلات را حل کنیم؟ در ادامه به برخی ظرفیت های درونی مدرسه اشاره می کنیم:

۱. تجربه گران سنگ مدیران و معلمان باتجربه و بازنشسته
۲. کمک والدینی که در امر تعلیم و تربیت کارشناس هستند
۳. گسترده گی شبکه معلمان و تنوع روش های آموزشی و تربیتی هرکدام (این مهم، می تواند بستری برای تهیه بسته های متنوع و جامع جهت توانمندسازی دیگر همکاران باشد)
۴. اخلاص و انگیزه بالای برخی عوامل اجرایی و معلمان فعال و خلاق مدرسه، که می تواند پیشران حرکت های تحولی در مدرسه باشد.



۵. ظرفیت طلاب طرح امین، و دیگر طلبه‌های مرتبط با مدرسه، جهت اتصال به نهادها و سازمان‌های فرهنگی بیرون از مدرسه؛ مانند حوزه‌های علمیه، سازمان تبلیغات اسلامی، سازمان اوقاف، مساجد و ...

بسته پیشنهادی

از نگاه حکمرانی تعلیم و تربیت، نهاد متولی رشد و توانمندسازی فرهنگیان و معلمان عزیز، «دانشگاه فرهنگیان» است. در گذر زمان و با وجود زحمات زیاد در این دانشگاه، خروجی‌های فرهنگی در عرصه میدان معلمی، دچار مشکلات و نارسایی‌هایی هستند که به برخی از آنها در قسمت مسائل و چالش‌ها اشاره کردیم. بخش اول بسته پیشنهادی به بررسی پیشنهادات مدارس دولتی در راستای پربازده شدن دوره‌های دانشگاه فرهنگیان و عرصه حاکمیتی این مهم، می‌پردازد. بخش دوم این بسته اما، به بررسی راهکارهای بومی در هر مدرسه و حتی شخصی برای خود معلمان می‌پردازد که در مسیر رشد معلمان گرامی بکاربرده می‌شوند.

چند پیشنهاد جهت تغییر روش‌های توانمندسازی

نسل جدید ورودی‌های دانشگاه فرهنگیان، هم‌راستا با تغییر نسل دانش‌آموزان، متفاوت از نسل‌های قدیمی‌تر معلمان و فرهنگیان هستند. به تعبیری دیگر، خروجی همان دبیرستان‌های جدید، وارد دانشگاه‌ها می‌شوند. به همین جهت، شیوه‌ها و محتواها، و حتی نوع برخورد با این نسل از فرهنگیان، تفاوت‌هایی با نسل قبل خواهد داشت. سوال اساسی اینجاست که ما چقدر خودمان را با این تغییرات هماهنگ کرده‌ایم؟ آیا محتواها، روش‌ها و نوع برخوردها بروز شده است؟!

البته پرواضح است که اصول و پایه‌های مسیر رشد و حرکت دانش‌جو معلم‌های عزیز تفاوتی نکرده است. اما در ریزه‌کاری‌ها و مسئله‌های مخاطب، تفاوت‌های زیادی پدید آمده است. به همین منظور با مشورت مدیران جوان و باسابقه شبکه دلسوز مدارس دولتی، پیشنهاداتی را به دانشگاه فرهنگیان ارائه خواهیم داد:

۱. تشکیل کارگروه‌های ملی و استانی، جهت بررسی و بازنگری در روند توانمندسازی دانش‌جو معلم‌های عزیز
۲. استفاده از ظرفیت مدیران فعلی مدارس تحول‌خواه، جهت تدریس و راهبری گروه‌ها و هسته‌های فعال دانشجویان دانشگاه فرهنگیان، به شیوه‌های زیر:

- الف. بخشی از تدریس دوره‌های توانمندسازی با راهبری کاربردی و عملیاتی این عزیزان انجام گیرد.
- ب. دانشجویان در روزهایی که درس رسمی ندارند، می‌توانند به همراه این مدیران مجاهد، در مدرسه حاضر شوند، با دانش‌آموزان مرتبط شوند، به عنوان استادیار در کلاس به معلم رسمی کمک کنند.
- ج. در هر فصل، یک‌بار اردویی متشکل از این دانشجویان و مدیران و معلمان باسابقه مدرسه برگزار شود، تا هم فضای صمیمیت و شناخت دوطرفه رقم بخورد، و هم از تجربیات و دغدغه‌های دوطرف استفاده شود.
- د. نکات و دقت‌های دانشجویان جوان نیز برای بروزشدن معلمان باسابقه مفید خواهد بود؛ چه اینکه این نسل از دانشجویان به فضا و حال و هوای دانش‌آموزان نسل جدید، اشراف بیشتری دارند.



ه. در چارچوب مشخصی به مدیران اختیار داده شود، تا معلمان جوان سال آینده خود را از میان همین هسته و گروه دانشجویانی که یک سال با ایشان کار کرده‌اند، انتخاب کند.

چند پیشنهاد برای برنامه‌ریزی جهت رشد معلمان در مدرسه

۱۱۰

وقتی یک معلم وارد مدرسه می‌شود، بیشترین انتظار از او داشتن برنامه مشخص تربیتی و اجرای درست برنامه درسی است. مجموعه معلمان مدرسه برای انجام هر چه بهتر وظایفشان، نیاز به توانمندی لازم هستند. بخشی از این توانمندی قبل از ورود ایشان به مدرسه حاصل شده است. اما آیا مدرسه به عنوان یک نهاد تربیتی، نسبت به رشد همین معلمان ارجمند، وظیفه‌ای ندارد؟ آیا با توجه به اقتضائات متفاوت مدارس و معلمان آنها، بهتر نیست هر مدرسه‌ای به صورت ویژه روی «مسیر رشد معلمان» خود فکر کند.

برخی مدارس برای این مهم برنامه‌هایی را اجرا کرده‌اند که به صورت کوتاه و مختصر ارائه می‌دهیم:

۱. برای هر معلمی که وارد مدرسه می‌شود، یک «پرونده رشد» باز کنیم. خیلی ساده و شفاف نکاتی که در سال تحصیلی نسبت به عملکرد یک معلم می‌بینیم را در آن یادداشت کنیم. این پرونده، نمای کاری معلمین محترم را مشخص می‌کند.

۲. جلسات «شورای دبیران»، با رویکرد تحولی و رشدآفرین برگزار شود. در این رویکرد، گفت و گوی دبیران و معلمین محترم، صرفاً درباره امور اجرایی و جاری مدرسه نیست، بلکه هر چند جلسه یکبار، و یا در بخشی از جلسه، مسئله و موضوعی تربیتی مطرح، و سروران درباره آن مباحثه می‌کنند. اگر در این جلسات از حضور اساتید محترم استفاده شود، کیفیت جلسات بهتر می‌شود. مطالعه و ارائه کتاب‌های مرتبط با امر تعلیم و تربیت، و انتقال تجربیات معلمین با یکدیگر از دیگر شیوه‌های تحول‌آفرین در این جلسات است.

۳. با حضور «معلمین بازنشسته و تربیتی» در جلسات شورای معلمین، از طرفی از سالها زحمات ایشان قدردانی شود، و از طرف دیگر، در تعامل بین ایشان و معلمین جوان، راهکارهای تحولی در مدرسه به اشتراک گذاشته شود.

۴. با هماهنگی و مجوز اداره آموزش و پرورش، «دوره‌های ضمن خدمت مدرسه‌ای» برای همکاران فرهنگی در مدرسه و با توجه به نیازها و اقتضائات مدرسه برگزار شود.

۵. محصولات، دوره‌های مجازی، کتاب‌ها و اساتیدی که برای رشد معلمان می‌توانند به ایشان کمک کند، را معرفی کنیم.

۶. با برگزاری دوره‌های مشاوره، تربیت فرزند، سبک زندگی سالم و ... به برخی نیازهای روزمره و زندگی معلمین رسیدگی و کمک شود.

تشکل‌های دانش‌آموزی

۱۱۱

شوراهای دانش‌آموزی از مهم‌ترین تشکل‌های مدرسه هستند که نقش تحولی مهمی را در عرصه مدرسه می‌توانند ایفا کنند. در برنامه‌ریزی تحولی این شبکه نکات زیر بهتر است رعایت شود:

الف. نگاه ویژه مدیر و دیگر عوامل اجرایی مدرسه به شورا

اگر نگاه بزرگان مدرسه به شورا، یک نگاه راهبردی و تربیتی، و نه صرفاً اجرایی و بخش‌نامه‌ای باشد، نوع روبرو شدن و توجه به این تشکل به مراتب کیفی‌تر و عملیاتی‌تر خواهد بود. نگاه راهبردی و تربیتی به شورای دانش‌آموزی، یعنی شما یکی از مهم‌ترین شاخصه‌های نوجوان در دوران تربیتش را «مسئولیت‌پذیری» بدانید و برای رسیدن به این مرتبه و رشد، سرمایه‌گذاری کنید. لازمه سرمایه‌گذاری هم این است که مدتی هزینه بدهید تا روند یک چرخه تربیتی فراهم شود. چرخه تربیتی که در آن دانش‌آموختگان یک مدرسه، دست اعضای جدید شورا را می‌گیرند و تجربیات خود را در اختیار ایشان می‌گذارند و این روند ادامه پیدا می‌کند. در این مدت گذار، احتمال دارد برنامه‌هایی که به دانش‌آموزان واسپاری می‌شود، کامل و صددرصد نباشد، اما مهم این است که به دست خود دانش‌آموزان رقم می‌خورد.

ب. انگیزه‌سازی دانش‌آموزان برای فعالیت در شورا

اولین گام در مسیر شبکه‌سازی این شورا، «انگیزه‌سازی» است. انتخابات شورا وقتی جدی گرفته می‌شود که دانش‌آموزان انگیزه لازم را جهت شرکت در این تشکل داشته باشند. اگر ورود به این شورا با اختیارات لازم، و با حس کارآمدی و مثمر ثمر بودن در اعضای شورا همراه باشد، تحول بزرگی را در مدرسه می‌تواند به همراه داشته باشد.

به بیان دیگر مشارکت واقعی دانش‌آموزان در مدرسه، وقتی محقق می‌شود که امور مدرسه به صورت ملموس به دست دانش‌آموزان بیفتد.

نکته دیگر که بسیار مهم است «حس مشارکت عمومی» دانش‌آموزان در مدرسه است. انتخاب چند نفر از دانش‌آموزان و گزینش ایشان نباید این حس را به دیگر دانش‌آموزان بدهد که کار مدرسه فقط دست این چند نفر افتاده است. امور جاری مدرسه باید به صورت ریز تفکیک شود، و با تقسیم کار بین همه دانش‌آموزان، حس مشارکت عمومی در میان ایشان نهادینه شود.

یکی از تجربیات جالب در مسیر کارآمدسازی تشکل شورا، تجربه «وزارت‌خانه دانش‌آموزی» است. در این طرح هر کدام از دانش‌آموزان به عنوان یک وزارت‌خانه جایگاه و نظام عملیاتی ویژه‌ای در مدرسه دارد. طرح‌نامه این برنامه در پیوست ارائه می‌شود.



ج. استعدادسنجی و توانمندسازی اعضای شورا

برای رسیدن به نتایج مطلوب از این ساختار دانش آموزی، حتماً اعضای شورا باید مهارت‌ها و دانش‌های لازم را پیدا کنند.

مهارت تعامل با اعضای اجرایی مدرسه، دانش مدیریت تشکیلاتی و کار منظم، مهارت برنامه‌سازی فرهنگی در مدرسه، آشنایی با ابزارهای رایانه‌ای و مهارت‌های لازم جهت تدوین و ...، مهارت فن بیان، دانش تحلیل فرهنگی اجتماعی، از جمله مهارت‌ها و دانش‌هایی است که باید در این مسیر کسب شود.

برای اجرای این دوره‌ها از کارگاه‌های مجازی نهادها و سازمان‌های مختلف، هم‌چون مرکز آموزش‌های کاربردی «راه مربی» استفاده کرد.

د. عملیات مشترک شوراهای دانش آموزی مدارس

مسیر حرکت و رشد اعضای شورای دانش آموزی، با «عملیات‌های میدانی» جان می‌گیرد و روی زمین خود را نشان می‌دهد.

هر کدام از مدارس، با توجه به نیازها و مسئله‌های خود، طراحی‌های متنوعی برای این عملیات‌های میدانی دارند. اما برخی عملیات‌های مشترک، در تنظیم رویکردهای تربیتی، ایجاد هویت جمعی و ملی در شوراهای، نقش اساسی خواهد داشت.

یکی از پیشنهادهایی که در بخشی از مدارس دولتی، سال‌های گذشته در همین راستا اجرا شد طرح «مدرسه آینده» بود. در این طرح، دانش‌آموزان با راهبری مدیر و دیگر عوامل اجرایی مدرسه، مسئله‌ها و چالش‌های مدرسه را بررسی و برای حل آن پیشنهاد می‌دهند. در مرحله اجرایی نیز به کمک یکدیگر آن راه‌حل‌ها را اجرا می‌کنند.

جهت آشنایی با این طرح می‌توانید به درگاه‌های رسمی سازمان مدارس صدرا مراجعه کنید.

ه. ارزش‌یابی شوراهای

عملکرد نیم‌سال اول شورای دانش آموزی باید در فاصله بین دو نیم‌سال ارزش‌یابی شود. در این ارزش‌یابی، ابتدا دانش‌آموزان و انجمن اولیاء، و در مرحله بعد مدیر و عوامل اجرایی مدرسه نظر خود را درباره فعالیت‌های شورا بیان می‌کنند.

جهت اجرای پربازده «ارزش‌یابی» به پیشنهادات زیر دقت فرمایید:

- ♦ جلسه نقد و بررسی عملکرد شورای مدرسه با حضور اعضای شورا، و تمامی دانش‌آموزان مدرسه برگزار شود. درست نقد کردن، ارائه پیشنهادات در راستای حل مشکلات، و نقد پذیری و مسئولیت‌پذیری اعضای شورا، از جمله نکاتی است که باید در این جلسه رعایت شود.
- ♦ با حضور نماینده شورای دبیران، و نیز اعضای انجمن اولیاء گزارش سالیانه اعضای شورای دانش آموزی به این بزرگواران ارائه شود.
- ♦ در قالب یک پرسش‌نامه مجازی، از تمامی والدین و دانش‌آموزان درباره نوع عملکرد شورای مدرسه نظرخواهی شود. نوع سؤالاتی که در این پرسش‌نامه مطرح می‌شود، باید کارگشا و عملیاتی باشد.

انجمن اولیاء

انجمن اولیاء حلقه میانی بین عوامل اجرایی مدرسه و والدین دانش‌آموزان است. در برنامه‌ریزی تحولی این شبکه نکات زیر بهتر است رعایت شود:

الف. نگاه ویژه مدیر و دیگر عوامل اجرایی مدرسه به انجمن

پرواضح است که بدون مشارکت والدین در امور مدرسه، عوامل اجرایی مدرسه نمی‌توانند به تنهایی مدیریتی با کیفیت و تربیتی در خور منزلت آموزش و پرورش را داشته باشند. انجمن اولیاء نقطه اتصال والدین با عوامل اجرایی مدرسه است. به همین جهت مدرسه می‌بایست برای ارتباط و مشورت گرفتن و سپردن امور مدرسه به اعضای انجمن، سرمایه‌گذاری ویژه داشته باشد.

ب. شروع باشکوه

پیشنهاد می‌شود اولین جلسه اولیاء که معمولاً در ماه اول سال تحصیلی و با هدف انتخاب اعضای انجمن اولیاء تشکیل می‌شود، در فضایی صمیمی و اردویی برگزار شود. اجرای مسابقات پدر و فرزندی، همکاری والدین در پذیرایی، گفت‌وگوی صمیمی بین عوامل اجرایی مدرسه و دبیران، با والدین، و ... می‌تواند حس خوب مشارکت در امور مدرسه را در والدین ایجاد کند. در این شرایط استقبال والدین برای عضویت در انجمن به مراتب بالاتر می‌رود.

ج. هویت‌دهی به اعضای انجمن

هر چقدر مدیر مدرسه و دیگر عوامل اجرایی مدرسه بتوانند بیشتر و بهتر به اعضای انجمن هویت بدهند، بازده کاری این تشکل بالاتر می‌رود.

هویت‌دهی به اعضای انجمن با شیوه‌های زیر می‌تواند حاصل شود:

- ♦ برگزاری دوره آموزشی مخصوص اعضای انجمن، جهت هم‌نوایی عملکرد این بزرگواران
- ♦ تخصیص مکان ویژه در مدرسه به این انجمن، در صورت امکان
- ♦ بازدیدها و سفرهای درون‌شهری با اعضای انجمن؛ مانند سرکشی به خانواده‌های آسیب‌دیده مدرسه (مستمندان، آسیب‌دیدگان اجتماعی)، دیدار با خانواده شهدا، علما، پیشکسوتان فرهنگی مدرسه، مسئولین فرهنگی شهر و ...
- ♦ اعطای حکم، نشان انجمن، تقدیرنامه، و دیگر مشوق‌های فعالیت اعضا

بخش 6

تجهیزات، امکانات
ساختماني و منابع

استانداردها و اولویت‌ها

۱۱۷

مدرسه آینده‌ساز

واقعیت میدانی در برخی مدارس دولتی این است که این مدارس، از امکانات مناسب برای پیش‌برد اهداف تربیتی خود برخوردار نیستند. برخی دیگر فضای فیزیکی خوبی در ساختمان مدرسه دارند، اما از این فضا به درستی برای برنامه‌های مدرسه استفاده نشده است. هم‌چنین وسائل و امکانات لازم در فضای مدرسه نیاز به تکمیل و یا ترمیم دارند.

در این شرایط مدیر مدرسه با کمک اداره کل آموزش و پرورش شهرستان، باید استانداردهای لازم در راستای رسیدن به مدرسه مطلوب را در نظر داشته باشند و برای رسیدن به آن نقطه مطلوب، نقشه راه تدریجی بر اساس اولویت‌بندی مدنظر داشته باشند.

نگاهی به آیین‌نامه اجرایی مدارس

یکی از اسناد قابل اعتنا در راستای به اشتراک گذاشتن استانداردها و اولویت‌های فضا و امکانات مدرسه، «آیین‌نامه اجرایی مدارس» است.

در فصل پنجم آیین‌نامه اجرایی مدارس؛ مصوب سال ۱۴۰۰ درباره استاندارد فضا و امکانات مدارس سخن به میان آمده است.

در ماده ۱۰۵ و ۱۰۶ به زیرساخت‌های لازم جهت امور بهداشتی و ورزشی اشاره شده است.

در بخش «فضا و ایمنی» نکاتی وجود دارد که اشاره به آنها خالی از لطف نیست:

♦ در ماده ۱۱۰ به مدرسی که امکانات خوبی دارند اجازه داده شده با هماهنگی اداره آموزش و پرورش، فضاهای بلااستفاده خود را در اختیار مدارس فاقد این امکانات قرار دهد. این امکان از دو جهت می‌تواند به سود مدارس دولتی باشد. چه اینکه از جهتی مدارس دولتی کم‌برخوردار می‌توانند از این امکانات استفاده کنند، و از طرفی این امر سبب ارتباط عوامل اجرایی و دانش‌آموزان دو مدرسه می‌شود.

♦ ماده ۱۱۱ و ۱۱۲ جلوی برخی چالش‌های مدیران محترم را می‌گیرد. بنابراین دو ماده، اشکالات و نواقص زیرساختی مدرسه باید به صورت کتبی به اداره آموزش و پرورش شهرستان اطلاع داده شود، تا در صورت بروز مشکلات ناشی از این نواقص برای دانش‌آموزان، بار حقوقی برای مدیران نداشته باشد. هم‌چنین در صورت تغییر فضا سازی در مدرسه، این تغییرات باید به اطلاع اداره آموزش و پرورش برسد.

در بخش «فناوری» به نقش مثبت «فناوری اطلاعات و ارتباطات» به عنوان ابزاری برای «خلق فرصت‌های تربیتی» اشاره شده است. تأکید روی این نکته مهم است که صرفاً کنار هم گذاشتن امکانات و سخت‌افزار در مدرسه، مطلوب نیست. بکارگیری این ابزار در مسیر تربیت صحیح، هدف است. به همین جهت اگر برنامه مدون و نیروی انسانی مناسب برای استفاده تربیتی از فناوری اطلاعات و ارتباطات را نداریم، سراغ این ابزار نرویم.

در ماده ۱۲۵ از فصل پنجم این آیین‌نامه به این نکته اشاره شده است که مسئول نگهداری از امکانات مدرسه، همه عوامل مدرسه اعم از مدیر و معاونین و معلمان و دانش‌آموزان است.



استفاده از ظرفیت های بیرون مدرسه

۱۱۸

مدرسه آینده ساز

الگوی مدرسه‌داری علاوه بر حوزه‌های محتوایی و نرم‌افزاری باید حوزه سخت‌افزاری نظام اداره و حرکت مدرسه را نیز شامل شود. این دو بخش به‌طور متقابل بر یکدیگر تأثیر می‌گذارند و عدم توجه به یکی از آن‌ها می‌تواند منجر به ناکامی در تحقق اهداف شود. سخت‌افزار مدرسه را می‌توان در چهار حوزه زیر خلاصه کرد:

- ♦ بناها، محوطه‌ها و سازه‌های دائمی
- ♦ تجهیزات، ابزارها، و مبلمان
- ♦ منابع مالی
- ♦ مواد و اقلام مصرفی

با وجود سرانه‌ها و امکانات محدود در مدارس دولتی اما باز هم می‌توان در مورد افزایش ظرفیت مدرسه در این بخش به شیوه‌های مختلف ابتکار به خرج داد. حتی اگر نگاه به آموزش و پرورش از زاویه هزینه‌ای به سرمایه‌گذاری مبدل شود و منابع کافی در اختیار مدرسه قرارگیرد، نظام اداره آن بی‌نیاز از افزایش بهره‌وری استفاده از امکانات و بهره‌مندی از امکانات پیرامونی برای ارتقای خود نخواهد بود. در ادامه به فراخور هر کدام از حوزه‌های مرتبط با بخش‌های سخت‌افزاری الگوی مدرسه‌داری به بحث خواهیم پرداخت.

بهره‌برداری چند منظوره از فضاها

یکی از محدودیت‌های موجود در فضای مدارس دولتی، نبود فضاهای اختصاصی برای تمامی فعالیت‌ها است. یکی از پیشنهادها در این حوزه بهره‌برداری چند منظوره از فضاهای در دسترس است. بهره‌برداری چند منظوره از فضاها به معنای پیش‌بینی و استفاده از فضاهایی است که قابلیت انجام فعالیت‌های مختلف را دارند. این نوع فضاها می‌تواند نیازهای متنوع کاربران را برآورده کنند و به حداکثر کارایی و بهره‌وری از فضا کمک کنند. در زیر به برخی از ویژگی‌های این نوع فضاها اشاره می‌شود:

- ♦ انعطاف‌پذیری: این فضاها باید قابلیت تغییر چیدمان و استفاده برای فعالیت‌های مختلف را داشته باشند. ثابت نکردن مبلمان یا فرش یک محوطه کمک می‌کند تا در مواقع لازم تغییرات مد نظر را در آن اعمال کرد. یک نمازخانه می‌تواند در زنگ ورزش به سالن زورخانه بدل شود.
- ♦ استفاده از مبلمان چند منظوره: استفاده از مبلمان قابل تغییر مانند میزها و صندلی‌های تاشو یا تجهیزات چرخ‌دار و متحرک در نسبت با نمونه‌های ثابت آن این امکان را فراهم خواهد کرد تا در هر جایی بشود از آن‌ها استفاده کرد.
- ♦ پیش‌بینی هوشمندانه: فضاهای چند منظوره اغلب با پیش‌بینی‌های هوشمندانه همراه هستند. نورپردازی و دکوراسیون آن‌ها به گونه‌ای است که تناسب کافی با کارکردهای مختلف آن فضا را داشته باشد. گاه تهویه هوا یا سرمایش و گرمایش آن محوطه باید تاب انجام فعالیت‌های مختلف را داشته باشد و این مهم با پیش‌بینی هوشمندانه‌ی اولیاء مدرسه قابل تأمین است.
- ♦ زمان‌بندی: هم‌چنین زمان‌بندی مناسب فعالیت‌ها برای بهره‌برداری چند منظوره از فضاها اهمیت دارد. برای



نمونه راهروهای یک مدرسه به راحتی می‌توانند به یک سالن سینما یا تئاتر بدل شوند، مشروط به آنکه در زمان بندی برنامه‌های پیش‌بینی شده در این فعالیت با دیگر کارکردهای راهروها مانند ورود و خروج دانش‌آموزان از کلاس درس متداخل نشود.

نگهداری بنا به مثابه وظیفه عمومی

یکی از بخش‌های حائز اهمیت در مورد بنای مدرسه مقوله نگهداری از آن است. اهمیت این موضوع در مدرسی که بنای آن‌ها سال‌های متمادی مورد بهره‌برداری قرار گرفته و به اصطلاح نوساز نیستند دو چندان نیز می‌شود. تشخیص زودهنگام مشکلات ساختمان، و بازرسی دوره‌ای نیز از کارهایی است که اغلب مورد غفلت قرار می‌گیرد و همین موضوع باعث آسیب‌های بیشتر به بنا می‌شود. یکی از روش‌هایی که می‌تواند نگهداری از مدرسه را آسان کند تبدیل کردن آن به یک وظیفه همگانی است. برای این کار می‌توانید از ظرفیت افراد مختلف استفاده کنید. برای نمونه هر کدام از اجزای ساختمان را به یکی از دانش‌آموزان بسپارید. یا در ارزیابی‌های تخصصی از وضعیت بنا از اولیایی که دارای مهارت‌های لازم هستند دعوت کنید. معلمان مدرسه نیز متناسب با حجم حضور خود در مدرسه می‌توانند در این بخش چشم‌بینای مدیر مدرسه باشند.

برخی از فعالیت‌های تعمیر و نگهداری بنا نیز می‌تواند به عنوان یک رویداد جمعی توسط همه اهالی مدرسه انجام شود. رنگ کردن دیوارها، نظافت دوره‌ای ساختمان، انبارگردانی‌ها، سرویس‌کاری عمومی تجهیزات سرمایشی و گرمایشی همه از این قبیل هستند. گاه می‌توان این رویدادها را به صورت خانوادگی نیز برگزار کرد. دو رکن اصلی در راهبرد وظیفه عمومی، برنامه‌ریزی روشن و دقیق و ارائه آموزش‌های لازم برای مشارکت کنندگان است. بدون آموزش و برنامه‌ریزی ممکن است نه تنها به نگهداری بنا کمکی نکند بلکه می‌تواند باعث ایجاد برخی از آسیب‌ها یا افزایش هزینه‌ها نیز بشود. البته نباید بیان این ملاحظه ما را از اجرای این راهبرد در نگهداری بنای مدرسه منصرف کند. علی‌الخصوص که این راهبرد علاوه بر حوزه سخت‌افزاری می‌تواند در ایجاد فرصت تربیتی در ساحت‌های مختلف نیز کارکردهای جدی داشته باشد. کمی خلاقیت در این راهبرد می‌تواند مسئولیت‌پذیری و حس تعلق دانش‌آموزان به مدرسه را نیز افزایش دهد.

داشته‌های دیگران به جای نداشته‌های ما

با وجود تمامی راهکارهای پیشنهادی نمی‌توان محدودیت‌های موجود در مدارس دولتی را برای داشتن فضای مناسب و لازم انکار کرد. کمبود سرانه، نبود فضاهای تخصصی، و تأثیر کیفیت پایین برخی فضاهای موجود بر فعالیت‌ها از جمله این کاستی‌ها است. برای حل این مشکلات می‌توان نگاه دقیق‌تری به پیرامون مدرسه داشت. فضاهای خوبی در نزدیکی بسیاری از مدارس وجود دارد. از محوطه‌های باز تا فضاهای اداری و عمومی مانند مسجد و کتابخانه و مانند آن. علاوه بر آن بسیاری از کسب و کارهای اطراف مدرسه می‌توانند جای خالی کارگاه‌ها و آزمایشگاه‌های مدرسه را پر کنند. مذاکره با صاحبان اصلی این ظرفیت‌ها حتی اگر یک دهم این این گفتگوها به تفاهم منجر شود آورده بزرگی برای یک مدرسه دولتی خواهد بود. مدرسه‌ای که اعضای آن با افراد محل و اطرافیان ارتباط کافی داشته باشند و با چشم باز به مدرسه رفت و آمد می‌کنند و به گشاده‌رویی و افشای سلام مشهورند امید است در این مسیر هم موفق‌تر عمل کنند.



نگهداری از تجهیزات

تجهیزات متنوعی در یک مدرسه دولتی در دسترس است. برخی از آن‌ها به صورت اختصاصی به یک دانش‌آموز تعلق می‌گیرد مانند صندلی که هر روز بر روی آن می‌نشیند. برخی تجهیزات عمومی هستند. مانند وسایل بازی و ورزش یا تجهیزات آزمایشگاه و کارگاه و نمازخانه. برخی هم به معلمان و کارکنان مدرسه تعلق دارد. برخی از ابزارها به صورت گروهی متعلق به یک عده خاص است مثل آزمایشگاه که اغلب برخی از معلمان از آن استفاده می‌کنند. یا تخته سیاه هر کدام از کلاس‌ها که تا انتهای سال توسط شاگردان همان کلاس مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرد. برای نگهداری بهتر از این وسایل می‌توانید آن‌ها را به خود افراد ذی‌نفع واگذار کنید و در پایان سال یا فعالیت از ایشان تحویل بگیرید. این اقدام از حس مالکیت افراد برای رشد حس مسئولیت پذیری نسبت به تجهیزات مدرسه کمک می‌گیرد. نظافت و رسیدگی دوره‌ای این تجهیزات می‌تواند در این شیوه از نگهداری آن‌ها، ارزان و به موقع انجام شود.

۱۲۰

مدرسه آینده‌ساز

ائتلاف مدارس

مدارس دولتی اغلب با محدودیت جدی در حوزه ابزارهای کمک آموزشی مواجه هستند. تهیه این ابزارها هم با توجه به تورم سال‌های اخیر از دسترس مدارس خارج شده است. شکل‌گیری ائتلافی از مدارس هم‌سو، هماهنگ و همراه می‌تواند مسیری برای اشتراک گذاری اندک تجهیزات موجود در هر مدرسه و ایجاد یک فرصت بزرگتر برای یکدیگر را فراهم کند. تهیه فهرستی از ابزارهای کمک آموزشی موجود در مدارس اولین قدم در این مسیر است. پس از آن برنامه‌ریزی مشترک برای بهره‌برداری از این تجهیزات باید انجام شود. فرصت بهره‌برداری هر مدرسه از تجهیزات مشترک می‌تواند تابعی از جمعیت مدرسه، میزان تجهیزات به اشتراک گذاشته شده توسط هر مدرسه یا میزان احتیاج مدرسه به ابزارهای کمک آموزشی باشد. بسته به تفاهم مدارس این الگو می‌تواند پیچیده‌تر نیز باشد. در مرحله جایگزینی تجهیزات یا خرید تجهیزات جدید نیز می‌توان بر اساس همان الگو عمل کرد. برخی از تجهیزات خاص یا با کیفیت مشروط به وجود چنین هم‌افزایی‌هایی، قابل خرید است. یکی از ضرایب مهم که می‌بایست در فهرست تجهیزات مدارس درج شود ضریب استفاده از تجهیزات است. همین موضوع نشان می‌دهد در چه ایامی و به چه میزان می‌توان تجهیزات را با دیگران به اشتراک گذاشت. برخی ابزارها گاه مدت‌های طولانی مورد بهره‌برداری قرار نمی‌گیرند. خرید تجهیزات نیز در یک ائتلاف با تیراژ بیشتری انجام، و طبعاً منجر به کاهش قیمت‌ها نیز خواهد شد.

انتشار فهرست نیازمندی‌ها

همواره فهرستی از تجهیزات مورد نیاز خود را برای ارائه به دیگران داشته باشید. کسب و کارها، کارخانه‌ها و مراکز تحقیقاتی گاه تجهیزات کهنه خود را به دیگران واگذار می‌کنند. برخی از آن‌ها برای فعالیت‌های کمک آموزشی مدرسه کفایت لازم را دارند. این موضوع در مورد خانواده‌ها و کسب و کارهای محلی متعامل با مدرسه نیز صادق است. برخی از مراکز این کار را در مورد کتاب‌های خود انجام می‌دهند. برای نمونه سازمان اسناد و کتابخانه ملی بسیاری از کتب تکراری هدیه شده به این مراکز را به مدارس علاقمند واگذار می‌کند. تنها کافی است با این مجموعه مکاتبه کرده و نماینده‌ای از طرف مدرسه برای گلچین کردن کتب از میان انبار کتاب‌های



اهدایی به آن سازمان معرفی نمایید. کتابخانه‌های عمومی، مراکز مرتبط با شهرداری‌ها و بانک‌ها نیز در برخی موارد اقداماتی از این دست انجام می‌دهند.

منابع مالی

۱۲۱

مدرسه آینده‌ساز

منابع دولتی در دسترس مدرسه بسیار ناچیز و برای اقل برنامه‌های مدرسه ناکافی است. از این رو به نظر می‌رسد در مدارس دولتی نباید به همین یک منبع کفایت کرد. اما چگونه می‌توان سبد منابع مالی مدرسه را توسعه داد؟ فهرستی از منابع در دسترس مدارس و نحوه فعال کردن آن‌ها در زیر ارائه شده است:

۱) جذب کمک‌های مردمی: تشکیل انجمن اولیا و مربیان و ایجاد فرصت کافی برای مشارکت والدین در توسعه منابع مالی مدرسه از اولین اقدامات در این بخش است. فرصتی ایجاد کنید تا علاوه بر کمک مستقیم اعضای انجمن، ایده‌ها و تلاش‌های ایشان برای جلب منابعی که به آن دسترسی دارند جاری شود. این مهم می‌تواند هر دو نوه جمع‌آوری کمک‌های مالی و غیرمالی از والدین و جامعه محلی را شامل شود.

یکی دیگر از مسیرها برای جذب کمک‌های مردمی برگزاری رویدادهای مختلف است. برگزاری جشن‌ها، نمایشگاه‌ها، برپایی موکب و سایر رویدادهای اجتماعی محمل مناسبی برای جمع‌آوری کمک‌های مالی است. اغلب مردم علاقمند به کمک به فعالیت‌های اجتماعی و داوطلبانه هستند.

۲) ارائه خدمات آموزشی و فوق برنامه: ارائه کلاس‌های فوق برنامه برای دانش‌آموزان می‌تواند بخشی از هزینه‌های مدرسه را تأمین نماید. گاه می‌شود مسئولیت این دوره‌ها را به دانش‌آموزان قدیمی مدرسه نیز سپرد و از ظرفیت ایشان برای درآمدزایی به نفع مدرسه و تقویت پایه‌های تحصیلی آن‌ها استفاده کرد. برگزاری مسابقات علمی در مدرسه نیز می‌تواند در این بخش سامان‌دهی شود.

همین ظرفیت با تنوع بیشتری در مورد فعالیت‌های ورزشی و فرهنگی صادق است. برگزاری مسابقات ورزشی یا فرهنگی با دریافت هزینه ثبت‌نام، و جلب کمک‌هزینه از دیگر مراکز دولتی و غیردولتی پشتیبان چنین رویدادهایی از روش‌های توسعه سبد منابع مالی مدرسه است.

۳) همکاری با نهادهای دولتی و خصوصی: دریافت کمک‌های دولتی لزوماً منحصر در وزارت آموزش و پرورش نیست. منابع مالی متنوعی در دیگر نهادهای دولتی و غیردولتی اعم از شرکت‌ها و مراکز علمی و فرهنگی پیش‌بینی شده است. برخی از آن‌ها در قالب خدمات و تجهیزات و برخی دیگر در قالب تفاهم‌نامه و قرارداد به توسعه منابع مالی مدرسه منجر می‌شود.

۴) توسعه مشارکت با کسب‌وکارهای محلی و برنامه‌های کارآموزی: ایجاد روابط با کسب‌وکارهای محلی برای تأمین منابع مالی یا تجهیزات به‌عنوان حامیان مالی در کنار ایجاد برنامه‌های کارآموزی برای دانش‌آموزان در همکاری با شرکت‌ها، می‌تواند منابع مالی اضافی برای مدرسه ایجاد کند. این ایده می‌تواند در اتصال به تربیت در ساحت اقتصادی به رشد دانش‌آموزان نیز کمک کند.

۵) مدیریت بهینه منابع موجود: تحلیل هزینه‌های انجام شده برای مدرسه می‌تواند از طریق جمع‌آوری الگوهای مصرف جاری در مدرسه و دیگر اطلاعات مالی به امکان بررسی و کاهش هزینه‌ها در بخش‌های مختلف مانند تعمیرات، تأمین مواد اولیه و تجهیزات منجر شود. این مسیر اگرچه منبع جدید درآمدی ایجاد نمی‌کند اما از طریق امکان ذخیره‌سازی هزینه‌ها به نحوی سبد منابع مالی را در رسیدن به اهداف بهره‌ور می‌کند. مهارت اولیای



مدرسه در استفاده از فناوری اطلاعات و بهره‌گیری از نرم‌افزارهای مدیریت مالی برای کنترل بهتر هزینه‌ها و درآمدها بسیار مفید خواهد بود.

۶) استفاده از کارزارهای تبلیغاتی و ارتقاء آگاهی اجتماعی: تبلیغ اجتماعی در مورد اهمیت مشارکت و حمایت مالی از مدرسه می‌تواند مسیر برخی از هزینه‌هایی را که مردم برای امور خیریه کنار می‌گذارند به سمت مدرسه و فعالیت‌های تربیتی آن جهت‌دهی نماید. استفاده از الگوهای جمع‌سپاری استفاده از شبکه‌های اجتماعی گسترده و تعریف ظرفیت‌های مختلف برای همکاری اعضای جامعه با مدرسه می‌تواند سبب منابع مدرسه را در برخی از حوزه‌ها به صورت چشمگیری توسعه دهد. دعوت به وقف، یا سهم شدن در فرآیند تربیت نسل بعد از طریق وصیت ثلث اموال به‌عنوان یک حسنه‌ی جاریه در صورت ارائه مناسب به افراد جامعه می‌تواند علاقمندان خاص خود را به سمت مدرسه جذب نماید. برخی از این فعالیت‌ها باید با ظرافت‌های حقوقی و اجتماعی لازم انجام شود تا ضمن حفظ شخصیت مدرسه، اعتماد افراد را نیز جلب نماید.

مواد و اقلام مصرفی

مدارس در دو بخش خدمات ضروری و خرید کالاهای مصرفی وابسته به سرانه‌های اعطایی توسط آموزش و پرورش هستند. کاستی‌های موجود در این بخش چنان که پیشتر نیز بیان شد اغلب منجر به کاستی در استفاده به موقع از خدمات ضروری یا تأمین کالاهای مصرفی مورد نیاز می‌شود. همین امر اغلب باعث افزایش هزینه‌های مدرسه و کاهش بهره‌وری در استفاده از منابع می‌شود. با فرض عدم توسعه منابع در دسترس مدرسه می‌توان با برخی از اقدامات نسبت به افزایش بهره‌وری در این بخش امیدوار بود.

استفاده از نیروی انسانی در دسترس برای ارائه خدمات ضروری

سرویس دوره‌ای تجهیزات مدرسه، تعمیرات جزئی و دیگر خدمات ضروری را به قدر وسع می‌توان به معلمان، دانش‌آموزان یا والدین توانمند در این حوزه‌ها واگذار کرد. داشتن فهرستی از توانمندی‌های افراد حاضر و مرتبط با مدرسه می‌تواند کمک بزرگی برای استفاده به موقع از ایشان باشد. گاهی نیز می‌توان از طریق آموزش این موارد به برخی از این افراد هزینه‌ها را کاهش داد. سرمایه انسانی تجمیع شده در مدارس بزرگترین دارایی آن به شمار می‌رود که حداقل ثمر آن می‌تواند در این حوزه‌ها خود را به نمایش بگذارد.

تعریف جایزه صرفه‌جویی

با بازشناسی الگوی مصرف مدرسه، همه را به نهایت صرفه‌جویی و دستیابی به نصاب‌های جدید در مصرف کالاهای مورد نیازشان تشویق کنید. جایزه‌ها را متنوع طراحی کنید تا طیف وسیعی از تلاشگران در این بخش را شامل شود. به پر مصرف‌ها هشدار بدهید و روش‌های موفقیت و ابتکارات دیگران را به اشتراک بگذارید. البته مراقب باشید صرفه‌جویی جایگزین اهداف اصلی مدرسه نشود و کمی اقلام ضروری منجر به افت کیفیت تربیت و آموزش نشود. لازم نیست جایزه شما صرفاً معطوف به کاهش مصرف باشد، بلکه حفظ رکورد مصرف بهینه نیز می‌تواند از طرف مدرسه تشویق شود. اگر پایش این کار برای شما سخت هم نباشد بهتر است آن را به فعالیت دانش‌آموزی بدل کنید. به همکاران و معلمان نیز بابت همراهی ایشان در این مسیر بازخورد مثبت بدهید. همراهی همه موفقیت در چنین راهبردهایی را آسان‌تر می‌کند.



آموزش و ارائه بازخورد

ممکن است بعد از مدتی از اجرای برنامه‌های بهره‌وری در مورد اقلام و منابع مصرفی، با افت انگیزه افراد روبرو شوید. به شکل‌های مختلف از طریق آموزش و ارائه بازخورد این روحیه را تقویت کنید. افرادی را از بیرون مدرسه دعوت کنید تا نتایج دانش‌آموزان در این صرفه‌جویی‌ها را ببینند. به انجمن اولیا و والدین بچه‌ها در مورد موفقیتشان بازخورد دهید. کارهایی را که دی نتیجه یک صرفه‌جویی امکان انجامشان فراهم شده گزارش کنید و بگذارید فایده ملموس این کار در مدرسه احساس شود.

بهره‌برداری مجدد

برخی از مواد مصرفی در مدرسه قابل بازیافت هستند و قبل از انتقال به زباله‌دانی، می‌شود چاره‌ای برای آن‌ها اندیشید. کاغذ از اصلی‌ترین مواد با این ویژگی است. تولید مداد کاغذی، تولید دفترچه‌های کوچک از بخش‌های سفید کاغذهای باطله، تولید کار دستی با خمیر کاغذ و یا استفاده از ظروف پلاستیکی استفاده شده در مدرسه می‌تواند بسیار برای دانش‌آموزان جذاب باشد. حتی تفکیک پسماند بسیاری از اقلام مصرفی می‌تواند علاوه بر آموزش‌های محیط زیستی به دانش‌آموزان، درآمدهایی را هم به همراه داشته باشد.

دو کار مهم [برای سند تحول آموزش و پرورش] هست؛ یکی ترمیم [یعنی به‌روزرسانی و ملاحظه کردن] اصل سند که این [کار] به وسیله‌ی خود شورای عالی انقلاب فرهنگی باید انجام بگیرد، و دوم هم برنامه‌ی جامع اجرائی که تشکیلات آموزش و پرورش این برنامه را باید تنظیم بکند.

رهبر معظم انقلاب ۱۳۹۹/۶/۱۱



معاونت طرح و برنامه
سازمان مدارس صدا